



## فصلنامه مطالعات ایلام شناسی

فصلنامه ی علمی تخصصی باستان شناسی \* شماره ی ۱۲ \* سال چهارم \* زمستان ۱۳۹۸

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر حبیب اله محمودیان

سردبیر: دکتر سیاوش یاری

مدیر اجرایی: مهندس آزاده محمودیان

مشاور: دکتر رضا خانی

ویراستار فارسی: حسن افشار

مدیر امور فنی و رسانه :: دکتر امید محمودیان

ویراستار انگلیسی: دکتر پریسا پورمحمدی

صفحه آرا: معصومه صفایی نیا

شماره پروانه: ۷۸۸۰۹ - ۱۳۹۵/۱۰/۶

ناشر: انتشارات زاگرو

شمارگان: ۵۰۰

بهاء: ۳۵۰۰۰ تومان



نشانی دفتر فصلنامه: ایلام، خیابان اشرفی اصفهانی، کوچه سوم، پلاک

۳۱۷

کدپستی: ۶۹۳۱۸۵۸۳۱۵ - تلفن: ۳۳۳۳۴۳۱۸ --- ۰۸۴

habibmahmoodian@yahoo.com

پست الکترونیک:

Ilamzagro@Gmail.com



## هیئت تحریریه:

دکتر رضا احمدی

رشته ی تخصصی: جنگلداری

دکتر پریسا پورمحمدی

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر شاهین حیدری

رشته ی تخصصی : معماری- انرژی

دکتر حاجی کریمی

رشته ی تخصصی: هیدرو ژئولوژی

دکتر رضا خانی

رشته ی تخصصی : زبان و ادبیات انگلیسی

دکتر علی خاکی

رشته ی تخصصی معماری سازه

دکتر لیلا خسروی

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر سهیلا درویشی

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر فرنگیس درویشی

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر ناصر راد

رشته ی تخصصی : روابط بین الملل

## دوران این

### شماره:

دکتر سیاوش یاری

دکتر لیلا خسروی

دکتر خداکرم مطاهری

دکتر سهیلا درویشی

دکتر حاجی کریمی

دکتر علی خاکی

دکتر مسعود شادمان

رشته ی تخصصی : علوم تاریخ، تمدن ملل

دکتر غلامحسین کریمی دوستان

رشته ی تخصصی: زبان شناسی

دکتر حبیب اله محمودیان

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر ابراهیم مرادی

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر خداکریم مظاهری

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر لیلی نیاکان

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر سیاوش یاری

رشته ی تخصصی : تاریخ اسلام

## فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۵	ویژگیهای کلی مقاله
۷	نگاهی اجمالی به تحولات تاریخی و باستان شناختی تمدن ایلام
۷	دکتر حبیب اله محمودیان
۴۶	بررسی استقرار های دوران نوسنگی در زاگرس غربی
۴۶	دکتر پریسا پورمحمدی، مهندس آزاده محمودیان
۶۵	تحولات باستان شناختی دشت الشتر در عصر روستانشینی میانه
۶۵	عنایت اله نوریان کلاه کج
۸۹	بررسی باستان شناختی بنای تاریخی قلعه و دژ شاخ
۸۹	مهندس عبدالمالک شنبه زاده
۱۲۸	نه متن خطی کتیبه دار ایلامی بر روی ظروف نقره ای "گوناگی"
۱۲۸	فرانسوا دوسه، ترجمه: ماندانا محمودی
۱۴۹	نگرشی بر اسطوره شناسی در ایران باستان
۱۴۹	زهره صید مرادی
۱۷۵	چکیده انگلیسی مقالات

## ویژگی‌های کلی مقاله

مقاله باید نتیجه‌ی تحقیقات نویسنده (نویسندگان) باشد. مقاله نباید در نشریه‌ی دیگری منتشر شده باشد. چاپ مقاله، منوط به تأیید نهایی هیئت تحریریه‌ی فصلنامه است. پذیرش مقاله برای چاپ، پس از تأیید هیئت داوران خواهد بود. مسئولیت مطالب و محتوای مقاله بر عهده‌ی نویسنده (نویسندگان) است. مجله در ویرایش ادبی و فنی مقاله بدون تغییر محتوای آن آزاد است. نام کامل نویسنده، مرتبه‌ی علمی، دانشگاه محل تدریس یا تحصیل، رشته‌ی تحصیلی و شماره تلفن نویسنده در صفحه‌ی جداگانه‌ای ضمیمه شود. ارسال مقاله از طریق ایمیل فصلنامه‌ی مطالعات ایلام‌شناسی نیز امکان‌پذیر است.

## ساختار مقاله

مقاله باید دارای: چکیده، مقدمه، متن اصلی، نتیجه‌گیری، پی‌نوشت، منابع و چکیده‌ی انگلیسی باشد. **عنوان:** نام کلی مقاله، به نحوی که گویا و بیانگر محتوای مقاله باشد.

**مشخصات نویسنده:** شامل نام و نام‌خانوادگی، مرتبه‌ی علمی، رشته‌ی تحصیلی، دانشگاه محل تدریس و یا تحصیل وی باشد.

**چکیده:** شرح جامعی از مقاله با واژه‌های محدود؛ شامل: بیان مسأله، هدف، روش تحقیق و یافته‌های پژوهش. لازم به ذکر است چکیده‌ی مقاله نباید از ۲۰۰ واژه (۱۲ سطر) بیشتر باشد.

**واژه‌های کلیدی:** شامل ۴ تا ۷ واژه‌ی تخصصی است که دارای اهمیت باشد.

**مقدمه:** شامل طرح مسأله‌ی اصلی و هدف پژوهش است؛ در این بخش باید به اجمال، سوابق پژوهشی در حیطه‌ی مسأله‌ی موردنظر مطرح شود.

**متن اصلی:** شامل متن اصلی مقاله است و می‌تواند با جدول، تصویر و نمودار و... همراه باشد.

**نتیجه‌گیری:** شامل خلاصه و نتیجه‌گیری است. **پی‌نوشت:** توضیحات ضروری که پس از نتیجه‌گیری می‌آید. **منابع:** فهرست نویسی ارجاعات مقاله بر مبنای شیوه‌نامه‌ی مجله.

**چکیده‌ی انگلیسی:** چکیده‌ی انگلیسی باید عیناً ترجمه‌ی چکیده‌ی فارسی باشد.

**شیوه ی تنظیم متن:** مقاله باید با قلم (فونت) B zar و اندازه ی ۱۳، فاصله بین خطوط ۱،۱۵ (single) و در فرمت word نوشته شده باشد.

چکیده، واژه‌های کلیدی، منابع، ارجاعات داخل پرانتز، شعرها و هر مطلبی که درون پرانتز بیاید، باید با اندازه ی ۱۱ نوشته شود.

نقل قول‌های مستقیم بیش از پنج سطر، جدا از متن اصلی و با همان قلم ولی با اندازه ی ۱۱ نوشته شود.

### شیوه ی ارجاع به منابع

ارجاعات مندرج در مقاله، مستند و مبتنی بر منابع معتبر باشند. ارجاع داخل متن شامل: نام خانوادگی نویسنده، سال چاپ اثر: شماره ی صفحه یا صفحات. مثال فارسی: (نگهبان، ۱۳۷۶: ۵۴)، لاتین: (Smith 1999: 33). **ارجاع به اسناد تاریخی:** عنوان سند، شماره ی طبقه‌بندی و دسترسی، نام آرشیو کتاب.

**ارجاع به کتاب در قسمت منابع پایانی:** نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ نشر، عنوان کتاب، نام و نام خانوادگی مترجم یا مصحح، جلد، نوبت چاپ، نام ناشر، محل نشر.

**ارجاع به مقاله:** نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ نشر اثر (داخل پرانتز)، عنوان مقاله ی مورد استفاده (داخل گیومه)، نام و نام خانوادگی مصحح یا مترجم، عنوان اصلی دانشنامه یا فصلنامه و مجله، دوره یا سال انتشار، شماره ی صفحات مقاله.

**ارجاع به پایان‌نامه:** نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، سال دفاع (داخل پرانتز)، عنوان رساله، مقطع دفاع شده، نام و نام خانوادگی استاد راهنما، نام دانشگاه و دانشکده ی محل تحصیل.

**ارجاع به سایت های اینترنتی:** نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ درج مطلب در وبگاه (درون پرانتز)، عنوان مقاله یا اثر (داخل گیومه)، نشانی الکترونیکی وبگاه.

منابع مقاله به صورت الفبایی و براساس نام خانوادگی مؤلف تنظیم شود؛ منابعی که در پایان مقاله ذکر می شود، همان منابعی باشند که در داخل متن استفاده شده است.

عنوان کتاب‌ها و مقاله‌ها در منابع پایان مقاله به طور کامل ذکر شود. منابع غیرفارسی، پس از منابع فارسی آورده شود. **توجه:** تمام مقالات دریافتی، توسط دو داور، داور ی خواهند شد.

## نگاهی اجمالی به تحولات تاریخی و باستان شناختی تمدن ایلام

دکتر حبیب اله محمودیان<sup>۱</sup>

### چکیده

ایلام، یکی از تمدن های بزرگ خاورمیانه در عهد باستان بوده که در جنوب غربی فلات ایران و در محدوده خلیج فارس واقع شده است. بررسی های تاریخی و باستان شناسی نشان می دهد از سواحل شمالی خلیج فارس تا آسیای صغیر و سواحل خاوری مدیترانه و مصر بیش از شانزده تمدن در دوران باستان متولد شده و گسترش یافته که قدیمی ترین این تمدن ها، ایلام می باشد. آغاز ظهور ایلام به ۴۵۰۰ ق.م می رسد و ۳۸۶۰ سال در تاریخ جهان باستان دوام داشته است.

ایلام بادیگر تمدن ها از جمله تمدن های بین النهرین (سومر، اکد، بابل، آشور) در ارتباط بوده اند. بررسی تاریخی تحولات باستان شناسی ایلام باستان و حوادث و رویدادهای مختلف آن، ابعاد مختلف این ارتباط را بیشتر روشن می نماید. تاثیر پذیری فرهنگی ناشی از این مقوله ها، نشانگر روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایلام و بین النهرین بوده است. از این رو، مطالعه و بررسی تحولات فرهنگی ایلام و تمدن های میان رودان نیز مورد توجه بوده است. بنابراین، در این مقاله تلاش شده تا با بهره گیری از منابع و یافته های حاصل از پروژه های تحقیقاتی، بخشی از هویت تاریخی این سرزمین بزرگ معرفی شود.

**واژگان کلیدی:** ماداکتو، چغازنبیل، میان رودان، اینشوشیناک، آلامتو، کرخه.

<sup>۱</sup> - عضو هیئت علمی دانشگاه، دانش آموخته باستان شناسی پیش از تاریخ ایران.

## نگاهی اجمالی به تحولات تاریخی و باستان شناختی تمدن ایلام

**مقدمه:** تمدن ایلام در محدوده ی زاگرس جنوبی و غربی و سرزمین های همجوار آن شکل گرفته است. در این منطقه از زاگرس بر روی رودهای کارون، دز و سیمره که یونانی ها از آنها به ترتیب به نام های «اولئوس»، «کپراتز»، «اوکنو» یاد کرده اند، پل های متعددی ساخته شده است. تعداد این پل ها اهمیت ارتباطی ساکنان این منطقه با دیگر مناطق را نشان می دهند. در محدوده ای که امروزه به نظر باستان شناسان، محل سکونت و حکومت ایلامیان در دوران باستان بوده، به دلیل وجود ناهمواری ها، نزدیکی به دریا، جهت امتداد کوه ها، مسیر توده های آب و هوایی، موقعیت مناسبی برای سکونت، فعالیت های کشاورزی و دامپروری دارا بوده است. این شرایط موجب شده تا زندگی به شیوه های غارنشینی، کوه نشینی و استقرار در دامنه ها و سپس دشت نشینی و استقرار یک جا نشینی در آن استمرار داشته باشد. ایلامیان مهمترین و قدیمی ترین تمدن ایجاد شده در این محدوده ی جغرافیایی است.

**واژه ایلام:** در منابع و اسناد متعلق به اقوام و تمدن ها، واژه ایلام، آلام و آلامتو (سرزمین مهر، سرزمین خورشید) به معنای سرزمین طلوع خورشید آمده است. وجه فارسی آن در منابع جدید و نوشتارها «ایلام» آمده است. در منابع بین النهرین برای این سرزمین با صورت و وجه عربی (عبری) آن «عیلام» نوشته شده و به مناطق کوهستانی شرق میانرودان (نواحی جنوب و غرب کوهستان زاگرس و مناطق پست حاشیه ای)، اطلاق شده است. اما نکته مهم در این مقاله، تاریخ تحولات این تمدن باستانی است که به آن پرداخته شده است. ویکی پدیا (دانشنامه آزاد) ایلام و تمدن آن را چنین معرفی می نماید: ایلام (به فارسی باستان: ووْجه، هووجه.<sup>۲</sup> نام یک تمدن در منطقه ای است که بخش بزرگی در

<sup>۲</sup>-Uvja



جنوب غربی فلات ایران را در پایان هزاره سوم قبل از میلاد در بر می‌گرفت و در دوره هخامنشیان به منطقه جغرافیایی سوزیانا<sup>۳</sup> شوش تقلیل یافت. ایلامیان کشورشان را «هَلتَمتی<sup>۴</sup> به معنای «سرزمین خدا» می‌خواندند. اکدیایان بدان «الامتو<sup>۵</sup> می‌گفتند و سومریان آن را با اندیشه نگاشت NIM به معنای «بالا و مرتفع» می‌نوشتند.

ایلام، در حدود ۲۰۹۴ تا ۲۰۴۷ پیش از میلاد توسط شولگی پادشاه دوم سلسله سوم اور تسخیر گردید و بعداً در سال ۲۰۰۴ (ق.م) سلسله سوم اور توسط ایلام واژگون می‌شود. در سال ۶۳۹ (ق.م)، آشوربانی پال شاه آشور، ایلام را شکست داد و شوش را غارت کرد. پس از این جنگ، ایلام هرگز به عنوان یک قدرت مستقل ظاهر نگردید. ایلامیان از آغاز دوره پیش‌ایلامی تا پایان دوره ایلام نو، حدود ۲۶۶۱ سال در جنوب غربی ایران زندگی و حکومت می‌کرده‌اند (یا ما اوجی، ۱۳۹۰: ۲۲۴).

**نام ایلام:** نام ایلام با سومر نگار NIM به معنای ساده و بلند نوشته شده است که اغلب با معرف KI به نشانه سرزمین مملکت همراه بوده است. شکل اکدی به کار رفته معمولاً KUR elammatum یا سرزمین ایلام بود... (Quintana 1996a:50) به عبارت دیگر، ایلام سرزمینی مرکب از نهادهای سیاسی بود که بین هزاره چهارم و سوم ق.م در کوهپایه‌های زاگرس رشد و گسترش پیدا کرده است.

ایلامی‌ها در طول حکمرانی، با تهاجمات بیگانه در تقابل بوده و متحدان محلی یافته‌اند؛ اما متأسفانه در کتیبه‌های بر جای مانده مطالب زیادی از خود باقی نگذاشته‌اند. والتر هینز نوشته است: این اقوام در شاهنشاهی هخامنشی نقش مهمی داشتند و سقوط شوش را در برابر آشوریان و ظهور مادها و پارس‌ها را مقطعی از آمیختن تاریخ و باستان‌شناسی ایلام

3 - Susa

4 - Ha(l)tamti/Hatamti

5 - Elamtu

می‌داند (هینتس، ۱۹۷۲: ۱۶۰). به عبارت دیگر، امپراتوری ایلام در کنار بابلیان و سومریان تا عصر استیلای هخامنشیان تداوم و سیطرهٔ حکومت شان بر نواحی جنوب و جنوب غرب ایران ادامه داشته است. هالک نیز نوشته است: نام ایلامیان را می‌توان در متون تاریخی مربوط به اسکندر و جانشینان سلوکی جستجو کرد. البته، در متون بابلی دربارهٔ تهاجمات متعدد سپاهیان ایلامی که برخی از آنها دارای فرماندهی با نام‌های ایلامی‌ها بوده، اشاره شده است. در منابع یونانی و لاتین از مناطق الیمایی و الیمایی‌ها یاد می‌شود که تجسمی از حضور ایلامی‌ها در این روزگار است. (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۹).

نام درست این سرزمین همان واژهٔ هَلْتَمَتی یا هلمتی است نه نام عبری عیلام که از سوی دشمنان آنها گزینش شده و در کتاب‌های یهودیان ذکر شده که علمی نیست؛ ولی بر اساس نظریاتی که در کتاب مقدس یهودی‌ها آمده، ممکن است پسر سام در این منطقه حضور داشته‌است (سفر پیدایش ۱:۱۴).

هخامنشیان این سرزمین را Uja می‌خواندند که گفته می‌شود نام کنونی «خوز» (خوزستان) بازمانده همین واژه است. اَدْرَلاَعمر نام یک ایزد ایلامی بوده است و تنها در یک جا آورده شده است و در هیچ کجا به عنوان یک شاه یاد نشده است (Quintana 1996a:50). این تمدن بزرگ از مهمترین و قدیمی‌ترین تمدن‌های خاورمیانه محسوب می‌گردد.

**خاستگاه نام ایلام:** در فهرست شاهان سومری آمده است که «ان - امبرگیسی»، پادشاه نیمه افسانه‌ای سلسلهٔ اول کیش به ایلام لشکر کشید (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۵). برای نخستین بار است که به نام ایلام تحت عنوان دشمن سومر اشاره می‌شود. شکل اکدی آن، کُر الاماتیوم<sup>۶</sup> به معنای سرزمین ایلام می‌باشد (پاتس، ۱۳۸۶: ۱۴). کاتبان ایلامی نام

<sup>۶</sup>- KUR elamatum

سرزمینی را که در آن می زیسته اند را با دو واژه «هال» و «هتمتی» به معنای سرزمین خدای بخشنده ثبت کرده اند (هینتس، ۱۳۷۶: ۴). این نام در قرن هجدهم پیش از میلاد برای اولین بار در کتیبه های ایلامی ظاهر شده است.

**وجه تسمیه:** ایلام از دیدگاه مورخان، نویسندگان به عنوان سرزمین مرتفع، سرزمین خدایان و سرزمین طلوع خورشید معرفی شده است که در این مبحث به وجوه و ابعاد آن اشاره شده است.

**سرزمین ایلام:** پیرآینه، در مقدمه کتاب تاریخ ایلام نوشته است: شوش مرکز تلاقی دو تمدن مهم بوده است که هر یک در دیگری تأثیر بسیار داشته است. یکی تمدن جلگه بین النهرین و دیگری تمدن فلات ایران. ورود ایلام به صحنه تاریخ، به اواخر هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم قبل از میلاد بر می گردد، به طوری که این تمدن مهم و مقتدر باستانی از ۳۰۰۰ سال ق.م تا ۶۴۸ ق.م؛ یعنی حدود ۲۵ قرن حیات سیاسی داشته است.

### حوزه جغرافیایی تمدن ایلام

حوزه جغرافیایی تمدن ایلام در دوران های پیش از تاریخ و تاریخی و اعصار اسلامی هم چنان بلا انقطاع تداوم تاریخی خود را سپری نموده و با وجود مطالعات اندک و محدودیت حفاری های علمی باستان شناسی، خوشبختانه شواهد کم نظیری از گستره تاریخ آن که قابلیت تعمیم را در سطح جوامع و حوزه های فرهنگی در طول قرون دارد، ارائه می دهد. نگاهی گذرا به نقشه فعلی ایران، محدوده ای را تصویر می نماید که عمدتاً زاگرس آن را به دو بخش تقسیم و دو حوزه جغرافیایی در شرق (فلات مرکزی) و محدوده زاگرس و سرزمین های بخش غربی و جنوبی آن به وجود آورده است. جریان رودخانه های دائمی و پر آب چون: سیمره (کرخه)، کارون و... در بخش غربی و رودهای

کر، زاینده رود، هلیل رود و.... در بخش شرقی زاگرس به سمت فلات مرکزی زمینه-های مناسبی برای استقرار مداوم بشر نخستین تا امروز ایجاد نموده است. این شرایط موجب شده تا تمدن‌های کهن در اعصار مختلف تاریخ در این منطقه شکل بگیرند. حوزه جغرافیایی ایلام باستان شامل: خوزستان، ایلام کنونی، لرستان، بخشی از زاگرس، نواحی فارس، نواحی شرق دجله در سرزمین میان‌رودان و خلیج فارس بوده است. به طور تقریبی می‌توان گفت تمدن ایلام، از غرب به رودخانه دجله، از شمال به جاده خاوران، قصرشیرین فعلی تا همدان، از جنوب به خلیج فارس و جزایر این دریا و از شرق به خط فرضی همدان به استان هرمزگان و تنگه هرمز محدود است. در اوج عظمت، از سمت مغرب به بابل، از شمال به اصفهان و از مشرق حتی تا خراسان می‌رسیده است (پیرآمیه، ۱۳۴۹: ۲؛ پاتس، ۱۳۸۵: ۲؛ اکبری، ۱۳۸۶: ۶۷). سرزمین ایلامیان نه تنها شامل جلگه شوش با رودهای دز، سیمره و کارون بود، بلکه مناطق کوهستانی را نیز در بر می‌گرفت (مجید زاده، ۱۳۷۰: ۵). همچنین بابلیان قسمت مرتفع سرزمینی را که در مشرق بابل قرار داشت (ایلام کنونی) را آلامتو<sup>۱</sup> یا الام<sup>۲</sup> (کوهستان یا بالای کوه) و شاید «کشور طلوع خورشید» (مشرق) می‌نامیدند (پیرآمیه، ۱۳۴۹: ۲؛ گیلانی، ۱۳۹۱: ۷۴).

براساس شواهد باستان‌شناسی، گستره سرزمین ایلام، از غرب به رود دجله، از شرق به استان کرمان، از شمال به کوه‌های بختیاری، کوهستان الوند، دامنه‌های شمال زاگرس مرکزی و از جنوب به خلیج فارس و تنگه هرمز محدود بوده است. کاوش‌های باستان‌شناسی اطلاعات تازه‌ای در رابطه با محدوده تمدن ایلام در منطقه ورامین تهران به

<sup>۱</sup> - Elamtu

<sup>۲</sup> - Elam

دست داده است. وسعت سرزمین ایلام در اوج قدرت بیشتر بوده و برخی سرزمین‌های همجوار را در حیطه‌ی قدرت خود داشته است.

ایلام از زمان تأسیس تافروپاشی به‌دست آشوریان، در کنار همسایگانی حکومت می‌کرد (گیرشمن، ۱۳۳۶: ۲۹؛ شه‌میرزادی، ۱۳۸۲: ۲۰۰؛ گشایش، ۱۳۸۱: ۲۰۰؛ بهزادی، ۱۳۸۳: ۳۶). اصولاً ایلام مرکز تلاقی دو تمدن مهم بوده که هر یک در دیگری تأثیر بسیار داشته است: یکی تمدن میان‌رودان و دیگری تمدن فلات ایران (آمی، ۱۳۴۹: ۱۳). طبق نوشته‌ی گیرشمن: «کار او (ایلام) عبارت بود از دریافت داشتن، توسعه بخشیدن و سپس انتقال دادن» (گیرشمن، ۱۳۳۶: ۳۳)، چنان‌که آنها خط را از سومریان اقتباس کرده و آن را تکامل بخشیدند، سپس در اختیار هخامنشیان قرار دادند. البته، کاوش‌های باستان‌شناسی اخیر در حوزه‌ی هلیل رود، اطلاعات بیشتری در رابطه با خط و کتابت ایلامیان ارائه داده که از جهات مختلف دارای اهمیت بوده و قابل تأمل است.

### آجر نوشته‌های ایلامی

بخش مهمی از خط و کتابت ایلامیان را می‌توان بر روی آجر نوشته‌های چغا زنبیل ملاحظه نمود. تعداد این آجر نوشته‌ها بسیار زیاد است و پنج یا شش تیپ مختلف را در بر می‌گیرد که بر اساس معیار نوشته‌ها و خطوط از هم متمایز می‌شود. مضمون بیشتر آنها نفرین بر ویران‌کنندگان بناست. روی دیوارهای معبد، آجرهایی به خط ایلامی و اکدی دیده می‌شود. این آجرها روی بدنه‌های زیگورات به فاصله‌ی هر ده رج تکرار شده‌اند؛ یعنی به ازای هر ده ردیف آجر ساده دور تا دور بنا یک ردیف آجر کتیبه‌دار کار گذاشته شده است. همه کتیبه‌ها دارای مضمون یکسانی هستند و بیانگر نام و نسب پادشاه و هدف او از ساخت بنا همچین، مجسمه‌های خدایان و عبادت موبد بزرگ ذکر

شده است. آجرها توسط مهر مکتوب نشده‌اند، بلکه هر کدام جداگانه با دست نوشته شده‌اند؛ زیرا ایلامیان از خط برای تزئین بنا استفاده کرده‌اند (پورمحمدی، ۱۳۹۶: ۷۸).

### دوران تاریخ ایلام

بیشتر اطلاعات راجع به تاریخ ایلام از منابع میان‌رودان به دست آمده است. تاریخ ایلام معمولاً به سه دوره با گستره بیش از دوهزار سال تقسیم می‌شود. دوره پیش از نخستین دوره تاریخ ایلام به نیا - ایلامی مشهور است.

- نیا - ایلامی: حدود ۳۲۰۰ پ. م تا ۲۷۰۰ پ. م (خط نیا - ایلامی در شوش)؛
  - ایلام باستان: حدود ۲۷۰۰ پ. م تا ۱۶۰۰ پ. م (نخستین اسناد تا دودمان اپارتی)؛
  - ایلامی میانه: حدود ۱۵۰۰ پ. م تا ۱۱۰۰ پ. م (دودمان آنزان تا حمله بابلی‌ها به شوش)؛
  - ایلام نو: حدود ۱۱۰۰ پ. م تا ۵۳۹ پ. م آغاز دوره هخامنشی.
- در منابع دیگر تاریخ ایلام، به چهار دوره متمایز تقسیم شده است.
- دوره پروتو ایلامی قبل از ۱۹۰۰ ق. م، سلسله‌های اوآن و سیماش از دوره پروتو ایلامی بشمار می‌روند.

دوره ایلام قدیم ۱۳۰۰ - ۱۹۰۰ ق. م؛

دوره ایلام میانه ۹۰۰ - ۱۳۰۰ ق. م؛

دوره ایلام نو ۶۴۰ - ۹۰۰ ق. م.

فرانسوا والا در کتاب تاریخ ایلام نوشته است: پژوهشگران جدید تا مدت‌ها ایلام را با سوزیانا یکی می‌پنداشتند. سوزیانا مترادف با دشت و کوهپایه‌های زاگرس سفلی در استان خوزستان امروزی است. همان مرکز باستانی پادشاهی انشان بوده است و اثبات گردید که شوش و ایلام دو مفهوم متمایز بوده‌اند؛ به عبارت دیگر، شوش مترادف ایلام نیست. در واقع، در طی تاریخ چند هزار ساله ایلام، مرزهای این سرزمین نه تنها از

دوره‌ای به دوره دیگر، بلکه با توجه به دیدگاه کسی که آن را توصیف می‌کرد، متغیر بود. برای مثال؛ بر اساس منابع میان‌رودان، می‌توان نقشه‌ای نسبتاً دقیق از ایلام در اواخر هزاره سوم پیش از میلاد ترسیم کرد. ترسیم این نقشه را به ویژه مدیون «جغرافیای سارگن اکدی» هستیم، اثری که در دوره آشوری جدید تدوین شد و دامنه فتوحات سارگن بزرگ را حدود ۲۳۰۰ پیش از میلاد نشان می‌دهد. طبق تصور میان‌رودانی‌ها در اواخر هزاره سوم پیش از میلاد، کشور ایلام تمامی فلات ایران را در بر می‌گرفت و از میان‌رودان تا دشت کویر و دشت لوت و از دریای کاسپین تا خلیج فارس گسترده بود (Vallat, 1993: PP 302-313).

### ایلامیان باستان

ساکنان بومی فلات ایران برای نخستین بار از اواخر هزاره چهارم قبل از میلاد در جلگه‌های بین زاگرس و شرق بین‌النهرین (دشت‌های رسوبی خوزستان و سرزمین‌های پیرامونی) قدیمی‌ترین سیستم حکومتی را در منطقه ابداع کرده‌اند. این منطقه یکی از کهن‌ترین مناطق فرهنگی ایران است که در گذشته سرزمین خدایان لقب گرفته بود. امپراتوری عظیم ایلام به عنوان بزرگترین و قدیمی‌ترین تمدن دنیای باستان در این گستره سرزمینی (جنوب و جنوب غربی ایران) شکل گرفته است.

ایلامیان از اقوام متمدن ایرانی بودند که قدیمی‌ترین شهرهای جهان را پایه‌ریزی کردند و قدیمی‌ترین پایتخت‌های جهان را بنیان گذاردند. در نوشته‌های سومری اطلاعاتی در باره ایلام از حدود ۲۸۶۰ قبل از میلاد ارایه شده است.

بررسی‌های تاریخی و باستان‌شناسی نشان می‌دهد شاهان ایلام از سال ۲۲۲۵ تا ۶۴۰ قبل از میلاد؛ بر سرزمین ایلام فرمانروایی داشته‌اند. آثار به دست آمده از محوطه‌های باستانی قدمت تاریخ تمدن ایلام را به قرن‌ها قبل از این تاریخ (حدود ۵۰۰۰ سال پ.م) می‌دانند

تمدن جیرفت)؛ اما به دلیل نبود مدارک نوشتاری نمی‌توان درباره حکومت‌ها و شاهان ایلامی پیش از این دوره اظهار نظر کرد.

پادشاهی ایلام در اوج برتری‌اش، بر بخش‌هایی از بین‌النهرین احاطه داشت. این پادشاهی شامل اتحادی از ایلات و طوایف منطقه می‌شد؛ اما چنین اتحادی لزوماً به معنای امپراتوری نبوده است. هرگاه ایلامی‌ها قدرت یافته‌اند، نقشی در سیاست بین‌النهرین ایفا کرده‌اند و حتی بر بخش‌هایی از آن سرزمین، اگرچه کوتاه مدت، فرمان رانده‌اند. کشور ایلام از دو بخش کوهستانی و دشتی تشکیل می‌شد. پایتخت‌های ایلامیان که در کتیبه‌ها ثبت شده است عبارتند از: شوش و ماداکتو. بقایای شهر باستانی شوش نمونه بارز شهر سازی و از نخستین شهرهای سازمان یافته دنیای باستان قلمداد می‌گردد.

### ایلام گذرگاه میان‌رودان به فلات ایران

ایلام با توجه به موقعیت جغرافیایی خاص خود، دروازه و گذرگاه تمدن‌های میان‌رودان به فلات ایران بوده است. اگرچه ایلامیان ظاهراً با شکست در مقابل آشوریان از صحنه تاریخ ساقط شده‌اند؛ ولی واقعیت این است که ایلامیان و زبان آنان در دوران پس از ایلامی (پارسی) ظاهر می‌شوند (پاتس، ۱۳۸۵: ۳). ایلامیان نیز، در متون تاریخی مربوط به اسکندرو جانشینان او حضور داشتند و در قالب «ایلمایی‌ها» به صورت مستقل حکومت می‌کردند و بر آنان پادشاهانی حکم می‌راندند تا این که مهرداد اول به زمامداری آنان پایان داد (استوپر، ۱۳۸۹: ۱۱۲؛ بروسیوس، ۱۳۸۵: ۱۵۶). به هر حال، ایلامیان یکی از مهم‌ترین اقوام ساکن جنوب غرب ایران پیش از ظهور شاهنشاهی هخامنشیان بوده‌اند. علاوه بر این، پژوهش‌های باستان‌شناسی جاری نشان می‌دهد که تأثیر سیاسی و فرهنگی ایلام در دوران متفاوتی تا نواحی دور دست شمال در لرستان و مناطق بختیاری در جنوب



تا سواحل خلیج فارس، در شرق به سوی کرمان، سیستان، خراسان و در غرب تا میان-رودان گسترش یافت. از این رو، شناخت فرهنگ و تمدن ایلام منجر به شناخت فرهنگ و تمدن های دیگر نقاط هم جوار خواهد شد (Fisher, 1968: 17؛ پاتس، ۱۳۸۵: ۲).

### سایت های باستانی متعلق به ایلام

تمدن ایلام بر اساس یافته های باستان شناسی و اسناد و مدارک تاریخی در محدوده جنوب غرب ایران و حاشیه خلیج فارس بزرگ ترین تمدن باستانی ایران است که در حدود پنجاه قرن (در حدود ۶۶۰ - ۳۰۰۰ ق.م) پیش تأسیس شده است. در منابع مختلف سلسله های حکومتی ایلام به نام های: آوان<sup>۹</sup>، سیماش<sup>۱۰</sup>، اپارت<sup>۱۱</sup>، ایکیهالکی<sup>۱۲</sup>، شوتروک<sup>۱۳</sup> و ایلام نو معرفی شده اند. بر اساس اظهارات باستان شناسان از جمله فرانسواوالا، جورج کامرون، والترهینتس و اریکا، مناطقی که آثار ایلامیان در آن مشاهده شده عبارتند از: ارجان بهبهان، شوش، هفت تپه، چغامیش و چغازنبیل در استان خوزستان، ملیان، نقش رستم و حاجی آباد در استان فارس، لیان بوشهر، شهداد کرمان، سیلک کاشان، تپه های موسیان، علی کش، چگا سفید و.. دهلران، چگا آهوان، چگاصیفور و... در استان ایلام، پیشوا در ورامین، نقوش برجسته ایلامی در اشکفت سلمان، کول فره و... هر چند در حوزه رودخانه کر در فارس تا نواحی هلیل رود در بخش شرقی تمدن ایلام شواهدی از آثار عصر ایلامیان مشاهده شده است.

<sup>9</sup> - Awan

<sup>10</sup> - Simash

<sup>11</sup> - Epart

<sup>12</sup> - Igi-Halki

<sup>13</sup> - Shutruk

پایتخت های مهم حاکمان ایلامی عبارتند از: شوش و ماداکتو ( احتمالاً در منطقه کوهستانی شمال شوش در نواحی جنوب شرقی استان ایلام) و در مواردی شهر Der (احتمالاً بدره در استان ایلام) هم ذکر شده است و «قایدالو» یا «خایدالو» در محدوده زآگرس هم در برخی دوره ها مرکز حکومت ایلامیان بوده است.

حفریات و مطالعات علمی انجام شده در حوزه دهلران شواهد ارزنده ای از دوران پیش ایلامی ارایه نموده است که هر کدام از مباحث اشاره شده موضوعات متنوعی را مطرح و بازگو می نمایند. قدیمی ترین دوره این استقرار در حوزه دهلران متجاوز از یازده هزار سال پیش بوده که با نام فرهنگ عصر بزمرد (۷۲۰۰-۸۲۰۰) و سپس، در دوره های متاخرتر که به ترتیب مربوط به حدود نه تا هفت هزار سال پیش هستند که با عنوان دوره های علی کش (۶۴۰۰-۷۲۰۰) و محمد جعفر (۶۱۰۰-۶۴۰۰ ق.م) طبقه بندی شده اند. دوره های استقراری دوران ایلامی در بیشتر سایت های منطقه دهلران در مسیر ارتباطی با میان رودان به دست آمده است.

آثاری از دوره ایلامی در حاشیه رودخانه سیمره و در مکانی به نام چم نمشت واقع در چهار کیلومتری شرق دره شهر استان ایلام مشاهده شده است.

احتمالاً این محدوده جغرافیایی بتواند به عنوان یک شهر ایلامی (ماداکتو) مورد توجه باستان شناسان قرار گیرد. شهر باستانی چگا آهوان و محوطه وسیع باستانی امیرآباد در شهرستان مهران از توابع استان ایلام که دارای شواهد و شناسه های فرهنگی دوران ایلامی است نیز، از منظر تحقیقات ایلام شناسی با اهمیت خواهد بود. محدوده باستانی چگا صیفور و تل سیروان در شهرستان سیروان در استان ایلام دارای آثار ایلامی است که ضرورت دارد در این مورد تحقیقات علمی باستان شناسی انجام شود.

## تحقیقات باستان‌شناسی

آثار و شواهد فرهنگی سرزمین‌های پست و حاصلخیز حواشی جنوب غربی زاگرس برای باستان‌شناسان اهمیت داشته است. لذا، در طول دو قرن گذشته هیئت‌های مختلفی به بررسی، حفاری و کاوش در این محدوده پرداخته‌اند که به برخی از این فعالیت‌ها اشاره می‌شود: حفاری دشت خوزستان و دهلران به وسیله دانشگاه رایس تگزاس تحت سرپرستی فرانک هول. عملیات حفاری دانشگاه شیکاگو و کالیفرنیا به وسیله دلوکاز و هلن کانتور در تپه چغامیش. تحقیقات اریکا در مورد زبان ایلامی و ترجمه سنگ نبشته‌های هفت تپه. حفاری و بررسی دانشگاه میشیگان در نزدیکی دزفول تحت سرپرستی هنری رایت. حفاری و کاوش در شوش و مناطق پیرامونی به وسیله هیئت‌های مختلف اعزامی از طرف دولت فرانسه. فعالیت حفاری در هفت تپه به وسیله عزت‌اله نگهبان و هیئت‌های باستان‌شناسی داخلی و خارجی...

بررسی و شناسایی، حفاری و کاوش و سایر برنامه‌های مطالعاتی پیرامون موقعیت تاریخی و باستان‌شناختی در مناطق جنوب و جنوب غرب ایران و نیز سایر مناطق کشور به منظور شناخت تاریخ تحولات فرهنگی و تمدنی ایلام.

«مدارک باستان‌شناسی دوران آغاز ایلامی و ایلام قدیم، در تپه سنجر خوزستان» (سرداری زارچی، علی‌رضا و سمیرا عطاپور، ۱۳۹۷: 138-119)، فصلنامه مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۷). رابرت آدامز نیز تپه سنجر در دشت شوشان را بررسی و ثبت نموده است.

در ۱۸ کیلومتری شمال شوش در مسیر راه ورودی دهلران به خوزستان. دمورگان آن را در فهرست شهرهای فتح شده آشوریان ذکر می‌کند (Morgan 1896:288).

دمکنم آن را ماداکتو می‌نامد (Mecquenem and Michalon 1953:10).

برگزاری کنفرانس‌ها و همایش‌های ملی و بین‌المللی برای ارائه یافته‌های علمی در داخل کشور و چاپ و انتشار مقالات علمی در نشریات داخلی و خارجی در رابطه با تحولات فرهنگ و تمدن ایلام در عهد باستان.



تپه سنجر در شمال خوزستان

### مکان یابی ایالت‌ها

«استرابون»<sup>۱۴</sup> مورخ یونانی به دلیل اهمیت این شهر، ایالتی از ایلام را که شوش در آن واقع بود، شهر «سوزیان» یا «سوزیانا» خوانده است. «آوان» را در شمال غرب شوش ذکر کرده‌اند که گویا در کناره رودخانه‌های دز و کرخه بوده است. «سیماش» احتمالاً به مناطق کوهستانی ایلام اطلاق می‌شده است و «پارسوماش» را با مسجد سلیمان امروزی منطبق دانسته‌اند؛ اما کاوش‌های هیئت باستان‌شناسان آمریکایی به سرپرستی «ویلیام

14- Strabon

سامنر<sup>۱۵</sup>، در سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۸ میلادی در تپه «ملیان»<sup>۱۶</sup> دشت بیضای فارس مشخص کرد که انشان همان ملیان امروزی بوده است و این امر از طرف اغلب باستان‌شناسان پذیرفته شده است.



باستان‌شناسان سرزمین‌های متعلق به ایلام را چنین مکان‌یابی نموده‌اند.

۱. نظر جورج کامرون: شوش در خوزستان، انشان در ملیان فارس، اوان احتمالاً در نزدیکی خرم‌آباد (شمال شوش)، سیماش احتمالاً در غرب اصفهان «بختیاری».
۲. نظر واتر هینتس: سیماش احتمالاً در شمال خرم‌آباد، بقیه نظرات: مانند جورج کامرون.
۳. فرانسوا والا: سیماش احتمالاً در کرمان، بقیه نظرات: مانند جورج کامرون.
۴. پیر آمیه: سیماش احتمالاً در جنوب شوش، بقیه نظرات: مانند جورج کامرون.

<sup>15</sup> -William, Sumner

<sup>16</sup> -Malyan

ضمناً خدای معروف ایلامی، خدای اینشوشیناک است و برخی از پادشاهان ایلامی از جمله کوتیک اینشوشیناک (پوزور اینشوشیناک) این نام را در پسوند اسم خود داشته‌اند. این پادشاه از سلسله اوان بوده و در لوحه هجایی ایلامی درباره خود موضوعاتی نوشته است. وی ابتدا حاکم شوش بوده؛ سپس، پادشاه ایلام می‌شود.

### ساختار حکومتی و سلسله‌ها

در برخی منابع اشاره شده که سرزمین ایلام از منظر ساختار حکومتی به شکل فدرال اداره شده است؛ هر چند اظهار نظر درست در این زمینه به دلیل پراکندگی منابع مشکل خواهد بود. از ۱۱۱۰ تا ۱۲۱۰ قبل از میلاد سلسله‌ای به نام «شوتروکی» در ایلام قدرت را به دست گرفت. از وقایع مهم این دوره، حمله به بین‌النهرین و تصرف بابل توسط «شوتروک ناهونته» مقتدرترین پادشاه این سلسله است. وی در حمله به بابل و تصرف آن، غنایم زیادی از جمله تندیس «مردوک» خدای بابل و استل «قانون حمورابی» را به شوش آورد.

بعد از دوران، این سلسله تا ۷۶۰ قبل از میلاد، دوران مبهم و تاریک ایلام آغاز می‌شود که به دلیل فقدان مدارک باستان‌شناسی و اسناد تاریخی، اطلاعات کمی از آن دوره موجود است. از ۷۶۰ قبل از میلاد، سلسله ایلام جدید بر این منطق حکومت دارد که تا سال ۶۴۰ ادامه می‌یابد. به گفته صراف: تاریخ ایلام از زمانی که خط اختراع شده شروع شده و اولین سلسله پادشاهی آن، سلسله اوان می‌باشد. آخرین پادشاه ایلام نیز، «هومبان هالتاش سوم» بوده که به دست آشوربانی پال سقوط می‌کند (۶۶۰ ق.م). با این وضعیت سلسله ایلامی‌ها منقرض می‌شود و مادها و هخامنشیان بر این مملکت حکومت کرده‌اند. بر اساس مطالعات انجام شده می‌توان سلسله‌های حکومتی ایلام را به شرح زیر ذکر نمود:

- سلسله اوان؛
- سلسله ی سیماش؛
- سلسله ی اپارتی (سو کلاماهو یا سوکل مخها)؛
- سلسله ی ایکهالکی و شوتروکها؛
- سلسله ی ایلامی نو.

#### گاه نگاری سلسله ها

- پادشاهان سلسله آوان (۲۵۰۰ تا ۲۲۰۰ پ.م)؛
- پادشاهان سلسله سیماشکی (۲۱۰۰ تا ۱۹۰۰ پ.م)؛
- پادشاهان سلسله گاردهای مرزی سلسله اپارتی - به سومری سوکل مخها(-  
۱۸۵۰ تا ۱۵۲۰ پ.م)؛
- پادشاهان ایلامی میانه (۱۴۵۰ تا ۱۱۲۰ پ.م)؛
- پادشاهان ایلام جدید (۹۸۳ تا ۶۴۰ پ.م).

#### منشاء قومی

برخی معتقدند که ایلامیان از جنوب قفقاز به جنوب آمده اند. گروه دیگری معتقدند که آنان از حبشه به این منطقه آمده اند. دومرگان معتقد است: به علت وجود نقش صورت سیاه سربازی ایلامی بر روی کاشی های رنگی لعابدار که در حفاری های شوش بدست آمده، باید خاستگاه آنان از حبشه باشد. نگهبان: معتقد است ایلامیان بومیان اصلی منطقه هستند. در مورد تمدن ایلام آثاری از سومری ها به دست آمده مبنی بر اینکه ایلامیان به آنجا رفته و جنگ بین آنها ادامه داشته است. تاریخ ایلام و تسلط آنان بر این سرزمین تا سال ۶۶۴ قبل از میلاد ادامه یافته و در این سال آشور بانی پال پادشاه آشور بر هومبان هالتاش سوم پادشاه

ایلام غلبه کرده و به سلطهٔ ایلامیان خاتمه می‌دهد. پس از آشوریان ابتدا مادها و سپس، هخامنشیان بر این سرزمین تسلط یافتند.

### مستندات تاریخی

ایلام به عنوان مهمترین و قدیمی‌ترین تمدن در منطقه خاورمیانه مورد توجه بسیاری از مورخان، تاریخ نگاران و باستان‌شناسان بوده است. مطالعهٔ اسناد و مدارک مربوط به ایلامیان و ارتباط با تمدن‌های بین‌النهرین و نیز، سایر تمدن‌های همجوار موجب شده تا ایلام در کانون تلاش‌های علمی باستان‌شناسان و ایلام‌شناسان قرار گیرد.

بر اساس منابع، اسناد، گزارش‌ها و یافته‌های حاصل از تحقیقات باستان‌شناسی می‌توان آثار، شواهد و شناسه‌های فرهنگی متعلق به ایلامیان را در محل‌های زیر مورد مطالعه قرار داد: هفت تپه در استان خوزستان به وسیلهٔ هیئت ایرانی به سرپرستی نگهبان مورد کاوش قرار گرفته است. شوش در استان خوزستان به وسیلهٔ هیئت‌های مختلف داخلی و خارجی از جمله گریشمن و ژان پرو فرانسوی مورد مطالعه قرار گرفته است.

چغازنبیل: به وسیلهٔ گریشمن مورد کاوش قرار گرفته است. آثار آجر نوشته‌ها از مهمترین یافته‌های باستان‌شناسی این شهر ایلامی است. ضمناً نام ایلامی چغازنبیل به صورت دور-اونتاش (شهر اونتاش) آمده که مربوط اونتاش گال (اونتاش ناپیرشا) پادشاه سلسلهٔ ایکهالکی ایلامی (۱۲۴۰-۱۸۷۰ ق.م) است. ده نو: هیئت فرانسوی به سرپرستی پزو آن را مورد کاوش قرار داده است. چغامیش در استان خوزستان: دلوگاز و هلن کنتور در آنجا کاوش نموده‌اند. اشکفت سلمان و کول فره: در استان فارس دارای آثار ایلامی (نقش برجسته) است. بوشهر = لیان {به زبان ایلامی} که پزو آن را مورد پژوهش قرار داده است.



آثار ایلامی ملیان فارس و تخت جمشید به وسیله ویلیام سامنر<sup>۱۷</sup> به دست آمده است. حوضه رود کر با توجه به شرایط جغرافیایی و زیست محیطی از دوره پارینه سنگی میانی تا عصر حاضر سکونت انسان در آن استمرار داشته است. فرهنگ‌های هزاره سوم پیش از میلاد در حوزه رود کر که همزمان با دوره آغاز ایلامی و حکومت ایلام بوده کمتر شناخته شده است. از این رو، مطالعه دوره پرتو ایلامی (دوره بانس) و گذر به دوره ایلام قدیم (دوره کفتری) در این منطقه بسیار با اهمیت خواهد بود. دوره کفتری معادل دوره ایلام قدیم (۴۴۰۰ تا ۲۶۰۰ ق.م) است. حوزه باستانی ملیان در ۳۰ کیلومتری غرب زرقان فارس یکی از بزرگترین و مهم‌ترین محوطه‌های باستانی ایران است.

کورانگون: در ممسنی استان فارس واقع شده و دارای آثار ایلامی است. شهر سوخته سیستان: توسط هیئت ایتالیایی به سرپرستی توزی مورد کاوش قرار گرفته است. در این مکان مهم باستانی آثار متعلق به دوره ایلامی به دست آمده است. سیلک کاشان: گریشمن به اتفاق کابلی و حالتی از ایران این سایت باستانی را مورد مطالعه و کاوش قرار داده‌اند. تابلت پیدا شده که گل نوشته‌ای به خط میخی ایلامی است یکی از مهمترین یافته‌های باستان شناسی است.

در شهداد کرمان: هیئت ایرانی «کابلی - حاکمی» با انجام تحقیقاتی، آثاری متعلق به دوران ایلامی را کشف نموده‌اند.

در تپه یحیی کرمان: تابلت به دست آمده به وسیله کارلوسکی از ایتالیا متعلق به عصر ایلامی است. مطالعات حدود ایلام تا سیستان هم به دلایل وجود آثار و شواهد متعلق به

---

<sup>17</sup> - Sumner

دوره ایلامی اهمیت دارد. البته، تپه یحیی کرمان خارج از محدوده سرزمین ایلام بوده، اما در آنها تابلت یا گل نوشته‌هایی پیدا شده است.

حاجی آباد فارس: نزدیک نقش رستم دارای آثار ایلامی است (نقش برجسته و جام). نقش رستم در فارس: آثاری از عصر ایلامی در این منطقه به دست آمده است (نقش برجسته). ارجان بهبهان: که به وسیله یغمایی، خلیلیان، کابلی و توحیدی مورد پژوهش قرار گرفته متعلق به دوره کیدین هوتران حاکم ایلامی است.

بررسی‌های باستان‌شناسی تپه سفالیان در پیشوای ورامین اطلاعات مهمی در رابطه با تحولات فرهنگی ساکنان این منطقه ارائه داده است. این تپه از هزاره چهارم پ. م تا دوره آهن سوم مسکون بوده و در هزاره چهارم و سوم پیش از میلاد با خوزستان و سرزمین ایلامیان ارتباط مستمر داشته است. تپه سفالیان از جمله مراکزی است که در آن لوح‌های گلی با خط ایلامی مقدم پیدا شده است. این لوح‌ها قطعه گلی صاف شده‌ای را تشکیل می‌دهند که روی آن تعداد مشخصی علامت زده شده است (حصاری، ۱۳۹۶: ۱۰۱-۱۱۶). همچنین، در جریان عملیات حفاری و کاوش در این محوطه باستانی قطعات گل پخته شده با شکلی خاص به دست آمده که مصرف شمارش داشته و توسط ایلامیان و ساکنان بین‌النهرین استفاده می‌شده‌اند. لوح‌های شمارشی تپه سفالیان شامل لوح‌های ساده و لوح‌های مهر شده هستند که سیستم شمارشی کاملاً مشابهی با سیستم لوح‌های شمارشی شوش در ۳۲۰۰ پ. م دارند. مهرهای استوانه‌ای و استامپی نیز، در این تپه یافت شده‌اند.



پیشوای ورامین



تپه پیشوای ورامین

**آثار ایلامی چگا آهوان مهران:** بررسی های باستان شناسی نشان می دهد شواهد و شناسه های فرهنگی متعددی مربوط به دوران ایلامیان در این مکان باستانی به دست آمده که به آن اشاره شده است.



نمونه سفالینه چگا آهوان ایلام

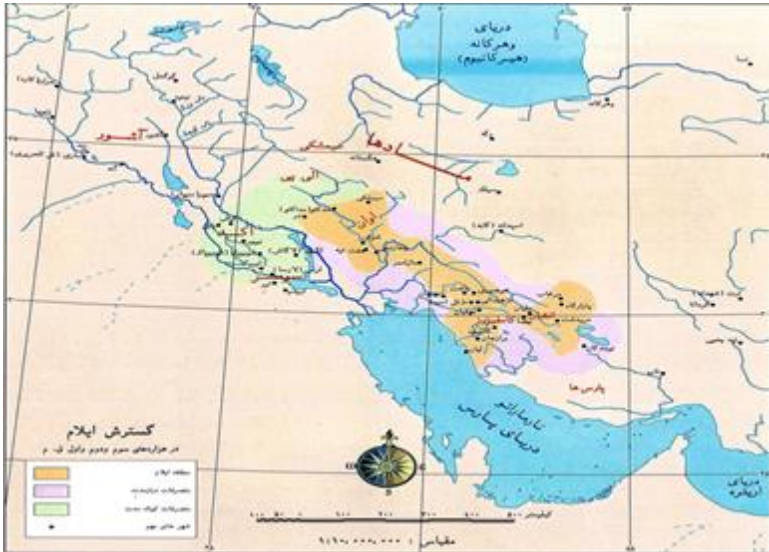
**امیر آباد مهران:** در این محوطه باستانی شواهدی از سفالینه دوره ایلامی به دست آمده است. محوطه امیر آباد I , II , III : در پنج کیلومتری جنوب شرقی تپه های گلان محوطه وسیع امیر آباد واقع شده که در حاشیه غربی رودخانه کنجان چم از عهد باستان برجای مانده است.

**آثار ایلامی کان گنبد:** این مکان باستانی در استان ایلام واقع شده و بخشی از آثار آن متعلق به دوره ایلامیان است. این اثر توسط هیئت ایرانی ( توحیدی - خلیلیان ) حفاری و کاوش شده است.

**چگا صیفور:** این تپه باستانی در روستای کارزان از توابع شهرستان سیروان واقع شده است. این مکان توسط هیئت داخلی به سرپرستی حبیب اله محمودیان مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته است. شناسه های فرهنگی متعلق به دوره ایلامیان در این مکان باستانی به دست آمده است.

**حوزه رودخانه سیمره:** در سال‌های اخیر چند هیئت باستان‌شناسی از سازمان میراث فرهنگی کشور در محدوده سد سیمره در استان‌های ایلام و لرستان کاوش‌های ارزشمندی انجام داده‌اند. یافته‌های علمی نشان می‌دهد سایت‌های مختلفی متعلق به دوره ایلامیان در این محدوده جغرافیایی کشف و شناسایی شده است.

در سال‌های اخیر آثار متعدد دیگری در استان‌های کشور از جمله ایلام، لرستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، فارس، اصفهان، بوشهر، نواحی شرق دجله در کشور عراق و... متعلق به دوره ایلامی‌ها به دست آمده که می‌تواند در مطالعات مربوط تمدن پنج هزار ساله ایلام مورد توجه قرار گیرد.



گسترش ایلام

### کاوش های باستان شناسی شوش

تلاش های «رومن گیرشمن» در طبقات مربوط به هزارهٔ دوم ق.م (کارگاه حفاری A,B در تپهٔ شهر شاهی) هیئت های آمریکایی و فرانسوی را بر آن داشت تا با انجام لایه نگاری در دشت خوزستان به بازسازی تاریخ شوش و پیرامون آن پردازند. بر همین اساس، برنامهٔ لایه نگاری شوش توسط «ژنویودلفوس» به منظور مطالعهٔ تپه های قبل از تاریخ دشت شوشان، آلن لوبرن برای تجسس طبقه های هزارهٔ چهارم (آکروپل A)، الیزابت کارتر مطالعهٔ طبقه های هزارهٔ سوم (شهر شاهی ۱) و پیر دو میروشیجی طبقهٔ نیمهٔ نخست هزارهٔ اول (شهر شاهی دو) انجام گرفت (پرو، ۱۳۷۶: ۲).

یافته های باستان شناسی شوش نشان دهندهٔ آثار باز مانده از دورهٔ استقراری هستند که از آغاز هزارهٔ چهارم تا قرن سیزدهم میلادی ادامه داشته است. ویرانه های شوش بر روی چهار تپهٔ بزرگ واقع شده اند.

الف) تپهٔ قدیمی شوش (آکروپل)؛

ب) تل آپادانا که بر روی آن کاخ داریوش اول قرار دارد.

ج) شهر شاهی که در شرق شوش قرار دارد.

د) شهر صنعتگران که شرقی ترین قسمت شوش است.

واندنبرگ شهر شوش را محل تلاقی دو تمدن بزرگ بین النهرین جنوبی و فلات ایران می داند (واندنبرگ، ۱۳۴۵: ۷۵). خط نوشته های میخی یافت شده در شوش اطلاعات مهمی از سلسله های حکومتی در این شهر را ارائه نموده است.



قلعه شوش و بخشی از محوطه باستانی این شهر ایلامی

دوره شوش نخستین، دوره اشغال و استقرار در شوش را عرضه می‌دارد. این لایه با شوش A در جعفرآباد تطابق می‌یابد (لوبرن، ۱۳۷۶: ۵۴). همچنین، موازی با فرهنگ «باکون الف» در فارس است (علیزاده، ۱۳۸۷: ۱). دوره شوش II (آغاز نگارش، هزاره چهارم ق.م) از لایه‌های ۲۲ تا ۱۷ اکروپل ۱ شوش مشخص گردیده، با پدیدار شدن یک روش نشانه‌گذاری شمارشی یا استفاده از گلوله‌های توخالی در کنار مهرهای استوانه‌ای معین شده است. علیزاده این دوره را موازی با دوره لپویی و بانس قدیم در فارس می‌داند (Alizadeh 2010: 353). از سوی دیگر، فرانسوا والا با مطالعه کتیبه‌های طبقات ۱۸ تا ۱۴ اکروپل شوش، باور دارد که مهم‌ترین انقلاب فرهنگی در طبقه ۱۸ به وقوع پیوسته است. وی مبدأ پیدایش خط را در لایه ۱۸ قرار داده و در این لایه عناصر اصلی خط ترسیمی و آفرینش لوح را معرفی می‌کند (والا، ۱۳۷۶: ۶۹). این دوره با پیدایش یک نوع سفال خشن لب برگشته همراه است (لوبرن، ۱۳۷۶: ۵۵).

**دوره آغاز ایلامی شوش:** بیگ محمدی و... در مقاله خود در رابطه با دوره دوره آغاز ایلامی شوش نوشته اند: این دوره از لایه ۱۶ آکروپل ۱ شوش و پیدایش نخستین لوح های آغاز ایلامی شروع می شود و تا طبقه B۱۴ ادامه می یابد (بیگ محمدی و...، ۱۳۹۰: ). لایه ۱۶ آکروپل شوش همزمان با دوره بانس میانی در حوضه رود کر است. آنان در ادامه مطالب خود نوشته اند: این دوره با کاهش مساحت مناطق مسکونی دشت خوزستان به کمتر از ۲۵ هکتار همراه است. در این مدت جمعیت دشت خوزستان به کمترین حد خود تنزل یافته و شوش با بیشترین مساحت، حدود یازده هکتار بزرگترین محوطه مسکونی آغاز ایلامی در دشت خوزستان است. علی رغم افت شدید جمعیتی دشت خوزستان، جمعیت دشت ایذه و حوزه رود کر در فارس در این دوره افزایش چشمگیری داشته است (Alden, 1982: 618).

**سفالینه دوره شوش III در آکروپل:** دوره شوش III در آکروپل ۱ شوش، با دگرگونی های بزرگ در ساخت سفالینه ها همراه است. بدین معنا که اشکال و تزیینات مشخص لایه ۱۷ آکروپل ناپدید گردیده، شکل های جدید چون جام های بلند با ته بریده شده و ظروف سفالی خشن جایگزین آنها می شود. گذر از روش نشانه گذاری های شمارشی به معنای واقعی کلمه در این دوره صورت گرفته است (لویرن، ۱۳۷۶: ۵۵). فرانسوا والا پیدایش الفبای خط تصویری را که با اعداد و ارقام همراه بوده به لایه ۱۶ نسبت می دهد (والا، ۱۳۷۶: ۶۷). وی لایه چهارده را مرحله ای می داند که در آن مراحل پیشرفته تر تکامل خط صورت گرفته و نگارش ایلامی به صورت سطری (خطی) به شکلی که در آینده کوتیک - اینشوشیناک (۲۲۲۰ ق.م) به کار خواهد برد، پدیدار می گردد.



میان دوره های شوش: در کاوش‌های انجام یافته در آکروپل شوش لایه‌های اشغالی و مسکونی که تاریخ آنها در حدود ۲۱۰۰ تا ۱۹۰۰ ق.م و از ۲۸۰۰ تا ۲۶۰۰ ق.م تعیین شده، ناشناخته به جا مانده است. لذا، ادامه گاه نگاری به کاوش‌های انجام یافته توسط الیزابت- کارتر در شهر شاهی شوش باز می‌گردد. کارتر به هنگام لایه‌نگاری شهر شاهی شوش سه میان دوره را برای شوش III پیشنهاد می‌کند که به ترتیب عبارتند از: شوش IIIA، IIIB و IIIC.

دوره شوش IIIA مرحله نخست از دوره شوش III است که در لایه‌های ۱۶ تا ۱۴A آکروپل نشان داده شده؛ ولی در شهر شاهی آثاری متعلق به این میان دوره به دست نیامده است. قدیمی‌ترین دوره اشغال و سکونت که تاکنون از شهر شاهی به دست آمده متعلق به دوره IIIB لایه‌های ۱۸ تا ۱۶ است. مشخصه سفال وابسته به نخستین مرحله سکونت در شهر شاهی چنین است: سفال نخودی با آب‌رنگ قرمز یا متمایل به قهوه‌ای که سطح ظرف را به طور کامل می‌پوشانده یا به صورت نوارهای پهن به کار می‌رفته است. سفال معمول و رایج در شهر شاهی، در لایه‌های ۱۸ تا ۱۳، معمولاً دارای خمیری آمیخته با ریگ و شن یا مواد معدنی است. در لایه‌های ۱۸ تا ۱۶ کاسه‌های لب برگشته خشن به طور نسبی رایج بوده است (کارتر، ۱۳۷۶: ۷۶). تزیینات تجسمی به صورت نوارهای ایجاد شده با فشار انگشت یا دستگیره‌های سوراخ شده با دماغه سه گوش و دسته‌های زیر لبه، رایج بوده است. تزیینات به صورت کنده کاری روی قسمت دهانه و لبه کاسه‌ها نسبتاً متداول است. رایج‌ترین و متداول‌ترین اشکال عبارتند از: کاسه‌های گودی که گاهی تزیین کنده کاری در قسمت لبه دارد. خمره‌های بدون گردن، تغار، خمره‌های کوچک نیمه زاویه‌دار و خمره‌های متوسط تا بزرگ با شکل نیمه زاویه‌ای دارای نوار حاشیه با لبه‌های کاملاً پهن (کارتر، ۱۳۷۶: ۷۶).

**شوش در دورهٔ سیماشکی:** دوره سیماشکی (۱۹۰۰-۲۱۰۰ ق.م)، به نظر می‌رسد که در آغاز دورهٔ سیماشکی، شاهان سلسلهٔ اور III در بین‌النهرین نظارت و ادارهٔ شوش را به دست گرفته بودند. آنان خوزستان مرکزی و مناطق دهلران را به عنوان گذرگاهی برای انتقال اجناس گران‌بهای سرزمین‌های مرتفع در جهت شمال‌غربی و امتداد جادهٔ دامنهٔ کوه یا در جهت شرقی به داخل دره‌های زاگرس در نظر داشتند (کارتز، ۱۳۷۶: ۱۸۵). جاده باستانی شوش به سمت دهلران از گذرگاه‌های مهم جنوبی است که از دامنه‌های غربی فلات ایران به سمت میان‌رودان امتداد داشته است.

**شوش در دورهٔ سوکالمه:** این دوره مقارن دوران ایلام قدیم است که برخی سوکالمه می‌خوانند. این دوره همزمان با سلسلهٔ اول بابل و نیز، سلسلهٔ کاسی‌ها در بین‌النهرین است. سفال این دوره که در لایه‌های ۶ تا ۳ شهر شاهی B VI, VII و سفال لایه‌هایی که به دوره‌های اور III-ایسین لارسا در بین‌النهرین تاریخ‌گذاری شده، مشابهت نزدیک دارد (کارتز، ۱۳۸۱: ۷۷).

**لقاب پادشاهان:** پادشاهان ایلامی در دوره‌های مختلف لقب‌های متفاوت داشته‌اند. در دورهٔ بابل قدیم، لقب پادشاه ایلام «سوکالمه» به معنای نایب‌السلطنهٔ بزرگ بوده است. محل سکونت سوکالمه شهر شوش و پایتخت ایلام بوده و نایب‌السلطنه یا فرمانروا با لقب سوکال شناخته می‌شده که معمولاً سوکال ایلام یا سیماش بوده است. آخرین پادشاه ایلام از نسل خانوادهٔ سوکالمه کوتیر ناهونته (۱۷۳۰ ق.م) است. وی در یکی از کتیبه‌هایش - که به خط بابلی نوشته شده - خود را نایب‌السلطنهٔ بزرگ (فرمانروای ایلام) معرفی کرده است. در دورهٔ سوکالمه لهجهٔ بابلی قدیم و اکدی رایج‌ترین زبان ارتباطی در نواحی بین‌النهرین و جنوب غربی ایران برای مبادلات تجاری و سیاسی بوده است. این وضعیت، نواحی شوش و حتی انشان را در بر می‌گرفت (نگهبان، ۱۳۷۵: ۲۵۹).

### مقایسه سبک سفالینه‌ها

شوش IV (لایه‌های ۱۲ تا ۱۹)، سلسله‌های آوان و سیماشکی (۲۶۰۰/۲۷۰۰ تا ۱۹۰۰ ق.م). این دوره که مصادف است با گودین ۳ (کارتر، ۱۳۷۶: ۷۷)، ملیان کفتری (Sumner & Miller, 2004: 88)، دورهٔ اكد، سلسلهٔ سوم اور در بین‌النهرین و دوره‌های آوان و سیماشکی و ایلام قدیم (سوکالماه) (علیزاده، ۱۳۷۶: ۷۱)، تحولی قطعی در سبک سفال به وجود می‌آید. سفال نخودی با خمیرهٔ آمیخته با شن صاف و یک دست جایگزین سفال پوشیده با آبرنگ در لایه‌های قبلی می‌گردد. کارتر نوشته است: طرح‌های تجسمی به صورت نوارهای عمودی و افقی، نوارهای موجی شکل، مثلث‌های هاشوری و مجسم، گیاهان، پرندگان و به میزان کمتر ظروفی با تزئین دندان کوسه‌ای مشخص‌ترین اشکال مربوط به کوزه یا خمیرهٔ زاویه‌دار است. کاسه‌های زاویه دار، شکل‌های باز و گشاد و پهن با نوارهای فشارانگشتی در زیر لبه و تعدادی از خمیره‌های گردن کوتاه که نواری با فشار انگشت در قسمت پایین و ته ظرف به شیوه‌ای خاص در آنها ایجاد شده است (کارتر، ۱۳۷۶: ۷۶).

دورهٔ ایلام میانه: آغاز این دوره و مرحلهٔ انتقالی از ایلام کهن به ایلام میانه در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است. در کاوش‌های شهرشاهی دو که توسط پیر دومیروشیچی در سال ۱۳۵۴ هجری شمسی انجام یافته است، در مجموع سیزده لایه به دست آمده که لایه‌های ده تا سیزده متعلق به دورهٔ ایلام میانه است (دومیروشیچی، ۱۳۸۱: ۹۷). الیزابت کارتر شکل‌های قابل مقایسه با سفال لایهٔ سیزده شهرشاهی دو را به یک مرحلهٔ انتقالی منسوب داشته و آنها را بین حدود ۱۶۰۰ و ۱۳۰۰ پیش از میلاد تاریخ گذاری کرده است (Carter, 1971: 76-77). سفال‌های این لایه دارای خمیره‌ای آمیخته با مواد گیاهی است

و در ظرف های بزرگتر، این خمیر با مواد معدنی همراه است. سفالها از نظر کلی به رنگ نخودی یا قهوه‌ای روشن بوده و با روکشی نخودی رنگ پوشیده شده‌اند.

### کاوش‌های نگهبان در هفت تپه

با کاوش‌های عزت‌اله نگهبان در هفت تپه (۱۳۴۶ ه.ش)، حدود دو قرن دوره مبهم و تاریک حاکم بر تاریخ ایلام از میان برداشته شد. شواهد حاصل از کاوش‌های هفت تپه نشان می‌دهد که مجموعه آثار هفت تپه مربوط به یک دوره و سلسله بوده است. همچنین، مدارک نشان می‌دهد در این زمان کشور ایلام طی ضوابط خاص و دقیقی اداره می‌شده است. براین اساس نگهبان سه دوره متفاوت را برای نامگذاری مراحل مختلف ایلام میانه به کار برده است.

**دوره اول ایلام میانه:** در این دوره شهرک‌های اطراف شوش وسعت یافته‌اند به طوری که دشت دهلران، دشت خوزستان و دشت رامهرمز، معرف توسعه و وسعت در هزاره دوم پیش از میلاد هستند (نگهبان، ۱۳۷۵: ۲۶۲). دوران آبادی هفت تپه در ایلام، مقارن با ظهور سلسله کاسی در بین‌النهرین است. یکی از پادشاهان این دوره «تپتی آهار» بوده است که فعالیت‌های زیادی در اعتلای شهر هفت تپه داشته است. تپتی آهار خود را پادشاه ایلام، انشان و شوش می‌نامد. وی از سوی دیگر خود را آزاد کننده کشور ایلام از یوغ و استیلای سلاطین کاسی بین‌النهرین خوانده است (همان: ۲۶۹).

### مرکز کشور ایلام

به اعتقاد کارتر، توسعه هفت تپه به تدریج از اهمیت شوش کاسته است. به نظر می‌رسد هفت تپه مهمترین مرکز کشور ایلام در این دوره بوده است (Carter, 1984: 32-35). در این دوره، شرق خوزستان در منطقه رامهرمز مراکز اجتماعات، وسعت زیادی یافته و

تپه بورمی به صورت شهر درآمده است. تل قزیر در رامهرمز با وسعت تقریبی هفت هکتار به عنوان یک مرکز مهم باقی مانده است.

**دوره دوم ایلام میانه (سلسله ایکهالکی):** در این دوره که به عنوان سلسله ایکهالکی معروف است، ایلام به سرحد اقتدار خود رسید. پیرامیه این دوره را دوره پادشاهی شاهان انشان و شوش می‌داند (آمیه، ۱۳۷۲: ۵۲). در یکی از سرگرزهای مفرغی که از شوش به دست آمده، شخصی به نام «آتار کیتاخ» خود را با عنوان پادشاه شوش و انشان معرفی می‌کند. در زمان او شهرهای جنوبی مانند لیان (بوشهر) از اهمیت زیادی برخوردار بوده‌اند. پایتخت کشور ایلام در این زمان احتمالاً منطقه انشان بوده است (همان: ۲۹۷). اونتاش گال یکی دیگر از پادشاهان ایکهالکی است. معبد چغازنبیل در طی حکومت وی ساخته شد و شهر شوش اهمیت از دست رفته خود را بازیافت (نگهبان، ۱۳۷۵: ۲۹۷). کیدین هوتران آخرین پادشاه از دوره ایکهالکی توانست سرحدات کشور ایلام را از جنوب تا خلیج فارس امتداد دهد. با حمله پادشاه آشور «توکولتی نینورتا» و نفوذ وی در شوش، شورش برپا شد که منجر به پاشیده شدن سلسله ایکهالکی و انشان گردید (همان: ۲۹۷).

**دوره سوم ایلام میانه:** با فروپاشی پادشاهی «کیدین هوتران» برای مدتی استقرار و ثبات سیاسی در کشور ایلام از میان رفت؛ اما با حکومت «شوتروک ناهونته» یکی از باشکوه‌ترین دوران تاریخ ایلام آغاز می‌شود (۱۱۷۱-۱۲۰۷ ق.م). در زمانی که آشور و بابل سرگرم مسائل داخلی خود بودند، فرصتی مناسب برای کشور ایلام به حساب می‌آمد تا از این فرصت استفاده نموده بیشترین بهره سیاسی را ببرد. شوتروک ناهونته توانست به همراهی پسرش «کوتیر ناهونته» بین‌النهرین را فتح نماید و قبل از مرگش سرزمین وسیعی را که حد جنوبی آن خلیج فارس و حد غربی‌اش کشور بابل بود از خود به جای گذارد

(همان: ۳۰۶). بعد از کوتیرناهوئته پسرش «شیلهاک اینشوشیناک» به سلطنت ایلام رسیده است. اما پس از وی پسرش «هوتولوش اینشوشیناک» نتوانست مانند اجدادش کشور را در حد اعتلای خود نگهدارد. در همین زمان با حمله‌ای از سوی بابل، شهر شوش به دست بابلی‌ها افتاد. از شواهد چنین بر می‌آید که از این دوره به بعد است که ایلام اقتدار خود را از دست داد و تا سه قرن بعد (۸۲۱-۱۱۰ ق.م) در خاموشی فرو رفت. از این سیصد سال نه متنی در دسترس است و نه در منابع بین‌النهرینی به رویدادهای کشور ایلام اشاره شده است. بی تردید، در این دوره پادشاهی بزرگ ایلامی از هم پاشیده شده و به حکومت‌های مستقل محلی تقسیم شده است (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۲۸). از سوی دیگر، کاوش‌های انجام یافته در ملیان فارس، نخستین بینش توصیفی دربارهٔ عملکرد ایلام میانه را در خارج از جلگه شوش در اختیار محققان نهاده است. در یکی از گل‌نوشته‌های مکشوفه از IVA ملیان مقادیر معتناهی نقره و طلای متعلق به هوتولودوش-این-شوشیناک (حدود ۱۱۲۰ ق.م) ثبت شده است که از آنها برای ساخت زیورآلات یا تزئینات معبد یا معابدی در داخل یا نزدیکی انشان استفاده کرده‌اند (Stolper, 1984: 122-125).

**دورهٔ ایلام نو:** به دنبال گسترش و توسعهٔ تمدن درخشان ایلامی در سده‌های دوازدهم و سیزدهم پیش از میلاد و درست پیش از امپراتوری هخامنشی، دورهٔ ایلامی نو، یکی از ناشناخته‌ترین دوره‌ها از نظر باستان‌شناسی در جنوب غرب ایران بشمار می‌رود. این تاریکی و ابهام نه به دلیل اضمحلال کشور ایلام؛ بلکه به سبب عدم وجود اسناد کتبی یا نابودی نوشته‌ها می‌باشد. شواهد موجود به ویژه قبور بزرگ خانوادگی و اشیای تجملی نشان می‌دهند که در این زمان کشور ایلام از آبادانی کامل برخوردار بوده است (نگهبان، ۱۳۷۲: ۵۳۲ و آمیه، ۱۳۷۲: ۶۷). کاوش‌های انجام یافته، توسط پیر دومیروشیجی در

جنوب غربی شهر شاهی شوش که شهر شاهی دو نامیده می‌شود، جدیدترین اطلاعات را از این دوره مبهم تاریخی به ما می‌دهد.

در مجموع، از سیزده لایه گزارش شده در شهر شاهی دو، لایه‌های سیزده تا ده مرحله انتقالی از دوره ایلام میانه به دوره ایلام نو را به نمایش می‌گذارد. بدین ترتیب می‌توان ادعا کرد که لایه ده به دوره ایلامی نو تعلق داشته و تاریخ آن متعلق به قرون یازده تا دهم پیش از میلاد است (دومیروشیچی، ۱۳۷۶: ۸۶). میان لایه ده و نه وجود خلاء به مدت نامشخص به معنای نوعی وقفه در این مکان است.

لایه‌های هشت و نه معرف ظروفی است که مشابه آنها در کاخ زیر زمین چغازنبیل در محلی که نشان از آخرین دوره اشغال و سکونت در محوطه باستانی، پیش از پیروزی آشوری‌ها در سال ۶۴۶ پیش از میلاد می‌دهد، یافت شده است (دومیروشیچی، ۱۳۸۱: ۸۶). این سفال‌ها به همراه صندوقچه‌های استوانه‌ای یا مخروطی شکل غالباً به قرن‌های هشتم و هفتم پیش از میلاد تاریخ گذاری شده‌اند. بدین ترتیب لایه‌های نه و هشت نیز، به دوره ایلامی نو منسوب می‌شوند.

لایه‌های هفت و شش به سده هفتم یا ششم پیش از میلاد؛ به زمان فرجام ایلام به دنبال ویرانی و انهدام شوش توسط لشکریان آشوری در سال ۶۴۶ پیش از میلاد و با آغاز دوره هخامنشی در شوش در تاریخ‌های ۵۵۰ و ۵۲۰ پیش از میلاد مرتبط می‌شود.

پیر آمیه دو مانع عمده را در پیروزی ایلامیان بر آشور مهم قلمداد می‌کند که مهمترین آن حضور قبایل ایرانی تازه وارد (مادها) در سرحدات شرقی آشور است؛ به گونه‌ای که آشوریان قدرت درگیری با آنها را در خود نمی‌بینند. از سوی دیگر، در هر منطقه‌ای شاهزاده‌ای بطور مستقل عمل می‌کرد. برای مثال؛ می‌توان مملکت «ایپیر» در مال امیر بختیاری را نام برد که با وجود نقش برجسته‌ای متعلق به شاه‌هانی معرفی می‌گردد.

**پایان امپراتوری: آشوریانی پال در حدود سال‌های ۶۴۶ پیش از میلاد، پس از فتح بابل، ایلامیان را به تابعیت خود در آورد و «هوبان هالتاش» شاه این مملکت را از سلطنت خلع کرد؛ اما ایلامیان که در صدد به دست آوردن استقلال برآمده بودند موجب خشم آشور-بانی پال شدند. در پی آن، سپاهیان آشور به سرعت تمامی مملکت ایلام را اشغال نمودند. آنان با بی‌رحمی هرچه تمامتر به قتل و غارت پرداخته و بسیاری از افراد طبقه برگریده ایلام را به آشور منتقل کردند (آمیه، ۱۷۲: ۷۰). پس از این قتل و غارت و ویرانی که آشوریانی پال با افتخار هرچه تمامتر در کتیبه‌ای از آن یاد می‌کند؛ کشور ایلام دیگر کمر راست نکرد و عمر امپراتوری عظیمش به آخر رسید.**



قلمرو سیاسی کشور ایلام در دوره آغاز ایلامی (والا، ۱۳۷۶: ۱۹۰)



## منابع

۱. آمیه، پیر؛ (۱۳۴۹)، تاریخ ایلام، ترجمه شیرین بیانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. آمیه، پیر؛ (۱۳۶۵)، شهرنشینی ایلام در شوش، نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران؛ ترجمه افسانه خلعت‌بری، به کوشش محمد یوسف کیانی، مرکز باستان‌شناسی ایران، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی موزه ایران باستان.
۳. اکبری، مرتضی؛ (۱۳۸۶)، تاریخ استان ایلام از آغاز تا سقوط قاجاریه، قم: انتشارات فقه.
۴. استولپر، ماتيو ولفانگ؛ (۱۳۸۹)، تاریخ ایلام، ترجمه شهرام جلیلیان، تهران: انتشارات توس.
۵. بهزادی، رقیه؛ (۱۳۸۳)، آریاها و ناآریاها در چشم‌انداز کهن تاریخ ایران، تهران: انتشارات ظهوری.
۶. بشاش، رسول؛ (۱۳۹۵)، «کتابچه جام برنزی ارجان» فصلنامه علمی ترویجی اثر، شماره ۱۷.
۷. بشاش، رسول؛ (۱۳۷۰)، «مدت کلمه قرائت خط جام برنزی ارجان»، میراث فرهنگی شماره ۳ و ۴ پاییز.
۸. بیگ محمدی، خلیل‌الله و نسرين گل محمدی (۱۳۹۰)، تحلیلی بر نقوش به کار رفته در گل‌نشته‌های آغاز ایلامی،
۹. پاتس، دنیل تی؛ (۱۳۸۵)، باستان‌شناسی ایلام، ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت.
۱۰. پورمحمدی، پریسا؛ (۱۳۹۵)، چغا زنبیل، فصلنامه مطالعات ایلام‌شناسی، سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۹۵.
۱۱. حصاری، مرتضی؛ (۱۳۹۶)، تپه سفالیان، فصلنامه مطالعات باستان‌شناسی پارسه، دوره ۷، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۹۶: 101-116.
۱۲. دوميروشيحي، پييري؛ (۱۳۷۶)، لایه‌نگاری (ایلامی جدید) در شوش (۱۱۰۰ تا ۵۴۰ ق.م)، شوش و جنوب غربی ایران، تاریخ و باستان‌شناسی، گزارش گردهمایی بین‌المللی شوش و سمینار بلو، زیر نظر ژان پرو و ژنویو دلفوس، ترجمه هایده اقبال، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۳. دوميروشيحي، پييري؛ (۱۳۷۶)، از قلمرو ایلامی انسان و شوش تا قلمرو پارسی انسان، شوش و جنوب غربی ایران، تاریخ و باستان‌شناسی، گزارش گردهمایی بین‌المللی شوش و سمینار بلو، زیر نظر ژان پرو و ژنویو دلفوس، ترجمه هایده اقبال، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۱۴. سرداری زارچی، علیرضا و سمیرا عطاپور؛ (۱۳۹۷)، مدارک باستان‌شناسی دوران آغاز ایلامی و ایلام قدیم، در تپه سنجر خوزستان، فصلنامه مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.
۱۵. عزیزاده، عباس؛ (۱۳۸۰)، تئوری و عمل در باستان‌شناسی، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۶. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۸۹)، مجموعه مقالات همایش ملی میراث‌های تمدنی استان ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، (چاپ نشده).
۱۷. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۷۶)، گزارش توصیفی و مقدماتی بررسی‌های باستان‌شناسی - انسان‌شناسی در - دره‌های رود کر و ناحیه شمال غربی مرودشت فارس، گزارش‌های باستان‌شناسی (۱)، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، معاونت پژوهشی پژوهشکده باستان‌شناسی.
۱۸. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۶۵)، آرامگاهی مربوط به دوره ایلام نو در ارجان نزدیک بهبهان، مجله اثر شماره ۱۴، (۱-۱۳۱).
۱۹. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۸۲)، همایش ملی معرفی میراث‌های تمدنی، دانشگاه آزاد اسلامی ایلام.
۲۰. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۹۱)، روند پیچیدگی اجتماعی و سیاسی در جهان عیلامی، پیام باستان‌شناس، بهار و تابستان ۱۳۹۱، شماره ۱۷ (۸۷-۱۰۲).
۲۱. کارتر، الیزابت؛ (۱۳۷۲)، بنای ایلام میانی در انشان (تل‌ملیان)، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، دوره هفتم، شماره ۱۳ و ۱۴ (۴۹-۵۵)،
۲۲. گریشمن، رومن؛ (۱۳۷۳)، چغازنبیل، ترجمه ع. ا. کریمی، جلد ۴-۱ چاپ هفتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۳. گریشمن، رومن؛ (۱۳۳۶)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۴. گشایش، فرهاد؛ (۱۳۸۱)، تاریخ هنر، نشر عفاف، تهران.
۲۵. لوبرن، آلن؛ (۱۳۷۶)، شوش کارگاه کاوش آکریل، ۶۶-۴۹، گزارش گردهمایی بین‌المللی شوش و سمینار بلو، زیر نظر ژان پرو و ژنویو دلفوس، ترجمه هایده اقبال، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۶. محمودیان، حبیب‌اله؛ (۱۳۸۲)، گزارش بررسی و مستند سازی آثار باستانی استان ایلام، میراث فرهنگی و گردشگری ایلام.

۲۷. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۸۲)، گزارش شناسایی و مستند سازی آثار شهرستان مهران، میراث فرهنگی و گردشگری ایلام.
۲۸. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۸۲)، گزارش فاز اول تعیین حریم تپه چگا آهوان مهران، میراث فرهنگی و گردشگری ایلام.
۲۹. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۸۷)، بررسی و شناسایی باستان‌شناسی سیروان، میراث فرهنگی و گردشگری ایلام.
۳۰. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۹۱)، دوران طلایی برنز در زاگرس غربی، ایلام: انتشارات زاگرو.
۳۱. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۸۹)، مجموعه مقالات اولین همایش معرفی میراث‌های تمدنی استان ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام.
۳۲. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۸۰)، مقاله، ارتباط سیاسی و اقتصادی ایلام و بین‌النهرین، فصلنامه فرهنگ ایلام، شماره ۵ و ۶، بهار و تابستان.
۳۳. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۶۵)، جاده‌ها و ایل راه‌های باستانی استان ایلام، نشر زاگرو، ایلام.
۳۴. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۹۶)، فصلنامه مطالعات ایلام‌شناسی، ایلام: نشر زاگرو.
۳۵. ملک‌شهمیرزادی، صادق؛ (۱۳۷۳)، مبانی باستان‌شناسی ایران، بین‌النهرین، مصر، جهاد دانشگاهی، تهران.
۳۶. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۷۸)، «ایران در پیش از تاریخ، باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی»؛ چاپ دوم، ۱۳۸۲؛ تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۳۷. معجدزاده، یوسف؛ (۱۳۷۰)، تاریخ و تمدن ایلام، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳۸. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۶۹)، «جام ارجان» باستان‌شناسی و تاریخ شماره ۹، ۸، زمستان ۶۹، ۱۱-۲۶.
۳۹. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۸۲)، جیرفت، کهن‌ترین تمدن شرق، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۴۰. محمودیان، وحید؛ (۱۳۹۷)، ارتباط سیاسی-اقتصادی ایلام و بین‌النهرین در دوران باستان، فصلنامه مطالعات ایلام‌شناسی، شماره ۶، بهار.
۴۱. نگهبان، عزت‌الله؛ (۱۳۷۲)، حفاری هفت تپه دشت خوزستان، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.

۴۲. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۷۳)، شوش کهن‌ترین مرکز شهرنشینی جهان، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
۴۳. والا، فرانسوا؛ (۱۳۶۴)، نوشته میخی، شیء طلایی مکشوفه از ارجان، ترجمه افسانه خلعت بری، مجله اثر، شماره ۱۰ و ۱۱، (۱۹۴-۱۸۴)، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
۴۴. هینتس، والتر؛ (۱۳۷۱)، دنیای گمشده ایلام، ترجمه ف. فیروزنیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۵. هینتس، والتر؛ (۱۳۸۷)، شهر یاری ایلام، ترجمه پرویز رجبی، (چاپ اول)، تهران: نشر ماهی.
۴۶. هول، فرانک؛ (۱۳۸۱)، باستان‌شناسی غرب ایران، ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت.
۴۷. یاما اوچی. ادوین ام؛ (۱۳۹۰)، ایران وادیان باستانی، ترجمه منوچهر پزشک، تهران: انتشارات ققنوس.<sup>۱</sup>
۴۸. آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام.
۴۹. سایت‌های اینترنتی

1. Amiet, Glyptique susian, Memoires de la delagation en Persian, T, XLIII, vol.I&II, (Paris, 1972).
2. Demorgan, j. Etat des travaux a suse en 1904, Memoires dela delegation en peres 7 (1905).
3. Hinz, W .The Lost word of Elam, Trans: J, Barhes, (London, 1972).
4. Hole, F. and R.V. Flannery, EAKI, PP.99-100; PSWL, PP.147-206; together with J.A. neely, EVSK.
5. Hole, E. "Excavation at Ali kosh. Iran. Chart 7, P. 139.
6. Hole, and Flannery, neeley and Helbeak, 1969:281-330; Redding, 1974; Dollfus, 1973:17-1).
7. Flannery, neeley and Helbeak, 1969:281-330; Redding, 1974; Dollfus, 1973:17-1)
8. Carter. Elizabeth. 1971. *Elam in the Second Millennium B C. The Archaeological Evidence* .PhD dissertation in Near Eastern Studies, University of Chicago.
9. Carter, Elizabeth, and Matthew Stolper.1984. *Elam: Surveys of Political History and Archaeology*. Berkeley, CA: University of California Press.
10. Hole, F., K. V. Flannery, and J. A. Neely. 1969. *Prehistory and Human Ecology of the Deh Luran Plain: An Early Village Sequence from Khuzistan, Iran*. Memoirs, Museum of Anthropology, University of Michigan 1. Ann Arbor: University of Michigan Press.
11. Neely, J. A. 1974. "Sasanian and Early Islamic Water-Control

- and Irrigation Systems on the Deh Luran Plain, Iran,*” in T. E. Downing and McG. Gibson, eds., *Irrigation’s Impact on Society. Anthropological Papers of the University of Arizona* 25. Tucson: University of Arizona Press, 21–42.
12. Vallat, François. 1980 *SASE ET L’Elam. Recherches sur les Grands Civilisations*. Association pour la diffusion de la pensée Française. Paris: Editions du CNRS.
13. Vallat, François, 1998, “*The History of Elam*”, In *Encyclopædia Iranica*, Vol. 8, Fasc. 3, edited by E. Yarshater, PP 302-313, Mazda Publishers, Costa Mesa, California.
14. Ali zadeh, abas. 1992, pre historic settlement patterns and cultures in Susiana, south western Iran; the analysis of the F. GL.Grem lisa survey collection, Ann.Arbor museum of anthropology technical report 24
15. Carter, E. and Stolper, M. 1984, *Elam; surveys of political history and archaeology*, Berkeley/ Los angeles/ London; unive rsity of California Publications, Near Estern Studies 25.
16. Hinz, W. 1972, *the lost word of Elam*, London; Sidgwick and Jakson.
17. Vallat, François. “ELAM i. The history of Elam”. In *Encyclopædia Iranica*. 1998. Retrieved 31 January 2014.
18. Amiet, p. (1972), *Glyptique Susienne*, Paris: MDP43.
19. Pots, Daniel, (2005), *BIRTH OF THE PERSIAN EMPIRE*, Edited By: VestaSarkhosh Curtis and Sarah Stewart, in association with The London Middle East Institute at SOAS and TheBritish Museum.
20. Hinz, w. (1964), *Das Reich Elam*, Stuttgart.
21. Hinz, w. (1968), *ElamsVertragmitNaram- Sin von Akkade*, ZA 24, 66-96.
22. Fisher, W.B. (1968). *Physical Geography*, CHII, 3- 110.
23. Vallat, F. (1989), L"inscription du Sceau- cylinder du Sukkalmah Tan- Uli, NABU, 117.
24. Mortensen, 1974:28, 29; Mortensen, 1973:37; Mortensen, 1976: 46-48)

## بررسی استقرار های دوران نوسنگی در زاگرس غربی

( مطالعه موردی: غارها و پناهگاه های هلیلان )

دکتر پریسا پورمحمدی<sup>۱۸</sup>، مهندس آزاده محمودیان<sup>۱۹</sup>

### چکیده

بررسی ها و کاوش های باستان شناسی در سال های اخیر به شناسایی بسیاری از مکان ها و محوطه های زندگی انسان از دوران پیش از تاریخ منجر شده است. فرایند شکل گیری مکان های استقراری و ایجاد فضاهای اولیه بشر در زاگرس و آثار و شواهد برجای مانده از این مکان ها، اطلاعات ارزشمندی از زندگی انسان در این دوران ارائه نموده است. ویژگی های جغرافیایی، منابع آب، اقلیم مطلوب در ارتفاعات، دامنه ها و دیگر بخش های رشته کوه عظیم زاگرس (هلال حاصلخیز) موجب شکل گیری سکونتگاه های متعددی چون: غارها، پناهگاه های صخره‌ای، دخمه ها و... متعلق به دوران مختلف پیش از تاریخ در این محدوده ی جغرافیایی گشته است. منطقه هلیلان و زردلان در حاشیه رودخانه سیمره (در محدوده ی استان ایلام در زاگرس غربی) واقع شده و از نظر زندگی انسان پیش از تاریخ به ویژه دوران نوسنگی دارای آثار و شواهد ارزشمندی است. در این نوشتار تلاش شده ضمن معرفی برخی از غار ها و پناهگاه های سنگی متعلق به دوران نوسنگی در این منطقه، بخشی از یافته‌های حاصل از پژوهش های علمی در این عرصه نیز ارائه گردد.

**واژگان کلیدی:** هلیلان، دوران نوسنگی، پناهگاه سنگی، پال باریک، سرچم، زردلان.

<sup>۱۸</sup> - دانش آموخته رشته باستان شناسی. مدرس دانشگاه هنر شیراز.

<sup>۱۹</sup> - مدرس مرکز آموزشی پارسیان، دانشگاه جامع علمی کاربردی.

**مقدمه:** سنگ یکی از اولین مصالحی بوده است که انسان‌های اولیه برای ساختن ابزارها و محل‌های مسکونی، یا بهتر بگوییم برای ایجاد پناهگاه‌های خود مورد استفاده قرار می‌داده‌اند. دوره‌های پارینه‌سنگی و نوسنگی نشان دهنده‌ی تقدم زمانی کاربرد سنگ بر فلز و دیگر مصالح بوده است. انسان در دوران زندگی و استقرار خود با آزمایش و تجربه، از سنگ برای رفع نیازهای خود مانند شکار و دفاع در برابر جانوران و هم‌چنین مکان زندگی و اسکان خود بهره می‌برده است. تحولات فرهنگی و باستان‌شناختی نشان می‌دهد در دوره‌های پارینه‌سنگی و نوسنگی تغییرات و دگرگونی بسیاری در ابزارسازی سنگی و نوع استفاده از سنگ پدیدار گردید و بر میزان تجربیات و مهارت انسان در بهره‌گیری از مصالح سنگی افزوده شد. این مهم موجب شد تا شاهد تحولی عظیم در زندگی انسان غار نشین پدید آید و بتواند با بهره‌گیری از سنگ و سایر امکانات موجود در طبیعت، زندگی در دامنه‌ها، دشت‌های میانکوهی و... جایگزین زندگی در غارها و پناهگاه‌های طبیعی شود.

#### موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

در این نوشتار بخشی از مکان‌های استقرار انسان در دوران پیش از تاریخ در محدوده ی جغرافیایی شمال استان ایلام و در حاشیه رودخانه سیمره مورد مطالعه قرار گرفته است. کوهستان زاگرس منبع و سرچشمه‌ی بزرگ‌ترین رودهای کشور است که در بخش جنوب غربی فلات ایران جریان دارند. شعبات مختلف رود دجله<sup>۲۰</sup> در غرب هلال سبز و رودهای کرخه، کارون، آبدیز، جراحی، از دامنه‌های زاگرس در جنوب غرب فلات به سمت دشت‌ها و جلگه‌های حاصل‌خیز جنوب و جنوب غربی ایران امتداد یافته، و در نهایت به خلیج فارس می‌ریزند. این موقعیت، موجب شده تا بیش‌ترین استقرارها و

---

"1- Tigres"

سکونتگاه‌های اولیه‌ی بشری در کنار این رودها ایجاد شوند. بنابراین، سراسر ناحیه‌ی جنوب غرب ایران در حد فاصل دو پدیده‌ی جغرافیایی، زاگرس و خلیج فارس، از غرب تا شرق، جایگاه و بستر تمدن و فرهنگ ساکنان بومی و مهاجران بوده است.

استان ایلام در محدوده‌ی ارتفاعات زاگرس و حاشیه‌ی غربی این دیواره‌ی عظیم واقع شده است. پدیده‌های جغرافیایی شاخص چون رودخانه‌ی سیمره و رشته کوه کبیرکوه، معابر بسیار زیبا و مصفا‌ی کوهستانی، پوشش جنگلی و به‌ویژه تنوع اقلیمی در فصول مختلف، شرایط طبیعی کم‌نظیری را در این بخش از زاگرس فراهم نموده است. این موقعیت موجب شده از دوران باستان تا کنون، ایلام در مسیر ارتباطی ساکنان شرقی فلات ایران یا سرزمین‌های غربی قرار گیرد. مبادلات تجاری و ارتباط فرهنگی بین اقوام و ملت‌ها در دوران پیش از اسلام و توسعه و گسترش بلاد اسلامی در قرون اولیه‌ی اسلامی از طریق این منطقه صورت پذیرفته است. نقش غرب ایران در گسترش تجارت بین مردم بین‌النهرین جنوبی و منطقه‌ی کوهستانی فلات ایران و ماورای شرق منابع غنی، جایگاه مهمی دارد» (هول، ۱۳۸۷: ۱۳).

هلیلان در حد فاصل دو استان لرستان و کرمانشاه قرار دارد. در این ناحیه تاکنون آثار زیادی از دوران‌های مختلف تاریخی ثبت شده و در مواردی مورد مطالعه‌ی باستان شناسی قرار گرفته است. از میان این آثار هشت تپه‌ی باستانی مربوط به دوره‌ی پیش از تاریخ و چهارغار تاریخی مربوط به دوران غارنشینی با قدمتی حدود ۱۵ هزار سال به چشم می‌خورد. آثار تپه‌های دره‌ی هلیلان به نظر باستان شناسان مربوط به «پارینه سنگی میانه» است. این دوره حدود ۱۰۰ هزار سال پیش آغاز شده است. براساس اطلاعات به



دست آمده، پروفیسور " پدر مورتن سن"<sup>۲۱</sup> هفت محل باستانی در محل « پل باریک» هلیلان شناسایی کرده که به یکی از دوره‌های پارینه سنگی میانه مربوط می‌شود؛ ولی غارهای باستانی دره‌ی هلیلان مربوط به دوره‌ی زارزیان از دوران پارینه سنگی جدید است که حدود ۵۰ هزار سال قدمت برای آن‌ها تخمین زده شده است (ملک شهمیرزادی، ۱۳۷۳: ۱۴۷). تپه‌ی گوراناز جمله مکان‌های استقرار و بسیار با اهمیت غرب ایران می‌باشد که از منظر باستان‌شناسی گویای زندگی انسان و تحولات فرهنگی سرزمین ایران در دوران پیش از تاریخ تا دوره‌های بعدی است.

### رودخانه‌ی تاریخی سیمره (کرخه)

نام قدیم این رود تاریخی «اوکنو» بوده است و یونانیان آن را «کواسپس» می‌نامیده‌اند. سیمره با نام گاماسه یا گاماسباب یا گاومیشه، از دامنه‌های غربی الوند و منطقه‌ی نهاوند سرچشمه می‌گیرد و در جهت شرق به غرب و با گذشتن از کنگاور، صحنه و بیستون به کرمانشاه می‌رسد. در کرمانشاه شعبه‌ی قره‌سو را دریافت می‌کند که از ناحیه‌ی کامیاران سرچشمه گرفته و با نام سیمره وارد محدوده‌ی شرق استان ایلام می‌شود. سپس جهت رودخانه از شمال شرقی به جنوب غربی تغییر پیدا می‌کند و مرز دو استان ایلام و لرستان را تشکیل می‌دهد. این رودخانه پس از دریافت چند شعبه از نواحی کوهستانی منطقه، از دامنه‌ی رشته‌کوه کبیرکوه جریان می‌یابد و پل‌های تاریخی مهمی مانند پل بیجنوند، پل گاومیشان، چمنمشت و جایدر در محدوده‌ی استان‌های ایلام و لرستان بر روی آن تأسیس شده است. سپس در منطقه‌ی پل دختر شعبه‌ی مهم کشکان که از کوه‌های لرستان سرچشمه گرفته به آن می‌ریزد و با نام کرخه وارد خوزستان می‌شود. مسیر سیمره در جلگه‌ی خوزستان به طرف مغرب تغییر جهت می‌یابد و از جنوب شهر بُستان به

<sup>۲۱</sup> - Peder Morten Sen

باتلاق‌های ناحیه شرقی عراق می‌ریزد. رودخانه‌ی سیمره به عنوان طولی‌ترین رود ایران در منطقه‌ی ایلام و لرستان و به موازات رشته کوه کبیر کوه امتداد دارد (محمودیان، ۱۳۹۶: ۱۷).

### تحولات فرهنگی عصر سنگ

در باستان‌شناسی در رابطه با فرهنگ و تمدن، مفاهیمی خاص مورد توجه قرار می‌گیرد. معمولاً یافته‌های حاصل از بررسی‌ها و کاوش‌های باستانی را در دوره‌های مخلف در قالب تحولات فرهنگی و تمدنی معرفی می‌کنند. از نظر هرسکویتس تمدن عبارت است از: مجموعه‌ی دانش‌ها، هنرها، فنون، آداب و سنن، تأسیسات و نهادهای اجتماعی که در پرتو ابداعات و اختراعات و فعالیت‌های انسان و گروه‌های انسانی طی قرون و اعصار توسعه و تکامل یافته ... و دارای ویژگی‌های جغرافیائی، تاریخی و ... است (روح الامینی، ۱۳۷۷: ۴۹)

انسان طی مراحل تکاملی زندگی خود تلاش نموده است تا با تفکر و اندیشه از منابع محیط پیرامون استفاده کند و شرایط مناسب و مطلوبی برای ادامه‌ی حیات خود فراهم آورد. تحقیقات و بررسی‌های تاریخی به دست آمده، نشان می‌دهد که بهره‌گیری از سنگ و تهیه‌ی ابزارهای سنگی دارای قدمت زیادی است. ابزارهای سنگی بسیاری مانند تبر، هاون و ... از محوطه‌های باستانی به دست آمده است و مشخص شده است که خیلی از وسایل و لوازم مورد نیاز زندگی انسان از سنگ ساخته شده‌اند. بنابراین، این دوران به نام دوران سنگ یا «حجر» نامیده شده است. زمانی انسان از سنگ‌های نتراشیده استفاده می‌کرد و در دوره‌های بعدی ابزارهای سنگی را تراش می‌داده‌اند.

بر روی برخی تپه‌ها و محوطه‌های باستانی، نمونه ابزارهای سنگی مربوط به ساکنان سکونتگاه‌های اولیه به دست آمده است که در مطالعات باستان‌شناسی اهمیت دارند. تبرسنگی، هاون، پاشنه‌ی در ... از جمله‌ی این آثار می‌باشند. از جمله شواهد فرهنگی قابل مطالعه بر روی آثار، نمونه تیغه‌های سنگی است که به رنگ‌های سیاه، قهوه‌ای، سفید می‌باشند. این تیغه‌ها با

تکنیک خاصی از سنگ‌های محکم (سنگ مادر) جدا شده‌اند. باستان شناسان کشف این گونه آثار را در مطالعات و پژوهش‌های خود با اهمیت می‌دانند.

آبسدین، از جمله سنگ‌های شیشه‌ای هستند که بر اثر فعالیت‌های آتشفشانی به وجود می‌آیند و در برخی مکان‌های باستانی دیده می‌شوند. تیغه‌های ساخته شده از این سنگ در دوران باستان رواج داشته است. معادن سنگ آبسدین تاکنون در مناطق محدودی از کره‌ی زمین کشف شده است (بخش غربی قاره امریکا، ترکیه، ایران، ژاپن، نیوزلند و بخش‌هایی از اروپای مرکزی (بحر العلوم، ۱۳۷۸: ۱۳۵). چون زمان استفاده از سنگ در زندگی بشر طولانی است، این دوران به دوران دیگری چون: دوران پارینه‌سنگی قدیم (پالئولیتیک)<sup>۲۲</sup>، دوران میانه سنگی<sup>۲۳</sup> و دوران نوسنگی<sup>۲۴</sup> تقسیم می‌شود. این دوران را به ترتیب: آشولین، موسترتین و برادوستین نامیده‌اند.

**سازه‌های صخره‌ای :** فضاها ی طبیعی و یا ایجاد شده در دامنه‌ی کوه‌ها، بلندی‌های صخره‌ای مورد احتیاج بشر برای استقرار و یا پناه گرفتن و ... را معماری صخره‌ای می‌نامند. به عبارتی معماری صخره‌ای محصول تلاش انسان، جهت ایجاد فضای مناسب در دل صخره‌ها است. در معماری صخره‌ای از مصالح آزاد و معمولی، ساختمان به وجود نمی‌آید بلکه ساختمان از صخره‌ی طبیعی و یا مصالح طبیعی بومی هر منطقه تأمین شده است. این نوع فضای معماری به مرور زمان ایجاد شده است. حفره و دالان‌هایی که در شرایط خاص طبیعی و با تغییر و توسعه‌ی آن توسط انسان گسترش یافته و امکان بوجود آمدن فضاهایی همچون خانه و نشیمن در آن بوجود آمده است. چارچوب اصلی و مصالح بکار گرفته شده در این نوع معماری، خود اجزای صخره می‌باشد و تقسیم‌بندی

<sup>22</sup> -palaeolithic

<sup>23</sup> - mesolithic

<sup>24</sup> -neolithic

فضاها نیز با همین عنصر صورت می‌گیرد. در این مبحث نمونه‌هایی از این نوع معماری در ایران مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

**پناهگاه‌های سنگی:** پناهگاه سنگی از جمله مکان‌های طبیعی در دامنه‌ها و دره‌های کوهستانی هستند که بشر در دوران مختلف استقرار خود از آن‌ها برای محل زندگی مورد استفاده قرار داده است. بهره‌گیری از سنگ و چوب و یا مصالح دیگر برای ساخت ورودی‌ها و یا ایجاد بخش‌های مورد نیاز خود و نیز امن‌سازی مکان برای مقابله با پدیده‌های طبیعی و انسانی و ... مورد توجه بوده است. ویژگی‌های زمین‌شناسی و زمین ریخت‌شناسی کوهستان‌ها و اطراف آن موجب شده است که تعداد فراوانی غار و پناهگاه صخره‌ای شکل گیرد.



تصویری از یکی از پناهگاه‌های سنگی منطقه

وجود این مکان‌ها از یک سو و ارتفاع و وضعیت زیست محیطی مناسب در پایان دوره‌ی «پلیستوسن» از سوی دیگر موجب شده است که شکارچیان اواخر دوران پارینه‌سنگی از این مکان‌ها در کوهستان‌های ایران خصوصاً دره‌های زاگرس به طور مکرر استفاده کنند.



پناهگاه‌های سنگی در ارتفاعات مشرف بر دشت‌های میانکوهی



پناه گاه سنگی درّه‌ی ارغوان ایلام (محمودیان، ۱۳۸۱)

**گوردخمه‌ها:** گوردخمه فضا و نوعی معماری صخره‌ای است که در صخره‌ها، کوه‌ها، تپه‌ها و یا بلندی‌های مناطق مختلف برای تدفین مورد استفاده بوده است. این نوع سازه‌های معماری در بسیاری از مکان‌ها و محوطه‌های باستانی از گذشته بر جای مانده است. این فضاهای اتاقی شکل گاه جای کافی برای نشستن، قرار دادن اشیاء و برگزاری مراسم داشته‌اند. بخش عمده‌ای از تمدن‌های پیش از تاریخ ایران در کوهستان زاگرس، دشت‌های میانکوهی و نیز دشت‌های حاشیه‌ای کوهستان زاگرس ایجاد شده‌اند. استان ایلام در موقعیت مکانی

غرب زاگرس و حائل بین کوهستان ودشت و مشرف برسرزمین نسبتاً هموار میانرودان واقع شده است.

### سکونت‌گاه‌های انسانی دوران سنگ در زاگرس غربی

برخی باستان‌شناسان از جمله کوروس، ضمن ارایه‌ی اطلاعاتی در مورد ابزارهای به‌دست آمده از دوران سنگ، آثارسنگی محوطه‌های باستانی زاگرس چون «پال باریک» در هیلان را مربوط به دوره‌ی پارینه‌سنگی قدیم می‌داند (محمودیان، ۱۳۹۵: ۸۶). صادق شه میرزادی در کتاب خود نوشته است: «آثاری از دوران پارینه‌سنگی میانه (موسترین) در نقاط باستانی خرم آباد لرستان شناسایی شده‌اند که به صورت غار یا پناهگاه سنگی بوده‌اند و در کنار چشمه‌های آب قرار گرفته‌اند.» (ملک شه میرزادی، ۱۳۷۳: ۸۶). از دوران پارینه‌سنگی میانی که به فرهنگ ابزارسازی آن «موستری» گفته می‌شود، شواهد بیشتری در غارها و پناهگاه‌ها یافت شده‌است که اغلب مربوط به زاگرس مرکزی هستند. انسان ابتدایی در مراحل استقرار خود غارها را برای سکونت برگزیده است.

### پیشینه‌ی پژوهش‌ها در دره هیلان

دره‌ی هیلان شمالی‌ترین بخش از استان ایلام می‌باشد که در ساحل غربی رود سیمره واقع گردیده است. براساس بررسی‌های باستان‌شناسی بیش از ۱۶۱ محوطه باستانی و تاریخی فقط در این محدوده از ادوار کهن بر جای مانده است. تپه‌های گوران-کزآباد و غارهایی نظیر مرگرگلان و غیره از جمله آثار شاخص این منطقه می‌باشند.

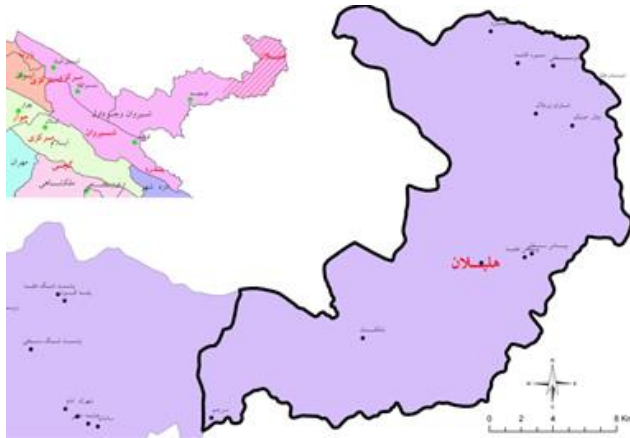
یافته‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد در این ناحیه از زاگرس در استان ایلام، از استقرار گاه‌های انسان یا به عبارتی انسان ابزار ساز از حدود یکصد هزار سال پیش آثاری چون

تبرهای سنگی ساپوری و دیگر ابزارهای سنگی که با پیشرفت شیوه های تولید و توزیع محصول تحول یافته به دست آمده است.

ساکنان هلیلان پس از پشت سرگذاوردن دوران اولیه استقرار و آشنائی به کشاورزی دیم به مرحله کشاورزی آبی نزدیک و به اهلی نمودن گاو و گوسفند و بز و اسب پرداخته اند که در تاریخ انقلاب کشاورزی و دامپروری بشر نقش کلیدی داشته است. کشف نمونه های بیشماری از تیغه های سنگی و ابزارهای فرهنگی عصر معروف به «صنایع سنگ» در این حوزه ی تمدنی دلیل محکمی بر گسترش و رشد فزاینده ی فرهنگی و توسعه ی نظام استقرار و یکجانشینی در دهکده ها و شهر نشینی این ناحیه از کشور ایران می باشد. هلیلان اولین با توسط سر اورل اشتاین در سال ۱۹۳۶ میلادی مورد بررسی قرار گرفت. وی تپه های کزآباد، حرّمام و چشمه ماهی را شناسایی کرد و علاوه بر این تپه های کزآباد را نیز حفاری نمود. هدف وی از حفاری بدست آوردن آثاری از دوره ی مفرغ در لرستان بود (کریمی، ۱۳۲۹: ۱۳۳-۱۳۱؛ واندنبرگ، ۱۳۴۵: ۹۵؛ ۲۴۴-۲۵۴؛ Stein, ۱۹۴۰). یورگن ملدگارد (Jorgen Midgrade) در سال ۱۹۶۲ به عنوان سرپرست هیأت دانمارکی تپه گوران را در هلیلان شناسایی نمود. در سال ۱۹۶۳ میلادی پدر مورتسنن تپه ی گوران را حفاری نمود (ملک شه میرزادی، ۱۳۷۸: ۲۶۱). کلرگاف مید در بین سال های (۱۹۶۷-۱۹۶۳) منطقه هلیلان را بررسی نمود و چند محوطه ی باستانی را شناسایی کرد. مورتسنن طی سال های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ به صورتی گسترده منطقه-ی هلیلان را بررسی کرد. او موفق شد ۱۶۱ محوطه ییاستانی را طی دو فصل شناسایی نماید. (Mortensen, 1974:28, 29; Mortensen, 1973:37; Mortensen, 1976:46-48)

ابراهیم مرادی در سال ۱۳۸۷ هجری شمسی منطقه ی هلیلان را با نظارت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مورد بررسی و شناسایی قرار داد. بررسی و شناسایی

آثار فرهنگی هلیلان در سال ۱۳۸۹ به وسیله هیئت باستان شناسی میراث فرهنگی استان ایلام به سرپرستی دکتر حبیب اله محمودیان انجام شده است (محمودیان، ۱۳۸۹: ۱۸).  
**موقعیت:** هلیلان وزردلان در منطقه ی کوهستانی شمال شرقی استان ایلام واقع شده است، کوه های نسبتاً بلند قلاجه و خرمة در شمال شرقی و کوه عریض و بلند بانکول با قله ی مانشت با ارتفاع بیش از ۳۰۰۰ متر از سطح دریا ارتفاعات غربی شهرستان های چرداول و هلیلان را تشکیل می دهد. هلیلان تحت تأثیر این شرایط از قدیم الایام دارای استقرار بوده و آثار متعددی در این منطقه از دوران مختلف تاریخی برجای مانده است.



گزارش بررسی و شناسایی منطقه هلیلان، ۱۳۸۹، میراث فرهنگی ایلام

### تحولات تاریخی هلیلان و وزردلان

بررسی های باستان شناسی و مطالعه شواهد و شناسه های فرهنگی نشان می دهد که در دوران پیش از تاریخ انسان در این منطقه استقرار داشته است. وجود غار ها و پناهگاه های سنگی متعدد واقع در دامنه ها و ارتفاعات (مجموعه غار های پیش از تاریخ هلیلان وزردلان، محوطه ها و پناهگاه های صخره ای حاشیه ی رودخانه ی تاریخی سیمره) و ده ها محوطه و تپه ی باستانی در مناطق مختلف این ناحیه، اهمیت باستان



شناسی این منطقه از زاگرس غربی را نشان می دهد. از جهتی دیگر شرایط مطلوب جغرافیایی به ویژه منابع آب، پوشش جنگلی و مرتعی و وجود مواهب طبیعی مورد نیاز حیات انسان موجب شده تا استقرار در این محدوده ی جغرافیایی استمرار داشته باشد. پل باستانی بیژنوند (بیجنوند)، تپه های باستانی گوران در هلیلان، دو آوان در نزدیکی سرابله، قلعه ی هره قلوس در روستای موشکان، قلعه و دیوار دفاعی کوه خرمه و دیوار چند کیلومتری آن، آثار متعدد در رمناط زنجیره، شباب، هلیلان، زردلان و ... از جمله آثار شاخص این منطقه محسوب می گردند.

بررسی های باستان شناسی نشان می دهد منطقه در مسیر جاده های مهم باستانی واقع شده است. یکی از این جاده ها در مسیر پل باستانی بیژنوند امتداد داشته است. ایزد پناه نوشته است: این راه نیز از چرداول و بیژنوند «بیجنوند» و پل چهار چشمه ای که در عهد ساسانیان بر روی سیمره ساخته شده... عبور می کرده و به طر حان منتهی می شده است (ایزد پناه، ۱۳۶۳: ۵۸).

کلرگاف مید تپه های کلاته، فتح الله و درمر را جزء محوطه های دوره ی اوروک معرفی کرده است (کلرگاف مید، ۱۹۶۳-۱۹۶۷ م). پدر مورتسن طی سال های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ م. منطقه ی هلیلان را مورد بررسی قرار داده است. وی آثار دوره ی کلکولیتیک پایانی را که قابل مقایسه با دوره ی اوروک و گودین V و VI است، در تپه کلاته و غار درمر شناسایی کرده است. از کاوش هایی که توسط مورتسن در تپه گوران در قسمت شمالی دره هلیلان صورت گرفته اطلاعات بسیار جالبی درباره لرستان به دست آمد. در سطح پایین تپه گوران آثار دهکده های نیمه دائم با خانه های شاخه شده از چوب که بعدها جای خود را به دهکده های دائم با خانه های خشتی دادند. قسمت بالایی تپه گوران کامل ترین توالی سفال های رنگی و غیر رنگی را در زاگرس در برداشت. آنچه مسلم

است گیاهانی از قبیل جو، اهلی شده بودند و وجود دانه های کربن یزه و استخوان پرندگان آبی مهاجر دلالت بر این دارد که این دهکده در تمام سال مسکون بوده است. بنابراین تپه گوران شامل موادی است که نشان دهنده انتقال از دهکده نیمه دائم به دهکده دائم می باشد (Hole, 1967). از مهم ترین محوطه های این منطقه می توان به محوطه تپه گوران، آسیاب (عبدالحسین، گنج دره، اشاره داشت. محوطه تپه گوران، در دره هلیلان واقع است. این محوطه در سال ۱۹۶۲ توسط یورگن ملدگارد<sup>۲۵</sup> دانمارکی شناسایی شد و سپس توسط پدرمورتسن<sup>۲۶</sup> دانمارکی در سال ۱۹۶۳ کاوش شد. (1975; Thrane&,Mortensenand Meldgard 1976;1974; 1972; 1972

### غارهای کهره

مجموعه غارهای کهره تقریباً شامل چند غار و پناهگاه صخره‌ای می‌باشد که به نام غار «دهرمر»، «مه‌راو» و «حووره‌تاو» در ارتفاعات غربی و شمالی دشت هلیلان واقع شده‌اند. (محمودیان، ۱۳۹۷: ۱۳۹). مجموعه غارهای «درمر» نسبت به دشت هلیلان در ارتفاع حدود ۱۰۰ متری واقع شده‌اند. جاده‌ی آسفالتی روستای کهره به روستاهای کلاته و بالادشته از فاصله‌ی ۲۰۰ متری شرق غارها و از جنوب به شمال امتداد دارد. دهانه‌ی ورودی غارها بیشتر رو به سمت شرق است. فاصله‌ی اولین غار در جنوب با آخرین غار در قسمت شمال حدود ۲۵۰ متر می‌باشد. این غارها مجموعاً در دو غار بزرگ به نام "درمر" جای گرفته‌اند. علاوه بر این غارها، غارهای اطراف کهره چون: غار تیشه کن، مراو، کمترلان و غارهای منطقه‌ی زردلان چون غار گورمر را می‌توان نام برد. بیشتر غارها در سال ۱۹۷۴ میلادی توسط پدر مورتسن باستان‌شناس دانمارکی مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته‌اند.

25- Jorgen Meldgard

26 - Peder Mortensen



هلیلان، غار مراو، هلیلان.



هلیلان، غار کموترلان

در بررسی سطح محوطه غارها، تعدادی ابزار سنگی خشن و سفال مشاهده گردید. ابزارهای سنگی به دست آمده از سطح این غارها متعلق به دوره‌ی پیش از تاریخ به‌ویژه دوران پارینه‌سنگی و میان‌سنگی می‌باشند؛ ولی سفال‌ها به دوره‌ی تاریخی تعلق دارند.

### دره‌ی زنجیره

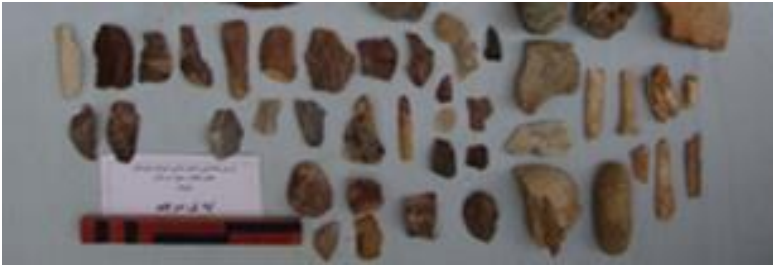
در دره‌ی زنجیره واقع در چرداول غارهای دوگانه، دره زمین و گاکلنگ مورد شناسایی قرار گرفته است. هیأت باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی ایلام در سال ۱۳۸۱ شواهد فرهنگی این غار را طبقه‌بندی کرد و اثر را جهت ثبت در آثار ملی مستندسازی نموده است (محمودیان، ۱۳۸۱: ۴۹).

یافته‌های علمی نشان می‌دهند که تجمع گروه‌های انسانی در دوران «پارینه‌سنگی فوقانی» و «فراپارینه‌سنگی در غرب ایران و در حوزه‌ی ارتفاعات زاگرس متمرکز بوده است. در بررسی سطح محوطه‌ی غارها، تعدادی ابزار سنگی خشن و سفال مشاهده گردید. ابزارهای سنگی به دست آمده از سطح این غارها متعلق به دوره‌ی پیش از تاریخ به‌ویژه دوران پارینه‌سنگی و میان‌سنگی می‌باشند؛ ولی سفال‌ها به دوره‌ی تاریخی تعلق دارند.



غار کلاته

**محوطه باستانی سرچم:** این اثر در فاصله‌ی ۷۰۰ متری شمال شرقی روستای سرچم از توابع هلیلان واقع شده است. فرسایش ناشی از جریان آب این رودخانه بخش عمده‌ای از لایه‌های باستانی اثر را در عمق ۵ متری نمایان ساخته است. ابعاد فعلی تپه ۸۰ × ۱۰۰ متر می‌باشد. به نظر می‌رسد این مکان باستانی حدود ۷ متر لایه‌ی باستانی داشته باشد. سفالینه، سنک مادر، تیغه، ابزارهای سنگی و بقایای استخوانی مهم‌ترین یافته‌های سطحی تپه‌ی سرچم می‌باشد. چون تپه در مسیر رودخانه بوده است لذا حدود یک متر رسوبات رودخانه‌ای بر روی لایه‌های استقراری قرار گرفته است. سفالینه‌های سرچم از نوع ساده و منقوش بوده و اکثراً دست ساز هستند. تراکم سفالینه‌ها و تیغه‌های سنگی اهمیت این تپه را نشان می‌دهد. در جریان بررسی و شناسایی حوزه‌ی زردلان جمعا ۲۶ تکه سفالینه و ۱۴ قطعه ابزار و تیغه‌های سنگی از سطح تپه برداشت و مورد مطالعه قرار گرفت. پوشش داخلی سفالینه‌های مورد مطالعه قهوه‌ای، گلی قرمز و نقوش آن‌ها خطوط و نوارهای موازی بوده است. بررسی اولیه نشان می‌دهد که استقرار از ادوار پیش از تاریخ تا دوره‌ی تاریخی در این مکان وجود داشته است (محمودیان، ۱۳۸۹: ۳۳).



تصویر شناسه‌های فرهنگی تپه‌ی سرچم، هلیلان  
میراث فرهنگی استان ایلام

**محوطه پل جمشید:** این محوطه در بخش شمالی تپه‌ی سرچم واقع گردیده و حدود ۶۰۰ متر از رودخانه‌ی سیمره فاصله دارد. محوطه شامل دره‌ی پل جمشید و بلندی‌های جانبی است که ابعاد آن  $۲۰۰ \times ۱۰۰$  متر اندازه‌گیری شده است. بیشترین شناسه‌های فرهنگی از بلندی‌های مشرف بر دره‌ی پل جمشید بدست آمده است. مهم‌ترین شناسه‌های سطحی محوطه‌ها ابزار و تیغه‌های سنگی است که در بخش بلندی‌های جانبی دره‌ی پل جمشید بدست آمده است. تعداد هفت نمونه از تیغه‌ها مورد مطالعه قرار گرفت. تکنیک ساخت اینگونه ابزار با نمونه‌های تپه‌ی سرچم همخوانی دارد. یک طرف ابزار روتوش شده و اکثر آن‌ها دارای رنگ قهوه‌ای تیره بوده و به عنوان وسیله برنده کاربرد داشته است. گاهنگاری اولیه نشان می‌دهد این اثر متعلق به دوره‌های پیش از تاریخ است (محمودیان، ۱۳۸۹: ۳۳).

**مکان‌های باستانی شناسایی شده در حوزه‌ی گلدره:** گلدره مکان ییلاقی کوچ نشینان منطقه می‌باشد. به نظر می‌رسد در گذشته نیز شرایط و موقعیت استقرار را دارا بوده است. بنابراین وجود آثار متعدد و متراکم از ادوار باستان در این منطقه دلیل بر این ادعا می‌باشد. شناسه‌های فرهنگی، سفالینه‌ها و ابزارهای سنگی از مهم‌ترین شواهد فرهنگی قابل مشاهده بر سطح آثار است. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد برخی از

محوطه ها متعلق به عصر کالکولیتیک می باشند. قرار گرفتن منطقه در حاشیه رودخانه سیمره، اقلیم مطلوب، منابع آب و پوشش جنگلی و مرتع از مهمترین عوامل استقرار در این ناحیه بوده است. در جریان عملیات بررسی و شناسایی زردلان جمعا ۸ اثر تاریخی فرهنگی و یک اثر طبیعی شناسایی شده که شواهد و شناسه های مورد مطالعه دوران پیش از تاریخ را نشان می دهد.

لیست وکد آثار باستانی شناسایی شده، حوزه ی گلدره ی زردلان، ۱۳۸۹

ردیف	نام اثر	نوع اثر	کد اثر	کد Gps	دوره احتمالی
۱	تپه ی صیوله گلدره	تپه باستانی	۱۴۰۶۳۰۲۲	۰۲۶	پیش از تاریخ
۲	گورستان سلامگه گلدره	گورستان	۱۴۰۶۳۰۲۴	۰۲۲	پیش از تاریخ
۳	محوطه ی سلامگه	محوطه	۱۴۰۶۳۰۲۵	۰۲۱	پیش از تاریخ
۴	گورستان چشمه کبود ۱	گورستان	۱۴۰۶۳۰۲۶	۰۱۹	پیش از تاریخ
۵	گورستان چشمه کبود ۲	گورستان	۱۴۰۶۳۰۲۷	۰۲۰	پیش از تاریخ

## منابع

۱. ایزدپناه، حمید، آثار باستانی لرستان، ۱۳۶۲، جلد دوم، تهران، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
۲. بهزادی، رقیه؛ (۱۳۸۳)، آریاها و ناآریاها در چشم انداز کهن تاریخ ایران، تهران: انتشارات ظهوری.
۳. بحر العلومی، (۱۳۷۸)، روش های سال یابی در باستان شناسی، تهران: انتشارات سمت.
۴. پژوهشکده ی باستان شناسی (۱۳۸۲)، گزارش های باستان شناسی (۲)، سازمان میراث فرهنگی کشور.
۵. خانزادی، محمد جواد (۱۳۸۸). گزارش شناسایی و مستندسازی آثار شهرستان ایوان، میراث فرهنگی
۶. روح الامینی، محمود؛ (۱۳۷۷)، زمینه فرهنگ شناسی، چاپ چهارم انتشارات عطار، تهران.
۷. فیروزمندی شیره جینی، بهمن؛ (۱۳۷۸)، باستان شناسی و هنر آسیای صغیر، انتشارات سمت.

۸. کلرگاف مید در بین سال های (۱۹۶۷-۱۹۶۳)
۹. گیرشمن، رومن (۱۳۳۶)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه ی محمد معین، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. محمودیان، حبیب اله (۱۳۸۲)، گزارش شناسایی و مستندسازی آثار باستانی حوزه ی شمالی استان ایلام، میراث فرهنگی.
۱۱. .... (۱۳۸۱). گزارش شناسایی و مستندسازی آثار تاریخی و باستانی شهرستان چرداول، ایلام: میراث فرهنگی و گردشگری.
۱۲. .... (۱۳۸۹). گزارش بررسی و شناسایی آثار تاریخی و باستانی شهرستان چرداول، منطقه هلیلان: میراث فرهنگی و گردشگری.
۱۳. .... (۱۳۹۵)، جاده ها و ایل راه های باستانی استان ایلام، نشر زاگرو، ایلام.
۱۴. .... (۱۳۹۱). دوران طلایی برنز در زاگرس غربی، چاپ اول، ایلام: نشر زاگرو.
۱۵. .... (۱۳۹۶)، میراث ماندگار
۱۶. مرادی، ابراهیم (۱۳۸۷)، گزارش بررسی و شناسایی آثار تاریخی و باستانی شهرستان چرداول، منطقه هلیلان: میراث فرهنگی و گردشگری.
۱۷. .... (۱۳۹۶)، فصلنامه مطالعات ایلام شناسی، ایلام: نشر زاگرو.
۱۸. ملک شهمیرزادی، صادق؛ (۱۳۷۳)، مبانی باستان شناسی ایران، بین النهرین، مصر، جهاد دانشگاهی، تهران.
۱۹. .... (۱۳۷۸)، «ایران در پیش از تاریخ، باستان شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی»؛ چاپ دوم، ۱۳۸۲؛ تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۲۰. مورتسن، پدر (۱۹۷۴)، بررسی و تعمق در دره ی هلیلان، ترجمه ی حبیب اله محمودیان.
۲۱. هول، فرانک، (۱۳۸۷).
۲۲. واندنبرگ، لویی؛ (۱۳۴۸)، باستان شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۲۳. هول، فرانک؛ (۱۳۸۱)، باستان‌شناسی غرب ایران، ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت.

۲۴. آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام.

۲۵. سایت میراث فرهنگی استان ایلام (ilammiras).

### منابع خارجی

1. Thrane&, Mortensenand Meldgard 1976; 1974; 1972; 1972
2. (Mortensen, 1974:28, 29; Mortensen, 1973:37; Mortensen, 1976:46-48)
1. Stein
1. Jorgen Midgrade ۱۹۶۲ .



## تحولات باستان شناختی دشت الشتر در عصر روستانشینی میانه

عنایت اله نوریان کلاه کج<sup>۲۷</sup>

### چکیده

دوره روستانشینی در ایران از اواسط هزاره ششم ق.م آغاز می شود. این دوره با تحولات وسیعی در ساختارهای اجتماعی همراه است. استقرار در روستاهای دائمی، افزایش جمعیت و شکل گیری نخستین جوامع حکومتی را می توان اتفاقات این دوره دانست. دانش و اطلاعات پیرامون تحولات فرهنگی این دوره از زندگی انسان، با بهره گیری از مطالعات میدانی باستان شناسی و سایر علوم مرتبط امکان پذیر است.

هدف از تدوین این مقاله، مطالعه و بررسی ویژگی سفالینه های مکشوفه از دوره ی روستانشینی میانه در شهرستان الشتر به منظور دستیابی به بخشی از تاریخ، تمدن و فرهنگ این منطقه در دوران باستان بوده است. شناسایی و معرفی گونه های مختلف سفالی هزاره ششم و پنجم ق.م، گونه های شناختی دوران نوسنگی جدید و روستانشینی قدیم، مقایسه گونه های سفالی آن با محوطه های همزمان در منطقه و در نهایت آگاهی از روند تداوم یا تغییر در سنت های سفالگری در راستای تحقق این هدف بوده است. بنابراین این دوران که باستان شناسان از آن به عنوان روستانشینی آغازین نام برده اند، در زاگرس مرکزی ناشناخته است. از آنجاییکه سفال مهم ترین و ابتدایی ترین ماده فرهنگی در بررسی ها می باشد. لذا، سفالینه محوطه های مورد مطالعه، به عنوان مبنای شناخت این دوران قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** الشتر، روستانشینی میانه، تپه گیان، گودین، هلیلان، شهرنشینی.

<sup>۲۷</sup> - دانش آموخته رشته باستان شناسی، پژوهشگر.

### محوطه های شاخص عصر روستا نشینی الشتر

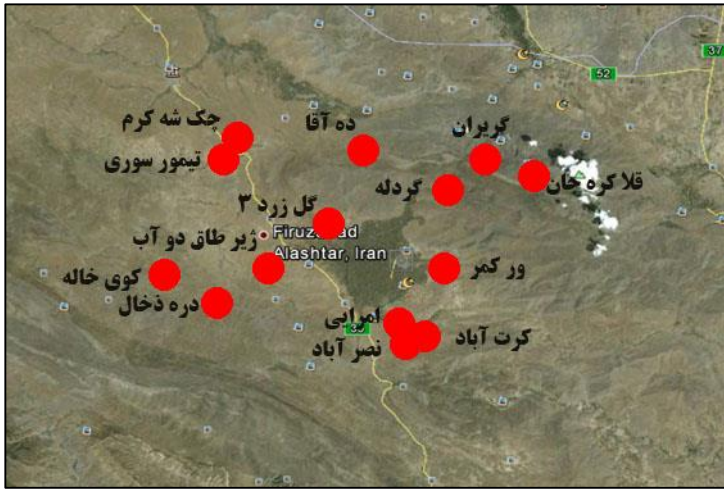
**مقدمه:** روستا نشینی در سرزمین ایران به عنوان یکی از پیچیده ترین و مشکل ترین دوره های فرهنگی انسانی به شمار می رود. دلیل این مسئله شاید کمبود پژوهش ها و مطالعات باستان شناسی منسجم در زمینه شناخت فرهنگهای انسانی در سرزمین ایران در دوره یاد شده باشد. از طرف دیگر، بررسی ها و کاوش های باستان شناسی انجام شده در منطقه توسط باستان شناسان مختلف و با اهداف و فرضیات متفاوتی انجام پذیرفته است.

کاوش ها و مطالعاتی که در محوطه هایی همانند سیلک، تپه قبرستان دشت قزوین، تپه ازبکی، اریسمان، حصار، اخیرا تپه شغالی و گوران و سفالی پیشوا، کزآباد هلیلان و گیان و گودین و مناطق پشت کوه لرستان و دیگر محوطه ها صورت گرفته تا حدودی اطلاعاتی درباره حوادث و جریان های این دوره ارائه می نمایند. محوطه باستانی اریسمان در ۶۰ کیلومتری جنوب شرق کاشان معرف آثاری از اواخر هزاره چهارم و سوم ق.م است (فاضلی، ۱۳۸۵، ۸۵) تپه حصار دامغان که شرقی ترین منطقه شمال مرکزی ایران است در تمام طول هزاره چهارم و سوم و اوایل هزاره دوم ق.م مسکونی بوده است. تپه حصار در حدود ۱۷۰۰ ق.م متروک شده و تا دوران تاریخی هیچ اثری از استقرار در آن کشف نشده است (طلایی، ۱۳۸۵، ۱۳۱). تپه سگزآباد دشت قزوین در تحتانی ترین لایه های آن مفرغ متاخر را معرفی می کند (حدود ۲۰۰۰-۱۵۰۰ ق.م). در هزاره سوم ق.م یک دوره فترت طولانی حدود هزار سال در فلات مرکزی آشکار می شود (طلایی، ۱۳۸۵، ۱۲۵).

دوره چهارم سیلک که پس از پایان دوره سوم (روستا نشینی) شروع شد. احتمالا از حدود ۳۰۰۰ ق.م شروع شده و تا حدود ۲۸۰۰ ق.م ادامه داشته است (گیریشمن، ۱۳۷۹). تپه سفالین در شمال شرقی شهر پیشوا در شرق دشت ری معرف

استقرار هزاره چهارم و سوم ق.م می باشد (حصاری: ۱۳۸۶، ۹۶). در مناطق مورد مطالعه ، بررسی و کاوش های باستان شناسی صورت نگرفته یا اگر انجام شده بسیار ناچیز و غیر دقیق بوده است (معمدی، ۱۳۶۵، ۸۶). بدلیل عدم وجود راههای دسترسی مناسب کشف زیستگاههای باستان شناختی گزارش نشده است. در سال ۱۹۳۷ مری هلنی در محدوده ای از الشتر با هواپیما بازدید و تصاویر هوایی گرفت. ۱۹۴۰-۱۹۳۶ سر اورل استین در منطقه الشتر بررسی هایی انجام داده و در تپه بتکی کاوش کرده است. واندنبرگ در سال ۱۳۷۹ ، و همچنین فرانک هول و فلانری در سالهای ۱۹۶۶ و ۱۳۶۹ بررسی هایی در الشتر انجام داده اند .

بررسی هایی که در سال ۱۳۸۵-۱۳۸۶ در منطقه الشتر توسط کارشناسان اداره کل میراث فرهنگی استان لرستان به سرپرستی داوود داوودی مورد بررسی و شناسایی قرار گرفت. در جریان بررسی ها ۹۵ اثر باستانی مورد بررسی و شناسایی قرار گرفت. در سال ۱۳۸۹ شهرستان الشتر مجدد مورد بررسی و شناسایی قرار گرفت . در این فصل از بررسی ها تعداد ۱۴ محوطه باستانی شناسایی شد که دارای سفال هایی با شاخص های دوره روستا نشینی بودند. در این بخش از مقاله، یافته های سفالی بدست آمده از این محوطه ها مطالعه و مورد تحلیل قرار گرفته اند.



محوطه های باستان شناسی دوره روستا نشینی الشتر

محوطه های مورد مطالعه عبارتند از:

تپه ده آقا<sup>۲۸</sup> واقع در بخش فیروزآباد. دهستان فیروزآباد. روستای ده آقا. داده های سفالی این تپه شامل سفالهای نخودی با آمیزه ترکیبی شن ریزه و گاه و ذرات اندک آهک است. حرارت برای پخت این سفالها کافی بوده و با تکنیک دست ساخته شده اند و از لحاظ ضخامت متوسط می باشند. فرم این سفالها شامل لبه تخت با بدنه عمود لبه برگشته به بیرون کف های ساده با دهانه باز و زاویه ملایم و بدنه سفال می باشد. این سفالها با سفالهای گودین و گیان و یانیک تپه قابل مقایسه است.

تپه چک شه کرم<sup>۲۹</sup>: این اثر در ۱۵۰ متری جنوب شرقی روستای ده حسنعلی بخش فیروزآباد واقع شده است. خمیره این سفالها نخودی روشن - قهوه ای روشن با آمیزه ترکیبی شن ریزه و ذرات اندک آهک است. پخت این سفالها تقریباً ناکافی و از لحاظ

<sup>28</sup> - deh agha

<sup>29</sup> - chowke shah keram

ضحامت خشن و متوسط هستند. سفالینه مورد بررسی اکثراً دست ساز هستند و بدنه آنها به خوبی صیقل داده شده است. فرم این سفالها شامل لبه تخت و بدنه اریب ، لبه تخت با بدنه کمی زاویه دار است. مطالعات انجام شده نشان می دهد سفالینه این مکان باستانی با سفالهای تپه سه گابی ، گودین و گیان قابل مقایسه است.

**تپه کورت اباد** <sup>۳۰</sup> واقع در بخش مرکزی دهستان قلعه مظفری. روستای کورت اباد. داده های سفالی این دوره شامل نخودی روشن با آمیزه شن ریزه و کاه خرد شده است و تکنیک ساخت اغلب دست ساز و نوع حرارت اغلب نا کافی است و از لحاظ ضخامت متوسط می باشد فرم این سفالها شامل لبه برگشته به بیرون با بدنه قوسی (۱) لبه تخت و لبه برگشته به بیرون و شکستگی در بدنه است. این سفالها با گودین ۷ (Young 1963) گیان ۴ (j.kontor 1933) قابل مقایسه است

**محوطه ورکمر:** واقع در بخش مرکزی. دهستان یوسفند. ۷۰۰ متری جنوب شرق روستای مقصود اباد. سفالهای این محوطه ، نخودی با آمیزه ترکیبی ذرات شن و اندک آهک است. حرارت برای پخت سفالها ناکافی بوده است. اغلب دست ساز هستند دارای پوشش نخودی ، قهوه ای روشن است فرم این سفالها شامل لبه کمی برگشته به بیرون با بدنه شکم دار (۱) قطعات بدنه با نقوش نوارهایی پهن و باریک بر روی بدنه که این نقوش با رنگ سیاه بر روی زمینه نخودی ترسیم شده است (۲، ۳). این سفالها قابل مقایسه با سفالهای گودین، گیان ۴ و فرخ آباد است

**محوطه قلا** <sup>۳۱</sup> : واقع در بخش مرکزی شهرستان الشتر. دهستان یوسفند. ۱۹۰۰ متری شمال شرق روستای کره جان متروکه که به خط مستقیم.

<sup>30</sup>kert abad -

<sup>31</sup>ghella -

خمیره این سفالها نخودی آلویی و کرم روشن با آمیزه ترکیبی شن نرم و کاه خرد شده است که اغلب حرارت نا کافی و دست ساز هستند و دارای پوششی نخودی روشن و آلویی هستند و دارای ظرافت متوسط می باشند. فرم این سفالها شامل ظرفی با لبه تخت و بدنه اریب لبه هایی کم برگشته با بدنه ای کمی زاویه دار قطعات بدنه سفال با نقوش افزوده و انگشت فشاری با رنگ سیاه بر روی زمینه آلویی بوجود آمده است. این سفالها با سفالهای گودین و گیان ودالما قابل مقایسه است.

**تپه گرده ۳۲:** واقع در بخش مرکزی دهستان یوسفند. ۱۰۰ متری غرب روستای گریران سفلی. پراکندگی ماده فرهنگی سفال در سطح ودامنه ان قابل مشاهده است. خمیره این سفالها نخودی با آمیزه کانی است حرارت برای این سفالها کافی، و اغلب چرخ ساز هستند. و پوشش قرمز، نارنجی می باشد از لحاظ ضخامت در طیف متوسط هستند. فرم این سفال ها شامل بدنه که نقش کنده روی بدنه در امتداد هم کشیده شده است و سفالهای فاقد نقش بدنه هستند. سفال این محوطه با سفالهای گودین، گیان تپه سه گابی قابل مقایسه است.

**تپه امرایی ۳۳:** شهرستان الشتر. بخش مرکزی. دهستان قلعه مظفری. روستای ولی آباد. این سفالها نخودی با آمیزه ذرات کانی و شن است و پوشش نخودی و قهوه ای روشن است که حرارت برای پخت این سفالها کافی است و از تکنیک دست ساز استفاده شده است. ظرافت ترکیبی ظریف و خشن می باشد. فرم این سفالها شامل لبه با نقوش نواری افقی عمودی به همراه خطوط کوچک مورب که نقوش با رنگ قهوه ای تیره بر روی زمینه نخودی روشن ترسیم شده است لبه کمی برگشته به بیرون با شکستگی در بدنه

<sup>32</sup>gerdela -

<sup>33</sup>-amrai

همراه خطوط موازی به صورت نواری به رنگ قهوه ای تیره بر روی زمینه نخودی روشنو قطعات سفال بدنه فاقد نقش ساده می باشند. سفال این محوطه با سفالهای گودین ، گیان، تپه سه گابی و فرخ آباد قابل مقایسه است.

**تپه گریوان<sup>۳۴</sup>:** واقع در ۱۵۰ متری شمال غرب روستای گریران سفلی. خمیره این سفالها نخودی روشن با آمیزه ترکیبی از شن نرم و ذرات کانی است. حرارت برای پخت این سفال ها کافی و از لحاظ ضخامت متوسط هستند. این سفال ها اغلب چرخ ساز و بدنه آنها خوب صیقل داده شده است. فرم این سفال ها شامل لبه کمی برگشته به بیرون و بدنه قوس دار با نقوش های افقی و عمودی به همراه نوارهای شطرنجی که نقوش با رنگ قهوه ای تیره بر روی زمینه نخودی روشن ترسیم شده است. لبه کمی برگشته به بیرون با شکستگی در بدنه با نقش نوارهای عمودی پهن روی لبه و شکم ظرف با رنگ قهوه ای روی زمینه نخودی روشن لبه های تخت با بدنه کمی زاویه دار با نقوش نوارهای پهن و هاشورهایی در میان با رنگ سیاه بر روی زمینه نخودی ترسیم شده است و قطعات سفالی که با نقوش پهن به صورت افقی و عمودی با رنگ سیاه بر روی زمینه نخودی ترسیم شده است. سفال این محوطه با سفالهای گودین ، گیان، تپه سه گابی ، یانیک تپه و فرخ آباد قابل مقایسه است.

**تپه گل زرد<sup>۳۵</sup>:** واقع در شهرستان الشتر.بخش مرکزی.دهستان یوسفند.۶۰متری جنوب شرقی روستای گل زرد.خمیره این سفال ها نخودی روشن - قهوه ای روشن با آمیزه ترکیبی شن ریزه و ذرات اندک آهک است. حرارت برای پخت این سفالها تقریباً ناکافی و از لحاظ ضخامت خشن و متوسط هستند.این سفالها همگی دست ساز هستند.

<sup>34</sup> - geriran

<sup>35</sup> - gole zard

بدنه آنها به خوبی صیقل داده شده است. فرم این سفالها شامل لبه برگشته به بیرون با بدنه شکم دار. لبه کمی برگشته به بیرون با شکستگی در بدنه لبه برگشته به بیرون است که این سفال ها قابل مقایسه با سفال های گودین، گیان و تپه دالما است.

**تپه نصر اباد<sup>۳۶</sup>:** واقع در روستای نصر آباد الشتر. خمیره این سفال ها نخودی روشن با آمیزه ترکیبی شن ریزه و گاه خرد شده است. حرارت برای پخت این سفالها تقریباً کافی و دست ساز هستند و از لحاظ ضخامت در طیفی از خشن تا متوسط است.

این سفالها همگی دست ساز هستند و بدنه آنها به خوبی صیقل داده شده است. فرم این سفال ها کف تخت به صورت ساده که نحوه اتصال به زیر کف به صورت ساده و گاهی با یک انحنا انجام شده است و قطعات سفالی بدنه است. این سفالها با گودین و گیان قابل مقایسه است.

**تپه تیمور سوری علیا<sup>۳۷</sup>:** این اثر روستای تیمور سوری علیا واقع شده است. اغلب سفالینه این محوطه نخودی با آمیزه ترکیبی ذرات شن و اندک آهک است. حرارت برای پخت سفالها ناکافی و اغلب دست ساز هستند. دارای پوشش نخودی، قهوه ای روشن است. فرم این سفالها شامل لبه کمی برگشته به داخل با بدنه شکم دار لبه برگشته به بیرون و شکم دار لبه کمی برگشته به بیرون با شکستگی در بدنه لبه کمی برگشته به داخل با بدنه شکم دار لبه کمی برگشته به داخل به بدنه قوس دار است. سفال این محوطه با سفالهای گودین و گیان قابل مقایسه است. ابزار سنگیشامل یک قطعه تیغه شکسته که روی آن آثار روتوش دیده می شود.

<sup>36</sup> -nasrabad

<sup>37</sup> -teymur surye olya



**محوطه کوی خاله<sup>۳۸</sup>:** واقع در بخش مرکزی دهستان دو اب. ۴۵۰ متری شمال شرق روستای سرنجه. سفالینه این محوطه طیفی از نخودی آجری با آمیزه ترکیبی از ماسه و گاه خرد شده و ذرات کانی است. این سفالها همگی چرخ ساز و بدنه آنها خوب صیقل داده شده است. فرم این سفالها شامل لبه کمی برگشته به داخل با بدنه شکم دار لبه برگشته به داخل با نقش خطوط موازی بصورت عمودی افقی و هاشورهایی در میان که نقش با رنگ قهوه ای تیره روی زمینه نخودی ترسیم شده است. لبه برگشته به بیرون با بدنه قوس دار با نقش نوارهای افقی و عمودی روی لبه که نقوش با رنگ قهوه ای تیره بر روی زمینه نخودی روشن ترسیم شده است. لبه به داخل با نقش خطوط موازی بصورت عمودی و افقی و هاشورهایی در میان که نقش با رنگ قهوه ای تیره روی زمینه نخودی ترسیم شده است. قطعات سفالی بدنه با نقش های سیاه رنگ نامتقارن با نوارهای افقی عمودی روی بدنه که نقش به رنگ قهوه ای تیره روی زمینه نخودی ترسیم شده است. سفال این محوطه با سفالهای گودین، گیان، تپه سه گابی و فرخ آباد قابل مقایسه است.

**تپه دره زخال<sup>۳۹</sup>:** این اثر در فاصله ۳۰۰ متری غرب روستای مترو که دو آب ملکشاهی واقع شده است. خمیره سفالینه این مکان باستانی شامل: طیفی از نخودی آجری با آمیزه ترکیبی از ماسه و گاه خرد شده و ذرات کانی است. این سفالها همگی دست ساز و بدنه آنها خوب صیقل داده شده است. فرم این سفالها شامل لبه برگشته به بیرون و بدنه شکم دار با نقش خطوط سیاه رنگ بر روی زمینه نخودی ترسیم شده است لبه برگشته به

<sup>38</sup>kowe khale-

<sup>39</sup>-dera zekhal

داخل و بدنه قوس دار با نوارهایی باریک روی بدنه و در امتداد هم با رنگ قهوه ای تیره روی زمینه نخودی ترسیم شده است .

قطعات سفالی بدنه که بعضاً فاقد نقش و بعضی نیز دارای نقوشی بصورت نوارهایی منقوش در امتداد یک خط و خطوط پراکنده روی بدنه با رنگ قهوه ای تیره روی زمینه نخودی ترسیم شده است. این سفالها قابل مقایسه با سفالهای گودین، گیان، فرخ آباد و سه گابی است.

**تپه زیرطاق دوآب:** واقع در روستای زیرطاق دوآب. سطح قاعده تپه به شکل تقریبی مدور است. طول آن ۵۲ متر. عرض آن ۴۰ متر و بیشترین ارتفاع لایه های باستانی ۳ متر میباشد مساحت تپه در حدود ۲۰۸۰ متر مربع است. سفال های جمع اوری شده در این محدوده دارای خمیره نخودی روشن - قهوه ای روشن با آمیزه ترکیبی شن ریزه و ذرات اندک آهک است. حرارت برای پخت این سفالها تقریباً ناکافی و از لحاظ ضخامت خشن و متوسط هستند. این سفال ها همگی دست ساز هستند . بدنه آنها به خوبی صیقل داده شده است . فرم این سفال ها شامل لبه کمی برگشته به بیرون و یک نمونه کف ظرف و قطعه سفال های بدنه است این سفال ها با سفال های تپه سه گابی، گودین و گیان قابل مقایسه است.

#### تحلیل و گونه شناسی یافته های سفال عصر روستا نشینی الشتر

دشت الشتر از معدود مناطق بررسی شده زاگرس مرکزی است که در برگیرنده سطح وسیعی از لایه های استقرار فرهنگ های عصر روستا نشینی و عصر آهن است. در این نوشتار، بر مبنای طبقه بندی مجموعه سفالهای حاصل از بررسی دشت الشتر، به بیان ویژگی گونه های سفالی این محوطه از دوره روستا نشینی پرداخته شده است.

40 -zir taghe doab

اساس طبقه بندی ابتدا فرم ظرف سپس رنگ خمیره و سپس رنگ پوشش سفال و نوع نقش می باشد. با اتکا به مطالعات انجام شده و نتایج به دست آمده از طبقه بندی سفالهای دوره مس و سنگ قدیم، میانی و جدید گونه های شاخص با طیف قهوه ای، نخودی، طیف آلویی شناسایی شد. در مجموع ۸۰ قطعه سفال بدست آمد که از نظر رنگ در چند گروه طبقه بندی می شوند از جمله سفال خاکستری، نخودی و منقوش، آجری-قهوه ای، آلویی و سفال آشپزخانه ای یا کاربردی سفال های خاکستری تماما دست ساز با خمیره ظریف و نیمه ظریف به رنگ خاکستری روشن با شاموت ماسه بادی و ماسه نرم پخت کامل. فرم های رایج کاسه با بدنه محدب و کف تخت و دهان بسته و لاوک های درون گود لگنی شکل با کف باریک و تخت بوده اند. رایج ترین فرم سفال هارا خمره های بزرگ و ویژه ذخیره غلات و مایعات تشکیل می دهد که دارای بدنه محدب و زاویه دار با دهانه تنگ و لبه برگشته به بیرون و کف تخت و شانه دار می باشند. ظروف گلدانی با کف تخت و دهانه باز، جام های دهانه باز با بدنه شلجمی و دیزی های با بدنه کروی و یک تا دو دسته عمودی متصل به لبه با دهانه باز و کف تخت و لبه به بیرون برگشته از دیگر فرم های رایج این گروه سفال ها می باشد. با توجه به مطالعات انجام گرفته می توان سفالهای عصر روستا نشینی دشت الشتر را در گروه سفالهای با تکنیک و تکنولوژی، طبقه بندی نمود. استفاده از مواد کانی به عنوان آمیزه و ماده چسباننده، چرخ ساز بودن سفالها و فرم های مختلف و متنوع با ظرافت خاص تأیید کننده مسئله فوق هستند.

تکنیک دست ساز با توجه به سطوح هموار لبه و بدنه کاملاً مشهود است. ساخت بیشتر سفال های این دوره با استفاده از چونه گل سفالگری و با روش دست ساز معمولی ساخته شده اند. سفال های عصر روستا نشینی در کوره های بسته تولید می شده اند. با توجه به

مغز پخته شده سفال های این دوره در کوره های بسته، می توان گفت سفال ها از پخت مناسب و کافی برخوردار بوده اند. دشت الشتر از معدود مناطق زاگرس مرکزی است که علاوه بر دوره روستا نشینی قدیم در برگیرنده لایه های استقراری عصر روستا نشینی میانه، جدید و است.

در دشت الشتر یک گونه شاخص، سفال های قهوه ای منقوش با سطوح صیقلی و نقش هندسی سیاه رنگ به شکل نوار های موازی افقی بر روی شانه و بدنه فوقانی ظروف از گسترش زیادی برخوردار است. رایج ترین فرم در این گروه سفال ها ظروف با بدنه زاویه دار، لبه تخت یا اوریب مایل به بیرون و کف تخت می باشد. نمونه های این نوع ظروف از نظر فرم و تزئین از گیان IV (Contenau et Ghirshman, 1935, pl. 74). مدارک موجود نشان می دهد که پیشینه "سفال منقوش نواری" به (عصر روستا نشینی قدیم) باز می گردد و تا ابتدای عصر آهن استمرار دارد. به تعبیر دیگر یکی از گونه های سفالی که موید تاثیرات و انتقال دست آورد های فرهنگی و تکنیکی از جوامع عصر روستا نشینی به عصر آهن است استمرار فرم ها، و نقش مایه های سفال طیف نخودی است. به طور کلی داده های سفالی این محوطه های روستا نشینی الشتر ۳۴۰ قطعه بوده که از بررسی های سطحی بدست آمده است. از کل مجموعه ۱۲۱ قطعه به عنوان سفال شاخص معرفی شده است. ۵۱ قطعه (۲٪) متعلق به روستا نشینی قدیم، ۴۹ قطعه (۳۸٪) روستا نشینی میانی و ۱۱۶ قطعه (۶۰٪) روستا نشینی جدید می باشد. قطعات کل این مجموعه متعلق به بدنه ۵۳ قطعه (۶۰٪)، لبه ۱۲ قطعه (۲۱٪)، کف ۶ قطعه (۱۹٪)، می باشند. این مجموعه به دو شیوه، دست ساز و چرخ فیتیله با پخت کامل ۵۸ قطعه (۸۸٪)، پخت ناقص ۱۵ قطعه (۹٪) تولید شده است. از لحاظ نوع خمیره به چهار گروه ظریف، نیمه ظریف، نیمه خشن و خشن تقسیم می شوند. شاموت این مجموعه ماسه بادی، ماسه

نرم، ماسه زیر و ماسه ریز مخلوط با کاه ۱۷۳ می باشند. سفالهای این مجموعه غیر منقوش و منقوش است. سبک تزیین یا نقوش ایجاد شده بر روی سفالها به روش افزوده منقوش ، کنده، تولید شده است.

مجموعه سفال های این دوره از نظر رنگ خمیره شامل طیف نخودی، طیف قهوه ای، آجری، طیف خاکستری، در برخی موارد فعل و انفعالات هنگام پخت باعث تغییرات جزئی در رنگ خمیره و بوجود آمدن طیف های رنگی متعادل شده است. این طیف های رنگی عبارتند از: نخودی روشن، نخودی \_ آجری، قهوه ای روشن مایل به اخراپی، قهوه ای مایل به آجری-قهوه ای روشن مایل به نخودی، خاکستری روشن، خاکستری تیره مایل به سیاه هستند. از نظر تزیین به دو گروه ساده و منقوش تقسیم می شود: سفالهای منقوش و سفالهای غیر منقوش می باشد. نقش های ایجاد شده بر روی سفالهای این دوره نقوش هندسی که شامل نقش های شیاری، جناقی، موج، نوارهای افقی، نقوش طنابی یا زنجیره ای گیس باف و نقوش کنده، برجسته، افزوده می باشد. رنگهای بکاررفته بر روی سفال های این دوره بیشتر به رنگ سیاه، قهوه ای، نخودی و اخراپی است. ، نقش نواری افقی روی شانه ، گردن و زیر لبه ظروف و همچنین نقش ردیف جناقی و موج تکی تا چهارتایی افقی ( ندرتا عمودی) محصور در کادر نواری افقی در نیمه فوقانی ظروف است. موتیف مزبور را می توان نقش مایه شاخص هنر تزیینی سفال منقوش دشت الشتر به شمار آورد. مدارک موجود نشان می دهد که پیشینه " سفال منقوش نواری" در دشت الشتر به دوره روستا نشینی قدیم باز می گردد و تا ابتدای عصر آهن استمرار دارد. به تعبیر دیگر یکی از گونه های سفالی که موید تاثیرات و انتقال دست آورد های فرهنگی و تکنیکی از جوامع عصر روستا نشینی به عصر آهن است استمرار فرم ها، و نقش مایه های سفال طیف نخودی است.

در این دوره سفال کاربردی با خمیره خشن، ترد و شکننده و شاموت ماسه و خرده سفال به رنگ نخودی و پوشش لعاب گلی نخودی رنگ، صاف و پرداخت شده ظاهر می شود که علی رغم اینکه از تکنیک ساخت پیشرفته ای برخوردار نیست لیکن در سطح وسیعی گسترش داشته و تا اواخر روستا نشینی جدید استمرار دارد. اینگونه از لحاظ رنگ پوشش شامل طیف های رنگی نخودی روشن، نخودی آجری، قهوه ای روشن مایل به اخراپی، قهوه ای مایل به آجری، قهوه ای روشن مایل به نخودی و قهوه ای تیره، خاکستری روشن، خاکستری تیره مایل به سیاه هستند.

در خمیره تمامی سفالهای دشت الشتر آمیزه شن ریز مشاهده می شود. در بسیاری از سفالها - که تقریباً نصف تعداد کل را شامل می شوند - مواد شن درشت نیز مشاهده می شوند. این مسئله می تواند ناشی از ناخالصی های موجود در خاکی که برای سفالگری انتخاب می گردد، باشد. مواد آلی درون سفالهای ظریف و بسیاری از سفالهای متوسط، خرد شده و ریز هستند؛ این امر در کنار گل سفالها که نسبتاً خوب ورز داده شده، پخت نسبتاً کافی و مواد کانی به مانند شن ریز و ماسه، باعث انسجام خمیره سفالها شده است. از لحاظ کیفیت ساخت، سفالها به سه گروه خشن، متوسط و ظریف تقسیم می شوند. همانطور که در مقدمه این بخش آورده شد، برای ارائه کیفیت ساخت سفالها چند متغیر در کنار یکدیگر در نظر گرفته شده اند. میزان انسجام خمیره، پخت سفالها و میانگین ضخامت سفال متغیرهایی هستند که برای این منظور محسوب شده اند.

برای پر کردن خلل و فرج موجود در سطوح بعضی از ظروف، قبل از پخت از پوشش های گلی استفاده شده است. پوشش سفالها در دو سطح یکسان و مشابه بوده است. پوشش غالب مورد استفاده، لعاب گلی رقیق است؛ تعداد اندکی از سفالها که بیشتر در کیفیت خشن و ابعاد بزرگ قرار می گیرند دارای پوشش گلی غلیظ در دو سطح

هستند. پوشش ها معمولاً دارای رنگی مطابق با رنگ خمیره هستند. بدین معنی که گویا همان گل خمیره به عنوان لعاب گلی (پوشش گلی) نیز استفاده شده و در نتیجه رنگ خمیره و سطوح داخلی و خارجی یکسان است. نخودی رنگ غالب در پوشش ها است؛ رنگ قرمز نیز با تعداد اندکی مشاهده می شوند. رنگهایی که برای پوشش ها و سطوح ارائه شده است در رنگ خمیره نیز مصداق دارد؛ بدین معنی که بیشتر خمیره ها دارای رنگ نخودی هستند. تعدادی از قطعات دارای رنگ قهوه ای هستند که می توان آنها را در طیف رنگهای نخودی قرار داد. همچنین میزان قابل توجهی از سفالها دارای رنگ خاکستری و سیاه هستند؛ رنگ این قطعات به احتمال زیاد به علت کاربرد آنها در فعالیت های آشپزخانه ای و یا در حین فرایند پخت سفال به دودزده تبدیل شده است. از این رو این قطعات در گروه سفالهای نخودی و رنگ قرار می گیرند.

#### گونه های سفالی به دست آمده در محوطه های مورد مطالعه

بازسازی فرم کامل ظروف سفالی که در جامعه ی الشتر رواج داشته و مورد استفاده بوده اند به علت عدم بدست آوردن نمونه های کامل و یا نمونه های فراوان از لبه و کف ظروف که متصل به یکدیگر باشند، مشکل است. اما فرم هایی که بر اساس طراحی لبه ها بازسازی شده، نشانگر رواج استفاده از کاسه ها است. کاسه ها را می توان براساس فرم بدنه، لبه و ابعاد به دسته های کوچکتر تقسیم کرد.

۱- کاسه های دهانه باز عمق با لبه های ساده ی منحنی و با بدنه های نیم کروی (محدب) و صاف. محوطه چک شه کرم؛

۲- کاسه های دهانه باز عمیق با لبه های منحنی ساده. محوطه ده آقا؛

۳- کاسه های دهانه تنگ با لبه های منحنی ساده با زاویه در قسمت بدنه عامل جدا کننده آن است. تیمور سوری؛

- ۴- فرم دیگر کاسه ها که تنها چند نمونه از آنها بدست آمده است، کاسه های دهانه باز با لبه منحنی ساده و بدنه ی S شکل می باشد. این فرم از کاسه ها از نظر قطر دهانه در گروه ظروف متوسط قرار می گیرند. تیمور سوری؛
- ۵- از فرم های دیگری که می توان برای سفالهای منطقه معرفی کرد، سبوهای بدون گردن و خمره ها هستند که دارای لبه های ساده ی منحنی و بدنه های مقعر، در ابعاد بزرگ هستند. تپه امرایی؛
- ۶- خمره یا سبو با انحنا ی معمولی و بدنه مقعر در ابعاد متوسط. گل زرد۳؛
- ۷- سبوی دهانه باز عمیق با لبه ای به صورت یک زاویه تند در قسمت بیرون ظرف. قلاکره جان؛
- ۸- ظروف آبخوری با لبه پهن و عمق کم که در بعضی از آنها خطوطی به شکل نقش کنده مشاهده می شود. تیمور سوری؛
- ۹- دیگچه ها، با دهانه بسته و عمق متوسط و لبه تخت به سمت بیرون و زاویه در بدنه، با بدنه نسبتاً ظخیم. گل زرد؛
- ۱۰- فرم های نامشخص: در میان سفالهای حاصل از کاوش و برخی نمونه های سطحی، ظروفی با فرم و کاربرد نامشخص وجود دارند. گریان؛
- ۱۱- کف ظروف: در میان کل نمونه های بدست آمده ۸ قطعه مربوط به کف ظروف سفالی می شوند. بر اساس نمونه های موجود، کف ها به صورت تخت و مقعر هستند که نمونه کف های تخت نسبت بیشتری از کف های مقعر دارند. کف ها به صورت ساده اند و نحوه اتصال بدنه به کف به صورت ساده و گاهی با یک انحنا انجام شده است. همانطور که ذکر شد نمونه های کامل که لبه و کف متصل به یکدیگر باشند بسیار اندک است، از این رو مشخص کردن کف فرم های ذکر شده ی فوق به صورت قطعی ممکن نیست. اما نکته بدیهی این است که معمولاً برای ساخت ظروف بزرگ از کف های بزرگتر و خشن و برای ساخت ظروف کوچک از نمونه های کوچک و ظریفتر استفاده شده است.



از مجموع ۳۴۰ قطعه سفال مطالعه شده، ۳۳ قطعه از آنها منقوش هستند. سفالهای منقوش در گونه های سفالی نخودی و خاکستری قرار دارند. نقوش به صورت نقش کنده و افزوده بر روی سفالها ایجاد شده اند. نکته لازم بذکر اینکه تعداد سفالهای منقوش شده اند بسیار کم و انگشت شمار است. نقوش در بخشهای مختلف ظروف ایجاد شده اند که به ترتیب بیشتر نقوش در سطح خارجی ظرف ایجاد شده اند. سبک رایج در تزئین سفالها استفاده از نقوش افزوده است.

### نتیجه گیری

عصر روستا نشینی یکی از شاخص ترین دوران های تمدن بشری به شمار می رود که از نظر تاریخی به طور نسبی اوایل هزاره ششم و اواسط هزاره چهارم ق.م یعنی حدود ۱۵۰۰ سال را در بر می گیرد. این دوره در سرزمین ایران به عنوان یکی از پیچیده ترین و مشکل ترین دوره های فرهنگی انسان به شمار می رود. دلیل این مسئله شاید کمبود پژوهش ها و مطالعات باستان شناختی منسجم در زمینه شناخت فرهنگهای انسانی در دوره یاد شده باشد. برخلاف مناطق دیگر فلات ایران اطلاعات باستان شناسی عصر روستا نشینی در زاگرس مرکزی اندک و ناهمگون است.

در دوره روستا نشینی، عوامل و شرایط اساسی باعث شده که تغییراتی عمده در سیستم معیشتی کشاورزی رخ دهد که باعث ایجاد و تشدید بر روند روی آوری به رمه داری کوچ گری شده است. در دوره روستا نشینی ارتباطات عاملی است که تاثیر فراوان بر سیستم رمه داران کوچنده و یکجا نشینان دارد. جامع رمه دار کوچنده دوره روستا نشینی، زمانی در راستای نیازهای خود در ارتباط و سرانجام مجاورت جوامع یکجا نشینی پیشرفته تر از خود است (رفیعی فر، ۱۳۷۵: ۶۱). در همین رابطه هول می گوید در پایان هزاره پنجم پ.م شمار محوطه های باستانی کاهش قابل توجهی داشته است. گرچه

معمولاً تغییرات عمده جمعیت ای را بر اساس تغییر شمار محوطه‌های باستانی به دست می‌آید به هیچ روی چگونگی رخ دادن چنین تغییرات روشن نیست و نیز نمی‌دانیم که تغییر پیاپی زندگی یکجا نشینی به کوچ نشینی در پاسخ به شرایط زیست محیطی بود یا شرایط اقتصادی که ما از آن بی‌خبریم (هول ۱۳۸۱، ۴۱-۴۲) شواهد و اطلاعات مطرح شده در اینجا همگی بیانگر نوعی همزیستی بین دو گروه یا جامع رمه دار کوچنده و یکجا نشینی در دوره روستا نشینی است. که ذکر دوره روستا نشینی (۵۷۰۰-۳۳۰۰ پ.م) و از دید گاهنگاری به سه فاز آغازین (مقدم) میانه و متاخر (جدید) تقسیم می‌شود (Henrickson, 1085a:Abdi2003). با مطالعه این منطقه می‌توان زوایای پنهان فرهنگ‌های گذشته را آشکار ساخت. شناخت وضعیت استقرارهای این محدوده به منظور شناسایی و مطالعه زمینه‌های ظهور فرهنگ‌های دوران، مفرغ و آغاز شهرنشینی (استقرارهای هزاره چهارم، سوم، دوم و اول پیش از میلاد) حائز اهمیت است.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در دشت الشتر به نظر می‌رسد. بیشتر استقرارهای متعلق به روستا نشینی قدیم و میانه دشت الشتر بیشتر در مناطق پیرامونی کوه پایه‌ها بوده است. در یک سیستم نامنظم نسبت به یکدیگر واقع شده‌اند شاید دلیل این امر را بتوان در شیوه زندگی و معشیت روستا نشینان این دوره که مبتنی بر زندگی رمه داری و گله داری می‌باشد تعبیر و تفسیر نمود؟ با توجه به اینکه این استقرارها در مناطق می‌باشند که از لحاظ کشاورزی و دائم و همیشگی نا مناسب نمی‌باشند.

**داده‌های سفالی دشت الشتر:** داده‌های سفالی یاد شده از سطح این محوطه‌ها نشانگر این امر باشد که در تکنیک و تولیدات سفالی ساکنان دوره روستا نشینی قدیم و میانه در دشت الشتر از تکنیک‌ها و تولیدات بومی در تولید سفال خود استفاده نمی‌کردند اما با توجه به اغلب داده‌های ما در یک بررسی بوده است. نمی‌توان با قطعیت راجع به

تولیدات و تکنیک های تولید سفال در دشت صحبت نمود. همچنین با توجه به این مهم که در این بررسی ها هیچگاه آثار و یافته های بدست نمی آید نمی توان با قطعیت راجع به موضوع یکجا نشینی و یا استقرار فصلی در این محوطه ها صحبت کرد. به نظر می رسد می توان با انجام پروژه های گمانه زنی و حفاری در محوطه های همچون گریران، کوی خاله، گردله، ... اطلاعات و داده های بسیار مناسبی برای پاسخ دقیق و جامع به این سئوالها بدست آورد.

به نظر می رسد که یافته های سفالی از دشت الشتر هم می توان هم پوشانی های مناسبی با منطقه زاگرس مرکزی و هم با جنوب غرب و شمال غرب ایران داشته باشد. زیرا با توجه به نقوش و تکنیک های بدست آمده از سفالهای محوطه ها می توان رد پای مناطق فرهنگی زاگرس مرکزی و جنوب غرب ایران را مشاهده کرد. همانطور که مشاهده شد در بررسی های به دست آمده تکنیک، فرم و نقش خاصی که بتوان آن را یک الگوی بومی دانست بدست نیامد اما با قطعیت این نظر را که دشت از تکنیک های بومی و الگوهای محلی در تولیدات خود استفاده می کرده است را رد نمود. وسعت برخی محوطه همچون گریران بسیار وسیع تر از سایر محوطه ها در دوره های مذکور می باشد. با توجه به این امر وسعت و بزرگی یک محوطه را دلیلی بر اهمیت و مکان مرکزی بودن آن در دوره مذکور دانست اما به نظر می رسد با توجه به حجم داده های سفالی که از تپه گریران بدست آمده این محوطه می توانسته است، نقش یک مکان مرکزی در دوره روستا نشینی قدیم و میانه ارائه می داده است و شاید این مکان محلی بوده است که ساکنین محوطه ها و تپه های همحوار و تولیدات سفالی خود را از این مکان تهیه می نموده اند.

به نظر می‌رسد منطقه الشتر در طول هزاره ششم و پنجم ق م زیستگاهی مناسب برای اقوام ساکن در منطقه بوده است. یافت شدن ۱۴ محوطه که سفالهایی با شاخصه‌های فرهنگی این دوران را در خود جای داده‌اند، خود می‌تواند دلیلی مبرهن بر این ادعا باشد. بنظر می‌رسد وضعیت زیست محیطی منطقه در طول هزاره پنجم ق.م شرایط و امکانات مفیدی را داشته است. وجود چند رودخانه فصلی در منطقه و همچنین وجود زیستگاه‌های مناسب برای چرای دامها از دیگر امکاناتی است که حتی کشاورزان و دامپروران امروزی نیز از آنها استفاده مینمایند.

در تحلیل‌ها و مقایسات صورت گرفته هیچ‌گونه تکنیک بومی در تولید و تزئین سفالها مشاهده نگردید که می‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای مبنی بر همپوشانی بودن سفالهای این منطقه با فرهنگ گودین باشد، اما با توجه به حجم کم داده‌های به دست آمده نمی‌توان با قطعیت ابراز داشت که ساکنان باستانی منطقه الشتر برای تزئین سفال‌های خود از تکنیک‌های بومی در تزئین و ساخت دست‌ساخته‌های خود استفاده نمی‌کردند.

شواهد و مدارک بدست‌آمده از بررسی دشت و همچنین اسناد تاریخی مبین آن است که شکل‌گیری و گسترش فرهنگ‌ها و استقرارهای این محوطه بویژه از عصر روستا نشینی تا ادوار اسلامی، از سمت شرق به سمت غرب و شمال محوطه بوده است. مطالعات مقدماتی بر روی داده‌ها و مدارک بدست‌آمده نشان می‌دهد که نحوه توزیع استقرارها و تمرکز جمعیت در عصر روستا نشینی جدید، دوره گذرا از برنز جدید به آهن I در تمامی سطح منطقه گسترش داشته است. نحوه پراکنش و گسترش استقرارها از عصر روستا نشینی قدیم تا عصر آهن یک، در دشت الشتر از قدیم به جدید، از سمت شرق به غرب است. با این وصف، ضلع شرقی دشت، در برگیرنده بخشی از قدیمی‌ترین لایه‌های استقراری عصر روستا نشینی است.

نتایج بدست آمده از بررسی های دشت الشتر، نشان می دهد این منطقه بویژه در طول عصر روستا نشینی، یکی از مراکز عمده فرهنگی زاگرس مرکزی ایران محسوب می شده است. بررسی ها و کاوش هایی به عمل آمده نشان داد که این منطقه از دوره ماد تا اشکانی و ساسانی از اهمیت سیاسی، بازرگانی و مذهبی برخوردار بوده است. نتایج کاوش ها و بررسی ها به روشنی غنای فرهنگی و بعد تاریخی منطقه را نشان می دهد. منطقه در طول هزاره ششم میلاد یکی از مراکز مهم فرهنگی دوره ده نشینی و عصر روستا نشینی زاگرس مرکزی ایران به شمار می آمده است. یافته ها نشان می دهد، حیات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دشت الشتر از هزاره ی ششم پیش از میلاد تاکنون استمرار داشته است.

### منابع

۱. احسانی، محمد تقی، ۱۳۸۲، هفت هزار سال هنر فلز کاری در ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۲. ادموندز، سیسیل، جان و دو بود، بارون، ۱۳۶۲، سفر نامه در لرستان، ترجمه سکندر امان الهی بهار وند انتشارات بابک.
۳. امان الهی بهاروند، سکندر، ۱۳۶۰، کوچ نشینی در ایران (پژوهش درباره ایلات و عشایر) تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴. اهلرزا، اکارت، ۱۳۷۲، مبانی کشور شناسی جغرافیایی، ج اول، مترجم، محمد تقی رهنمایی، انتشارات جغرافیایی، تهران.
۵. ایزد پناه، حمید، ۱۳۶۳، آثار باستانی و تاریخی لرستان، (ج ۲) تهران، چاپ دوم، انتشارات آگاه.
۶. ایزد پناه، حمید، ۱۳۸۶، آثار باستانی و تاریخی لرستان، جلد سوم چاپ سوم، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۸. پاک نژاد، محمد حسن، ۱۳۸۰، بررسی باستان شناسی تپه پیش از تاریخ دارایی در دره خرم آباد، پایان نامه ارشد دانشگاه تربیت مدرس.

۹. پرو، ژان و ژنو پیر دلفوس، ۱۳۷۶، شوش و جنوب غرب ایران، مرکز نشر دانشگاهی ایران.
۱۰. توحیدی، فائق، ۱۳۷۸، فنی و هنر سفالگری، تهران انتشارات سمت.
۱۱. حیدری، فائق، ۱۳۷۹، جغرافیا تاریخی الشتر، چاپ اول، انتشارات فلک الافلاک.
۱۲. داودی، داود، ۱۳۸۶، بررسی و شناسایی و مستند سازی آثار باستان شناسی شهرستان الشتر، سازمان میراث فرهنگی استان لرستان.
۱۳. داودی، داوود، ۱۳۸۵، بررسی و شناسایی و مستند سازی آثار باستان شناسی شهرستان الشتر، سازمان میراث فرهنگی استان لرستان.
۱۴. دایسون، رابرت هنری، وویت، مری م، ۱۳۸۲، گاه نگاری ایران از ۸۰۰۰ تا ۲۰۰۰ پ م، ترجمه احمد چایچی امیر خیز، و اکبر فرج، تهران، چاپ اول، انتشارات نسل باران.
۱۵. دلفوس - ژنو، ۱۳۷۶، جعفر آباد، جوی، بند بال، گامی در پیشبرد بررسی منطقه شوشان هزاره پنجم و آغاز هزاره چهارم پ م، ترجمه هایده اقبال، شوش و جنوب غرب ایران (تاریخ و باستان شناسی) تهران چاپ اول، انتشارات نشر دانشگاه.
۱۶. رایت، هنری و گریگوری جانسون، ۱۳۷۶، دور نماهای منطقه ای توسعه ایالتی در جنوب غرب ایران و شوش و جنوب غرب ایران، ژان پرو و ژنیو دلفوس، ترجمه هایده اقبال، مرکز نشر دانشگاهی تهران.
۱۷. ربیعی، ربیع، ۱۳۷۹، جغرافیای مفصل ایران، ج سوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۸. روستای، کورش و دیگران، ۱۳۸۰، گزارش مقدماتی بررسی باستان شناسی محوطه های پارینه سنگی لرستان، باستان شناسی و تاریخ، سال شانزدهم، شماره اول، پاییز و زمستان.
۱۹. سازمان برنامه و بودجه استان لرستان، معاونت آمار و اطلاعات، ۱۳۶۹، آمار نامه استان لرستان، مرکز آمار ایران، اسفند ماه، صفحه سه - ده.
۲۰. سازمان جغرافیای نیروهای مسلح، ۱۳۷۲، فرهنگ جغرافیایی آبادی های کشور جمهوری اسلامی ایران (خرم آباد) ۱۳۷۳، فرهنگ جغرافیای (خرم آباد) ج ۵۸.
۲۱. سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان لرستان، ۱۳۸۴، طرح جامع و توسعه استان لرستان، بخش زمین شناسی دانشگاه تربیت مدرس.

۲۲. سید سجادی، سید منصور، ۱۳۸۴، نخستین شهرهای فلات ایران، ج دوم، سمت تهران، سید سجادی، سید منصور و نوروز علی، سامانی، ۱۳۷۸، گزارش یک فصل کاوش در تپه نور آباد لرستان و باستان شناسی و هنر ایران ۳۲ مقاله در بزرگداشت عزت اله نگهبان به کوشش عباس مقدم، یوسف معجید زاده، صادق ملک شه میرزادی، مرکز نشر دانشگاهی تهران، تهران.
۲۳. شایان، سیاوش، ۱۳۷۸، تعیین محدوده طبیعی شهرستان نهاوند، فرهنگیان یک، انتشارات علیمرادیان.
۲۴. شایان، سیاوش، ۱۳۷۹، بررسی نقشه گذاری و فرسایش خاک در دشت نهاوند، فرهنگیان ۶، انتشارات علیمرادیان
۲۵. عادل، جلالی، ۱۳۷۹، نقوش تازه کشف شده همیان، گزارش منتشر نشده، میراث فرهنگی و گردشگری استان لرستان.
۲۶. عبدی، کامیار، ۱۳۷۸، کاسه لبه واریخته، کاربرد و پراکندگی، باستان شناسی و هنر ایران، مرکز نشر دانشگاهی تهران، تهران.
۲۷. عزیززاده، عباس، ۱۳۸۲، الگوی استقرار و فرهنگ های پیش از تاریخ دشت شوشان، ترجمه لیلی پاپلی یزدی و عمران .
۲۸. فرزنی، علیرضا، ۱۳۸۶، لرستان سیمای طبیعی، تاریخی، فرهنگی، سازمان میراث فرهنگی استان لرستان.
۲۹. کام بخش فرد، سیف الله، ۱۳۵۱، کاوش های باستان شناسی در کنگاور، مجله باستان شناسی و هنر ایران شماره ۱۰ تا ۹.
۳۰. گریشمن، رومن، ۱۳۷۲، ایران از آغاز تا اسلام، مترجم محمد حسین معین، انتشارات علمی فرهنگی ایران.
۳۱. ملک شه میرزادی، صادق، ۱۳۷۸، ایران در پیش از تاریخ، سازمان میراث فرهنگی، پژوهشکده باستان شناسی، تهران.
۳۲. ملک شه میرزادی، صادق، ۱۳۶۵، شهرنشینی و شهرسازی در هزاره پنجم، پ م، مجموعه مقالات، نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، چاپ اول، تهران، ارشاد اسلامی.
۳۳. منابع طبیعی استان لرستان، طرح، مطالعاتی جامع احیا و توسعه کشاورزی و منابع طبیعی استان لرستان و ایلام (مطالعات استانی) ج ۶ ص ۶.

۳۴. هرمان، جرجینا، ۱۳۷۳، تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

۳۵. هول، فرانک، ۱۳۸۰، تحلیل ساختار نقوش سفالهای پیش از تاریخ، مجله باستان‌شناسی، شماره پایان نامه، صفحه ۲۶-۲۲.

۳۶. هول، فرانک، ۱۳۵۲، دوره پیش از تاریخ در جنوب غرب ایران (لرستان)، ترجمه سکندر امان الهی بهاروند، چاپ اول، انتشارات فرنگ و هنر لرستان.

۳۷. هول، فرانک، ۱۳۸۰، باستان‌شناسی غرب ایران، ترجمه زهرا بایستی، انتشارات سمت.

#### منابع انگلیسی

- Abdi, k. (Eds.). (2002) Tuwah khoshkeh: A middle chacholithist camp-site in the Islamabad plahi, west central zagros mountains.iran 40-pp: 43-74
- Barney, c.A (1964) Excavation at ranik tape azarbaijan I 962 third preliminary report.iraq 26.pp54-61
- Carter, Elizabeth (1970) second millennium sites in Khuzestan. Iran 8.pp:200-202
- Contentau G.et R grishman, 1935.foulesdu TEPE-Giyan, cmu XEDE louvre.paris Cultural development central western, Iran vol xxiv, pp1-55
- Edmonds, C.J. (1922) luristan: pish-1 kah and bala Gariveh.Geographical.journal 59.pp:339.359
- Haerinak, E.and overaet, B. (1998).chamahzi mumah an iron age III Graveyard.acta iranica voi .19.luristan Excavation.documents vol II
- Henri Henrickson, Robert, aregional perspective on godin II
- Henrickson, R.C (1986), aregional perspective on Godin cultural development in central Western, Iran vol xxIV
- Hole, kent, frank, V, fiannery, jamesA.neely, 1969prehistory and human ecogigy of the dehluran plain
- mortensen.P. (1963).Excavations at tepe guran. Luristan.acta archeo logia. (34).PP:97-133
- overlaet,B.(2003)the early Iran age in the pusht -Ikuh,luristan , acta iranina vol 26 .luristan excavation documents vol 4
- Yong t, cuyler.jr, Louis, (1944), Levine, excavations of the qodin project p second programre.



## بررسی باستان شناختی بنای تاریخی قلعه و دژ شاخ

مهندس عبدالملک شنبه زاده<sup>۴۱</sup>

### چکیده

قلعه ی ودژشاخ یکی از مجموعه آثارشاخص و از شاهکارهای معماری سنتی در استان ایلام می باشد که در بخش شرقی روستای «بردی» منطقه پهلہ زرین آباد از توابع شهرستان دهلران واقع شده است. این مجموعه (قلعه ودژ) در دامنه های جنوبی رشته عظیم کبیرکوه در غرب ایران از گذشته بر جای مانده و متعلق به دوران تاریخی خصوصاً دوران ساسانی و قرون اولیه اسلامی است. به نظر می رسد این مکان در مسیر همان راه باستانی است که میان رودان را به خوزستان و بخش میانی زاگرس متصل نموده است. بررسی های میدانی نشان می دهد، این آثار شامل: ساختمان دژعظیم، برج و بارو و سازه های مختلفی است که از منظر تاریخ معماری با اهمیت قلمداد می گردد. بنابراین، ضرورت دارد تا نسبت به معرفی این اثر ارزشمند تمدن و فرهنگ ایران زمین اقدام گردد. این مقاله حاصل فعالیت های تحقیقات میدانی باستان شناسی است که در راستای تحقق این هدف مهم تألیف و ارائه شده است.

**واژگان کلیدی:** شهاق، زرین آباد، بردی، کبیرکوه، میمه، میان رودان، پهلہ.

**مقدمه:** استقرار در این حوزه فرهنگی، تاریخی به استناد مطالعات و کاوشهای باستانشناسی صورت گرفته در آن، بخصوص در تپه هایی چون: علی کش، چغا سفید، سبز، خزینہ و... در دهلران درهزاره های پیش از تاریخ پیشینه تاریخی آن را از هزاره هشتم ق.م تا قرون اولیه اسلامی به صورت تداوم دوره ها به اثبات رسیده است. بیشتر قلعه ها در نقاط مهم و حساس و مشرف بر راه ها و گلوگاه ها ساخته می شوند این قلعه

<sup>۴۱</sup> - دانش آموخته رشته باستان شناسی

دارای استحکاماتی هستند که قدرت دفاع از ساکنان آنرا داشته باشد (پازوکی، ۱۳۷۶: ۱۵). در واقع آغاز خانه سازی همواره با اندیشه یافتن راه های گوناگون دفاع در برابر دشمنان و حیوانات وحشی بوده است.

در ایران ایجاد مساکن گروهی حصار دار در سه هزار سال قبل از میلاد با طرح ها و نقشه های مختلف آغاز شده است. نمونه اینگونه قلاع در بلور آباد واقع در دشت شمالی روستای قره ضیاءالدین آذربایجان شناسایی شده است. سهم اصلی در توسعه شهر سازی حصار دار در ایران بعهدہ معماران اورارتویی در قرنهای هشتم و نهم قبل از میلاد است که تحت نفوذ هنر معماری بین النهرین بوده است.

قلعه های ساسانی که در نقاط مختلف امپراتوری عظیم و گسترده آنان پراکنده شده اند نیز از جمله بناهایی هستند که تا کنون تحقیقات مختلفی بر روی آنان انجام شده اند. برخی از این قلعه ها در زمره قلعه های کوهستانی قرار می گیرند و برخی دیگر قلعه های دشت که هم مصالح و هم نقشه اینگونه بناها به خاطر موقعیت آنها متفاوت می باشند، در استان ایلام به واسطه قرار گرفتن در مسیر بین النهرین و به تبع آن تیسفون پایتخت ساسانیان بناهای مختلفی متعلق به دوران ساسانی از جمله پل و قلعه ساخته شده که قلعه شاخ از آن جمله است. قلعه شاخ یکی از بزرگترین قلعه های واستحکامات تاریخی منطقه غرب کشور بوده که در منطقه پهله یا پهلوی واقع شده است. در حال حاضر نیز این منطقه را پهله می خوانند.

## ویژگیهای جغرافیایی

شهرستان دهلران در جنوب غربی استان ایلام و در حاشیه ی مرز بین المللی ایران با کشور عراق واقع شده است. این شهر ستان ۴۶۲ متر از سطح دریا قرار دارد. دهلران دارای دشتهای زیاد می باشد. مهمترین آنها عبارتند از دشت موسیان و عین خوش دشت دهلران و دشت عباس. بطور کلی مهمترین منابع اصلی آب از نزولات جوی به اضافه جریانهای آب ورودی از مناطق کوهستانی مجاور تأمین می شود. مهمترین رودخانه های این شهرستان عبارتند از ۱- رودخانه میمه ۲- رودخانه دویرج ۳- رودخانه چیخاب. از نظر شرایط اقلیمی، منطقه دهلران جزء مناطق گرمسیری محسوب می شود ولی به علت اینکه « کوه های پر حجم این منطقه بعلت قرار گیری در مسیر بادهای مرطوب غربی قرار دارند از بارش قابل توجهی برخوردار می باشد.

هرچند آب و هوای منطقه از عوامل گوناگونی چون عرض جغرافیایی (زاویه تابش آفتاب) ارتفاع امتداد رشته کوه های زاگرس، فاصله از بیابانهای عراق و عربستان و وزش بادهای محلی و ناحیه ای از تنوع زیادی برخوردار است. تنوع جغرافیایی و اقلیمی، موجب شکل گیری دوزیست بوم سردسیری و گرمسیری در منطقه شده و قابلیت بسیار مناسبی را در بخش کشاورزی بوجود آورده است به نحوی که می توان، محصولات مختلفی را در فصول مختلف سال تولید کرد.

به طور کلی این منطقه در تابستان، خشک و بسیار گرم و در زمستان، ملایم و از بارندگی نسبی برخوردار است.

**وجه تسمیه:** «شاخ» و «شیاخ»، از جمله اسامی می باشند که در مورد قلعه به آنها اشاره شده است. اهالی منطقه و ساکنین محدوده قلعه، این بنا را «شاخ» می نامند در بررسی علل نامگذاری بنا به این عنوان نکته ی جالبی وجود دارد. در ابتدا تصور می شد مردم محلی

بدین علت این نام را به کار می‌برند که این قلعه به شکل شاخ حیوانات (بز) می‌باشد ولی مشخص گردید که در زبان محلی، که یکی از گویش‌های کردی می‌باشد. کلمه «شاخ» به برآمدگی‌های سنگی و صخره‌ای حالص از دگرگونی لایه‌های سنگی زمین اطلاق می‌شود. این برآمدگی‌ها که از سنگ‌های رسوبی تشکیل شده و به فراوانی در منطقه وجود دارد مناظر طبیعی جالب توجهی را ایجاد نموده است در واقع مردم محلی این بنا را به این علت شاخ می‌نامند که از دور دست همچون برآمدگی‌های طبیعی سنگی و صخره‌ای بنظر آمده است.



موقعیت روستای بردی

شهر پهلہ مرکز زرین آباد از توابع شهرستان دهلران در ۷۶ کیلومتری شمال غربی دهلران واقع شده است. بدلیل وجود چشمه ساران فراوان، مراتع، و جنگل‌های سرسبز در

دامنه‌های کبیرکوه، این منطقه را زرین آباد نامیده‌اند<sup>۴۲</sup> نام پهله یادآور سرزمین پهناوری بوده است که در دوران قبل از اسلام شامل خوزستان، همدان، ایلام، لرستان و قسمتی از خاک کشور فعلی عراق می‌گردیده است. (افشار سیستانی ۱۳۷۲: ۱۱۴) شهر میمه دیگر شهر این منطقه می‌باشد که در شمال غربی دهلران قرار دارد.

### سوابق مطالعات باستان شناسی

اولین مطالعه علمی باستان شناسی در دشت دهلران به سال ۱۹۰۳ باز می‌گردد. در آن زمان که هیأت کاوشهای باستان شناسان فرانسوی در تپه شوش به سرپرستی دموورگان در حال حفاری بود، دونفر از اعضای هیأت وی به نام گوتیر و لامیر از برخی تپه‌های این دشت بازدید و در برخی از آنها اقدام به حفر گمانه‌های آزمایشی نیز نمودند که گزارش این گمانه زنیها منتشر گردید. (ملک شه میرزادی ۱۳۷۸: ۱۶۵) سپس در سال ۱۹۶۰ رابرت بریدوود مدیر طرح پیش از تاریخ دانشگاه شیکاگو، به همراه ریچارد دایسون از دشت دهلران بازدید و با توجه به شرایط خاص زیست محیطی تپه محمد جعفر را در خصوص مطالعه در مورد تولید غذا و آغاز استقرار مناسب تشخیص داد. (همان: ۱۶۶)

در سال ۱۹۶۱ فرانک هول و کنت فلانری دو تن از شاگردان مکتب بریدوود، به محل آمده و علاوه بر انجام یک بررسی باستان شناسی مختصر، در برخی از تپه‌ها نیز اقدام به حفاری گمانه‌هایی نیز نمودند. در سال ۱۹۶۳ فرانک هول با تشکیل هیأتی از دانشگاه رایس و با همراهی کنت فلانری و جیمز نیلی، حفاری در برخی تپه‌های مهم دشت

همانند؛ علی کش تا روی خاک بکر ادامه داد و به برخی دیگر از محوطه‌ها همانند؛ تپه موسیان و تپه سبز نیز اقدام به حفر گمانه‌های آزمایشی نمودند. (فرانک هول ۱۳۸۱: ۱۴) در سال ۶۹-۱۹۶۸ مجدداً دشت دهلران مورد یک بررسی علمی و سیستماتیک منظم قرار گرفت، که توسط جیمز نیلی و هنری رایت انجام گردید. طی این بررسی که قسمت زیادی از دشت مورد پیمایش قرار گرفت تعدادی آثار دیگر شناسایی و در دو تپه فرخ آباد و چغا سفید نیز گمانه‌های حفاری شد که نتایج هریک از آنها مستقلاً در یاد نامه‌های دانشگاه میشیگان چاپ و منتشر گردیده است.

بررسی و کاوش باستان‌شناسی صورت گرفته در منطقه زرین آباد، مربوط به دهه ۱۹۶۰ میلادی است. در آن سال‌ها پروفسور واندنبرگ بلژیکی به سرپرستی یک هیئت بلژیکی در منطقه پشت کوه (ایلام امروزی) اقدام به بررسی شناسایی و کاوش‌های متعددی در قبرستان‌های این حوزه در طی چند فصل نمود. از جمله این قبرستانها می‌توان به قبرستان‌های دم‌گرپرچینه در منطقه زرین آباد، هکلان در حوزه میمه و بررسی و شناسایی سنگ نوشته و نقش برجسته گل گل و ترجمه کتیبه آن که در مسیر بطرف زرین آباد قرار گرفته است اشاره نمود.

قبرستان دم‌گرپرچینه در ۱۵ کیلومتری شمال شهر پهله (مرکز بخش) و در حاشیه‌ی شرقی رود میمه و قبرستان هکلان در حاشیه‌ی غربی رود میمه و در همان حوالی محدود می‌باشد. علاوه بر این در حاشیه‌ی رودخانه میمه و نزدیکی قبرستان هکلان لویی واندنبرگ به بقایای کاخی ساسانی با سنگهای حجاری شده بزرگ ساخته شده بود برخورد نمود. این بنا را با نام چک دوستعلی معروف می‌باشد که هنوز بقایای آن در باغات کنونی میمه موجود است.

**ساخت قلاع تاریخی:** بناهایی با حصار بلند، پناهگاه و دژ که بر فراز کوه یا جای بلند ساخته می شود. همچنین معمولاً به مجموعه بناهایی که با حصار بلند محصور شده و در نقاط استراتژیک ساخته شوند قلعه یا دژ گفته می شود. قلعه‌ها دارای استحکاماتی هستند که قدرت دفاع از ساکنان آن را داشته باشند. بیشتر قلعه‌ها در نقاط مهم، حساس و استراتژیک و مشرف بر راه‌ها، سکونتگاه‌ها و محل‌های عبور و مرور ایجاد شده‌اند این قلعه‌ها برای حفاظت و حراست از یک منطقه دفاع در مقابل دشمن و جلوگیری از ورود به محوطه‌های خاص ایجاد می شده و در بسیاری از موارد مرکز حکومتی را ایفا می نموده‌اند هر چند محل استقرار حاکم و نگهبان نیز بوده است»

قلعه های کوهستانی شامل بخش های ویژه و متعددی می باشند . قلعه های کوهستانی ، دارای حصار ، دیوار ، یا با روی خارجی است که در فواصل لازم برج هایی برای نگهبانی دانسته اند. بخش دیگر از اینگونه قلعه ها سربازخانه با جایی که افرادی که در قلعه سکونت داشتند استراحت می کرده اند . خانه های قلعه نشینان یا جایی که افراد اصلی قلعه نظیر فرماندهان و سرداران در آن سکونت داشته اند از دیگر قسمت های اینگونه سازه ها می باشند. انبارهای آذوقه ، جاهای آب و آب انبارها و بناهایی نظیر اصطبل جهت نگهداری اسب و قاطران بارکش انبارهای مخفی ، زندان ، نیایشگاه و .... قلعه ها بر فراز قله کوه ها و بالای بلندیها از مصالح طبیعت پیرامون خود ساخته می شد ، سنگ و آجر و گچ و ساروج آنها در برابر تیر ، سنگ منجنیق، قلعه کوب و آتش انداز مهاجمین سینه سپر می انداخت . قلعه های کوهستانی را می توان به چند دسته تقسیم کرد:

**قلعه کوهستانی نظامی و مسکونی:** این گونه قلعه های کوهستانی در فاصله نزدیک شهر ها و روستاها و بر فراز ارتفاعات بنا می شد که برخی از آنها تمام مدت سال از آن استفاده می شد و نگهدارانی برای آنها گمارده می شد.

**قلعه های راهداری و ارتباطی:** این گونه قلعه ها با توجه به نوع کاربری در مسیر راههای ارتباطی مهم در امتداد گذر گاه های موصلاتی و بر فراز کوه ها و تپه ها که به یکدیگر اشراف داشتند بنا می شد .

**قلعه های نظامی و سر حدی سوق الجیشی:** اهمیت راه هایی که از ایران عبور می کردو با نقاط مختلف آن را به هم پیوند می داد .این امر موجب می شد که در نقاط حساس و مهم بناهایی ایجاد کند که شاخه ای از قلاع کوهستانی یا جلگه ای می باشند.

**قلعه های کوهستانی به عنوان نیایشگاه:** اینگونه قلعه ها که بیشتر به نام آتشگاه خوانده می شوند بر بالای قله کوه های بلند یا بر فراز تپه های میان دشت که بر خی نیز ساخته دست انسان بود بنا می شدند بیشتر این قلعه ها با یکدیگر ارتباط داشته و با وسایل مختلف همدیگر را از اتفاقات باخبر می کردند.

**قلعه های دشتی:** انسان در روزگاران گذشته همواره در معرض خطر بوده است و برای بقاء خویش به روشهای مختلف به مقابله با آنها بر می خواست . یکی از ساده ترین شیوه ها این بود که دیواری بر گرد محل سکونت خویش بنا کند پس به نوعی بنای محصور متناسب با شرایط و جغرافیایی پدید آمد که قلعه جلگه ای و دشتی نام گرفت .

#### پیشینه سازه های دفاعی

با مطالعه زندگی بیشتر به این به این نکته پی می بریم که انسان از برخی حوادث و رویدادهای طبیعی و غیر طبیعی وحشت داشته و برای مقابله با آن به وسایل و عوامل متعددی پناه برده است که از جمله این حوادث می توان به خطر حمله حیوانات



،حرارت و برودت .... نام برد ، که ناچار بود به گونه ای آنها را از خود دور نماید زیرا هنوز هیچ ابزار و هیچ مأ وایی برای پناه نداشته است .

با مطالعاتی که صورت گرفته مشخص شده است انسانهایی که در روزگاران دور می زیسته اند مساکن و مأوایشان حفره ها ،غارهای درون صخره ها و کوهها بوده است و تنها ماده ای که برای ساخت ابزار و سلاح مورد نیاز بوده سنگ است . البته در این میان غارها پناهگاه امنی می شوند تا در مواقع خطر جان پناه انسانهای آسیب پذیر باشد و در مواقع دیگر زیستگاه و استراحتگاهشان ( پازوکی ۱۳۷۶ : ۳۹).

در مرحله بعدی ، انسان از داخل غارها و از فراز کوهها به سوی دشت سرازیر می شود و مسکن اولیه خود را به صورت آلونک ها یا خانه های محقر ب از نی و شاخه درختان برای زندگی خود می ساختند. این سازه های اولیه می توانست نیازهای رفاهی و امنیتی وی را تأمین نماید (واندنبیرگ ۱۳۴۵ : ۳-۴) . پس از مدتی این مکان ها توسط حصارهایی محافظت می شد و به عنوان مکان های دفاعی یا حصارهای دفاعی در هزاره های قبل از میلاد مطرح می شدند از این مکان ها به عنوان نمونه می توان از گودین ، سیلک ، حصار ، حسنلو ، شهر سوخته ، نوشیجان ، زیویه ، و ..... نام برد که هر کدام دارای حصارها و روش های دفاعی خود بودند.

در دوره مادها در زمینه معماری و بناهای دفاعی و قلعه ها و دژها به آنان توانایی روز افزونی بخشید که نتیجه آن نمای قلعه گونه هگمتانه از نمونه بارز آن می باشد. دژهای مادی ر ساختمانهای محکمی بودند بر ارتفاعات و صخره های طبیعی یا خاکریزی های مصنوعی با حصار های متحد المركز ، برج ها و سر برج ها حصار اصلی و شاید کنگره ها هم چنان که در اورارتو متداول بوده با سنگ ساخته می شد و بدنه حصارهای

دیگر با خشت خام (دیاکونوف ۱۳۵۴: ۲۳۵). هرودت در توصیف پایتخت مادها می نویسد:

"مادی ها از پادشاه خود دیاکو اطاعت می کردند و شهری را که اکباتان نام دارد ساختند. دیوارهای آن بلند و محکم دایره وار و تودر تو ساخته شده و هر کدام از دیوارها از دیوار بعدی بلندتر است و به رنگی خاص مزین شده است" (هرودت ۱۳۶۲: ۷۸).

در دوره فرمانروایی هخامنشیان به خاطر توسعه شهر، افزایش جمعیت و تغییر تکنیک های جنگی و دفاعی پیشرفت های زیادی در نحوه بنای استحکامات شهرها و قلعه ها به چشم می خورد. آشکارترین این تغییرات تبدیل برج های نیمه استوایی به برج های مستطیل شکل و ایجاد دیوارهای کنگره دار است که کاردفاع بهتر در مقابل دشمنان را فراهم می آورده است (پازوکی ۱۳۷۶: ۶۹). نمونه این قلعه سازی هخامنشی هنوز در تخت جمشید قابل شناسایی است.

در دوره سلوکیان شهر سازی رونق فراوانی یافت و همه آنها طبق نقشه معینی که هیوداس نامیده می شد ایجاد می کردند و حصاری به دور آن می کشیدند. آنان برای جلوگیری از تجاوزات دشمن قلعه و شهرهایی ساخته بودند. شهر صد دروازه در جنوب غربی دامغان از جمله آنهاست (کریمیان ۱۳۴۹: ۱۰۱).

اشکانیان در ابتدا تحت تأثیر فرهنگ و هنر سلوکیان قرار داشتند اما به مرور جهت کسب استقلال فرهنگی و هنری گام برداشتند. کهنترین پایتخت پارتیان شهر نسا در عشق آباد کنونی اولین پایتخت پارتیان و سپس شهر صد دروازه در دامغان و تیسفون رامی توان نام برد. طرح شهر های پارتی عدم امنیت دائمی و عدم ثبات سیاست خارجی و اغتشاشات داخلی آن عصر را آشکار می سازد. تیسفون در آغاز اردوگاه

نظامی پارتی بود که در مقابل سلوکیه ساخته شد، هترا به منزله قلعه ای مستحکم در جوار سرحد بین دو شاهنشاهی به شمار می رفت و غالباً دفاع ایران در مقابل سپاهیان رومی به آن متکی بود. با بررسی شهرهای پارتی به خصوص هاترا، تیسفون، اردشیر گور و فیروزآباد علی رغم کم بودن اطلاعات جامع می توان گفت پارتیان از تمام تجارب و تکنیکها و فنون قلعه سازی دولت های قبل از خود نظیر ایلامی ها، آشوری ها، ماد، هخامنشی و دیگران بهره گرفته اند و استحکامات خود را با صلابت و استواری بنا می کردند (گريشمن ۱۳۶۸: ۳۲۵-۳۲۴).

پارتیان شهرهای خود را به صورت دایره با دیوارهای محصور بنا می کردند از جمله این شهرها فیروزآباد است که اثر و بقایای این حصارها هنوز روی زمین پیدا است. کریستین سن بدون هیچ مدرکی یا شاهی عنوان می کند که ایرانیان در عهد ساسانی فنون قلعه سازی را از رومیان فرا گرفتند. در حالی که آنچه از فنون قلعه سازی در زمانهای ایلام، ماد و هخامنشی سراغ داریم این است که در این امر بسیار پیشرفته بودند، لذا ساسانیان نیازی به فراگیری مطلب از رومیان نداشتند (پازوکی ۱۳۷۶: ۸۴). بنای بسیاری از قلعه ها و شهرها را به شاهان ساسانی نسبت می دهند که می توان به عنوان نمونه از قلعه دختر فارس که یکی از شاهکارهای معماری و قلعه سازی دوران ساسانی است نام برد که با مصالح قلوه سنگ و سنگ لاشه سنگ و ملات ساروج با اطاقها و بناهای مفصل تودر تو با حیاط مرکزی و قسمت های مختلفی ساخته شده است. تخت سلیمان نیز باقی مانده قلعه و آثار قصر بزرگ و عمارت مخصوص برای سکونت موبدان بوده است. گرداگرد آن را حصار سنگی بزرگی محصور کرده که از سنگ های معدنی و ملات آهک ساخته شده است.

حصار شهر بیشاپور که به موازات رودخانه و بنا بر مقتضات مسیر آن ساخته شده و قطر دیوار آن حدود ۹ متر است که با قلوه سنگ و ملات و گچ با برج های پشت بند، توپر و به صورت تزیینی ساخته شده است. در تمام دوران اسلامی، در ایران قلعه های بسیاری در داخل شهرها به وجود آمده اند؛ برای مثال می توانیم از ارگ کرمان و قلعه خرم آباد و ارگ شیراز نام ببریم. قلعه های اوایل و اواسط دوره اسلامی در کنار شاهراه های ارتباطی ساخته شده اند. نمونه این قلعه ها شبکه وسیع قلعه های مربوط به فرقه اسماعیلیه است که در نقاط مختلف بنا شده اند. برخی قلاعی که فقط برای محافظت از راه ها و ایجاد امنیت در مسیرهای کاروان رو ساخته شده اند. قلاعی نیز در نزدیک پل ها و رودخانه ها ایجاد شده اند (پازوکی ۱۳۷۶: ۱۰۱).

#### آثار مطالعه شده محدودی قلعه شاخ

بقایای بنای چک دوستعلی: ساسانی، شهر میمه.

قلعه میمه، از دوره ساسانی در حاشیه شمالی شهر میمه و بر روی تپه ی صخره ای مشرف بر جاده ایلام - میمه (خلیلیان، ۱۳۷۵).

قلعه کلو در جرسه گلال و در فاصله پنج کیلومتری شرق قلعه شاخ.

قلعه دنه بر روی کوه دنه، واقع در جنوب غربی شهر پهله.

قلعه تخت سالار واقع در دامنه شمالی کوه اناران در جنوب غربی شهر پهله.

قلعه تیمه زیتون، بر روی ارتفاعات اناران در جنوب غربی شهر پهله.

آثار و بقایای دژ و برجک، در دامنه های کوه تخت نیله در منطقه ای بنام بنگه.

بقایای پل تاریخی هفتکده، بر روی رودخانه میمه، مسیر میمه به زرین آباد.

قلعه انجیر، واقع در بالای ارتفاعات جنوبی زرین آباد و مسلط بر قلعه شاخ.

بررسی های به عمل آمده نشان می دهد، با توجه به نوع مصالح به کار رفته، سبک معماری، مقایسه با بناهای هم عصر و نیز مطالعه مواد فرهنگی به دست آمده این آثار به دوران ساسانی تعلق دارند.

### موقعیت قلعه شاخ

قلعه شاخ از جمله آثار ارزشمند تاریخی است که در شهرستان دهلران و در پادامنه های ارتفاعات تخت پیران واقع شده است. این مکان در حد فاصل دو رودخانه دائم و فصلی شاخ و دره شور قرار گرفته است. در بخش غربی قلعه نیز تپه ای با همین شرایط واقع است که مشرف بر قلعه شاخ می باشد. در سطح این مکان در غرب قلعه شاخ تعدادی تاسیسات هم عصر و هم دوره باقلعه شاخ موجود بوده که در توصیف معماری و عناصر وابسته به آن خواهد آمد.

محل ساخت بنا دارای شکلی نامنظم بوده بدان دلیل که مسیل رودخانه ها در دو جهت غرب و شرق پیچ و خم هایی را به وجود آورده است. عرض مکان ساخت قلعه شاخ در عریض ترین نقطه نزدیک به ۲۰۰ متر است بتدریج و با نزدیک شدن مسیل دو رودخانه از شمال به جنوب کاهش یافته و در فاصله یک کیلومتری از شمالی ترین قسمت قلعه به صفر می رسد و در واقع این قسمت محل تلاقی دو رودخانه مجاور محل است. مکان مذکور دارای ساختاری ماسه سنگی بوده و لایه فوقانی آن از خاک رسی تشکیل گردیده که مناسب برای کشاورزی است. جنوبی ترین قسمت آن صخره ای و صعب العبور است.

### مشخصات معماری دژ و قلعه شهاق

**بارو:** شاید مهمترین شاخصه های قلعه شاخ که آنرا در میان سایر قلاع متمایز نموده است. طول بیش از ۱۷۳۰ متری باروی آن می باشد. که این مقدار بیش از شش هکتار

از هفت هکتار سطح محوطه محل ساخت را در بر گرفته است. اغلب قسمت‌های بارو با اندکی انحراف از محور شمال - جنوب در راستای شمال شرقی به جنوب غربی و بر اساس خطوط طبیعی زمین ساخته شده است. طول بارو در جبهه‌ی شرقی بالغ بر ۶۶۵ متر و در جبهه‌ی غربی آن ۵۹۰ متر می‌باشد. این مقدار در جبهه‌ی شمالی ۹۰ متر و در جبهه‌ی جنوبی ۱۰۰ متر است. که تماماً با مصالح سنگ و گچ ساخته شده است. قطر دیوارها در تمام قسمت‌ها یکسان بوده و ۱۹۰ سانتی‌متر اندازه‌گیری شده است. بیشترش ارتفاع باقیمانده از بارو ۵۹۰ سانتی‌متر اندازه‌گیری شده که این مقدار متعلق به قسمت‌هایی از جبهه‌ی شرقی بارو می‌باشد. در مجموع ارتفاع آن با احتساب بیشترین ارتفاع محل احداث از کف رودخانه‌های اطراف به بیش از ۵۵ متر می‌رسد. طول شمالی‌ترین نقطه بنا تا جنوبی‌ترین نقطه آن بر روی یک خط مستقیم ۵۹۰ متر و بر روی خطوط منحنی موازی با خط سیر بنا بیش از ۶۶۵ متر می‌باشد. این مقدار برای تپه از شمالی‌ترین نقطه بنا (در قسمت شمالی تپه مجزا از زمین‌های اطراف نمی‌باشد) تا جنوبی‌ترین نقطه تپه بیش از ۸۰۰ متر (بر روی خط منحنی) می‌رسد. بخشی از قسمت جنوبی بارو بطور تقریبی ۲۰۰ متر (از جنوبی‌ترین نقطه آن) بوسیله دیواری به عرض ۱۳۰ سانتی‌متر و بطور ۶۰ متر (در راستای شرق به غرب) مجزا گردیده است. این دیوار دارای درگاهی ۲۲۰ سانتی‌متری می‌باشد. ملات استفاده شده در ساخت آن گچ نمیکوب و همگون با دیگر بخشهای قلعه بوده است. عرض بنا در قسمت‌های مختلف متفاوت می‌باشد. بطوریکه در نیمه شمالی و در چند نقطه ۱۹۰ متر می‌باشد. کمترین عرض بنا با ۶۰ متر در همین نقطه است که دیواری بطول ۶۰ متر با جهت شرقی - غربی سطح داخلی قلعه را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم نموده

است که بخش جنوبی شامل محوطه‌ای است که حد اقل ساخت و ساز در آن احداث گردیده است این فضا نسبت به بخش شمالی در صد کمتری را به خود اختصاص داده است که مطمئناً دارای کاربری خاص بوده است.

بطور کلی از مجموعه طول باروی بزرگ قلعه ۶۵۰ متر تقریباً سالم (که قسمت اعظم آن مربوط به نیمه جنوبی قطعه است)، ۲۸۰ متر نیمه مخروطی، ۵۵۰ متر کاملاً مخروطی (که بیشتر آن در نیمه شمالی بنا قرار دارد) و ۷۰ متر که هیچگونه اثری از بارو و خط مسیر آن مشخص نمی‌باشد. که به وسیله عوامل انسانی در دهه ی ۶۰ جهت احداث جاده عشایری در شمال باروی قلعه و بخش‌هایی از جنوب غربی قلعه تخریب گردیده است.



**پشت بند:** در طول بارو تعداد ۱۲ عدد پشت بند نیم‌دایره سر پا بوده و قابل بررسی و مطالعه و مرمت می‌باشند. که از این تعداد سه عدد کاملاً مخروطی (در حد داغ دیوار) بوده و از تعداد نه عدد دیگر قسمت‌های قابل توجهی باقی مانده است. بیشترین ارتفاع در بین آنها با ۵۹۰ سانتی‌متر مربوط به پشت بند (۱) واقع در جنوب شرقی بناست. شعاع این پشت بندها ۲۲۰ سانتی‌متر و ارتفاع آنها تقریباً ۵۹۰ سانتی‌متر می‌باشد فاصله بین پشت بندها، متفاوت بوده و پیرو قاعده خاصی نیست بطوریکه فواصل آنها از ۳۰ تا ۲۵۰ متر متغیر است. در واقع توپوگرافی محل احداث، عوارض طبیعی، موقعیت بارو و حرکت آن تعیین‌کننده‌ی محل احداث پشت بندها ی باروی قلعه بوده است.



**ورودی:** در حال حاضر هیچگونه مدرکی به صورت زنده بر روی باروی قلعه در اضلاع مختلف به عنوان ورودی قلعه به صورت آثار مختصر حتی در حد داغ دیوار موجود نمی‌باشد با این حال به جهت مشخص کردن محل قرارگیری ورودی قلعه بر



روی ضلع شمالی بررسی شد. با این توصیف همه ی نگاهها به طرف ضلع شمال قلعه که باروی آن نه به صورت مستقیم بلکه به شکل هندسی هلالی و قوس دار احداث گردیده است، متوجه گردید که مسیل ورودی آب نیز پس از گذر در موقعیت های گوناگون در خارج از قلعه از این نقطه و از زیر دیواره بارو وارد قلعه می شود. با این ذهنیت بررسی ضلع شمال نیز صورت پذیرفت. لازم به ذکر است که آثار پی دیوار در این ضلع به دلیل احداث جاده و تخریب دیوار آن و خاکبرداری تا عمق حدود یک متری اجازه مطالعه بر روی بارو و بقایای آن نداد. با این حال ورودی در بخش شمال غربی این سازه عظیم قرار داشته است. با کاوش و حفاری باستان شناسی، می توان اطلاعات لازم را به دست آورد.

**آبرو:** سازندگان بنا جهت هدایت آبهای سطحی محوطه داخلی بارو به بیرون، فضاهایی به عرض و ارتفاع ۳۰ سانتی متر در پایین ترین قسمت دیوار باقی گذاشته اند. بطوریکه تعداد دو مورد از آنها در قسمت های غربی و شرقی بارو به خوبی قابل تشخیص است. شکل هندسی این دریچه ها مستطیل و با پوشش تخت به صورت کار گذاشتن یک تخته سنگ بر روی دریچه بوده که پس از آن ساخت بارو ادامه یافته است.



مسیر هدایت آب به محوطه باستانی

با بررسی انجام گرفته در محل و متعاقب آن بررسی و بازیابی نقشه های تهیه شده از قلعه با توجه به توپوگرافی سطح محل احداث قلعه مسیر جوی های آب و کانالها پس از مصرف به قرار فوق از محل این آبراهه ها به خارج از قلعه هدایت می شده است ، محل خروجی آب ( ابراه ) بگونه ای انتخاب گردیده که بر اساس شیب طبیعی زمین ، آبهای سطحی با یک جریان معقول از طریق آبراه ها به خارج از قلعه هدایت گردد.

#### ساخت و سازهای داخلی بارو

در بخش داخلی قلعه تعدادی ساخت و سازهای مسکونی موجود بوده که با توجه به گستره ی صحن داخلی قلعه ، بخش بسیار ناچیزی از آن را به خود اختصاص داده است که به صورت پیوسته در بخش شمال شرقی قلعه و نزدیک به بارو احداث شده اند. شرقی ترین ساخت و سازها نسبت به دیگر اماکن همجوار خود سالمتر باقی مانده ،

هرچند که روند تخریب در آن نیز شدت داشته است به نظر می‌رسد که این محدوده دارای کاربری مجزا از سایر ساخت و سازها بوده است. یکسری اماکن دیگر به صورت ساخت و سازهای پراکنده و تک‌بنا در بخشهایی از قلعه احداث گردیده که دارای کاربری‌های متفاوتی بوده‌اند. در این میان وجود تخته سنگ‌های بزرگ در میان قلعه و در حاشیه جوی‌های بدون ساخت و ساز که به صورت منظم و با پلان مستطیل و به صورت خشکه چین در کنار هم قرار گرفته‌اند نیز از دیگر ساخت و سازهای موجود در این قلعه می‌باشند. همه‌ی ساخت و سازهای داخلی قلعه از قله سنگ و ملاط گچ نیم کوب بعنوان مصالح استفاده شده است. با توجه به حجم اندک ساخت و سازها در قلعه نسبت به وسعت آن که بارویی آن را محصور کرده است بیشترین فضای داخلی قلعه بدون ساخت و ساز و آزاد بوده که با توجه به جریان آب در آن به نظر می‌آید از این اراضی شاید برای زراعت نیز استفاده شده است. وجود دیواری در بخش میانی قلعه که آن را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم نموده نیز در این بنا قابل تامل است که با توجه به عدم تراکم ساخت و ساز در آن چنین به نظر می‌رسد که این محدوده با توجه به محصور بودن آن و وجود یک گاهی که به بخش شمالی (داخل قلعه) ختم می‌شود از این محدوده به عنوان محل نگهداری چهارپایان البته به صورت آزاد استفاده می‌شده است.

**مسیر انتقال آب:** از دیگر شاخصه‌های مهم قلعه شاخ می‌توان به مسیر انتقال آب اشاره نمود. به طوری سازندگان بنای شاخ با ساخت مسیری بطول تقریبی سه کیلومتر آب را از بالا دست رودخانه شاخ به داخل بنا هدایت نموده‌اند.



بخشی از دیوار دژ شهاق

قسمت اعظم این مسیر طولانی در حاشیه ی غربی رودخانه احداث شده است. که بدلیل شیب زمین مجبور شده اند آنرا با مصالح مشابه ساخت قلعه جهت عبور آب، مناسب نمایند. البته در فاصله تقریباً ۵۰۰ متری از شمال قلعه این مسیر از حاشیه ی رودخانه جدا شده و وارد زمین های مسطح این منطقه گردیده است. که در این قسمت نیازی به احداث مسیر آب به صورت مصنوعی نبوده و هدایت آب در زمین کفایت می نموده است. در واقع خاک های رسی این قسمت بدلیل ترکیب با آب به مسیر مناسبی برای هدایت آب تبدیل شده است. هر چند که احداث کنندگان کانال آب با لایه رومی سطح جوی و انتقال آن به حاشیه کانال سطح کانال را جهت جریان مناسب آب لایه رومی نموده اند و گل حاصله در کنار آن پس از گذشت سالیان متمادی باقی مانده است.

آب با گذر از این مسیر در فاصله ی ۱۰۰ متری شمال شرقی بنا مشرف به شیب رودخانه در ابتدای بخشی که مسیر انتقال آب به دلیل عوارض طبیعی ساخت و ساز کانال با مصالح سنگ و گچ نیم کوب جهت سهولت در انتقال آب و ادامه مسیل احداث گردیده است. با عنایت به شیب نسبی جوی آب در این بخش که از کانال حفر شده یکباره به سازه ی مصنوع ساخته شده ختم می گردد به نظر می رسد که احداث این دیواره به قرار فوق کار گابیون امروزی را انجام داده است تا علاوه جلوگیری از شدت جریان آب و عدم به هدر رفتن آن به صورت ریزش آب از دیواره کانال مصنوع این بخش مکانی بوده که محل ته نشین شدن گل ولای احتمالی و محل تجمع شدن خار و خاشاک بوده که با ساخت این سازه آب پاک با طی یک مسیر نسبتاً طولانی روانه قلعه جهت مصرف بوده است.

مصالح این سازه مشابه سایر قسمت های قلعه بوده و رویه آن بوسیله گچ اندود گردیده است. طول این سازه که در یک خط مستقیم احداث نگردیده است تقریباً ۱۰۰ متر می باشد که بیش از ۳۰ متر آن در کنار بار در بخش بیرونی آن کشیده شده و امتداد یافته و پس از آن با گذر از یک آبراهه از زیر باروی شمالی قلعه با ابعاد ۷۰\*۱۰۰ سانتیمتر وارد قلعه شده و در جهت شمال به جنوب در یک شیب متعادل به وسیله کانال هایی بدون ساخت و ساز در سطح شرقی و غربی قلعه تقسیم گردیده است که پس از عبور از این جهات و مورد استفاده قرار گرفتن آن به وسیله آبراه هایی که در دل دیوار شرقی و غربی ایجاد گردیده آب از قلعه خارج گردیده است.

قسمت های قابل تشخیص این مسیر در داخل بنا بیش از ۱۳۰ متر می باشد که در میانه جبهه شمالی بنا امتداد یافته و تا نزدیک بقایای دیوار مرکزی قلعه موجود است. امتداد دارد. در داخل احتیاجی به احداث مسیر نبوده و آب در زمین های خاکی هدایت شده

است. با بررسی بعمل آمده بر روی دیوار مرکزی قلعه در بخش شرقی ورودی بخش جنوبی قلعه بقایای آبراه دیگری موجود است که به دلیل تخریب دیوار مرکزی به شدت آسیب دیده است این آبراه که چون شمالی در زیر دیوار به ابعاد ۷۰\*۸۰ سانتیمتر و به ضخامت دیوار احداث گردیده که مسیر انتقال آب به بخش جنوبی قلعه را شامل شده است. هم اکنون این مسیر طولانی در دو نقطه (قسمت شمالی محوطه و همچنین در فاصله تقریبی ۵۰۰ متر از شمال قلعه) با گذر جاده قطع گردیده است. هر چند بنظر می رسد استمرار حضور و زندگی انسان در قلعه و استفاده از مسیر انتقال آب تغییراتی جزئی را در آن بوجود آورده است.

**نوع بنا:** اگر با اندکی اغماض قلعه شاخ را جزء قلعه های کوهستانی<sup>۴۳</sup> به حساب آوریم پس تعاریف ارائه شده برای آن با قلعه های مشابه و همدوره (دوره ساسانیان) یکسان بنظر می آید. در این تعریف، قلاع کوهستانی دارای مصالحی چون سنگ و گچ بوده و حرکت بارو بر اساس عوارض طبیعی زمین، بدون شکل مشخص و بصورت نامنظم میباشد. دسترسی به این گونه قلاع با توجه به توپوگرافی و عوارض نیز مشکل است. با این توصیف شرایط ذکر شده در این مبحث به صورت کلی شامل قلعه شاخ در این حوزه فرهنگی بوده و قلعه شاخ جزء قلعه های کوهستانی محسوب می گردد.

**عناصر معماری:** در قلعه شاخ بر خلاف قلعه های همدوره برخی از عناصر معماری با محدودیت عملکرد مواجه شده اند که نمونه جالب آن پشت بند است. هر چند شکل نیمه دایره پشت بندهای استفاده شده در بنا مشابه قلعه های دوره ساسانی است ولی نکته جالب آن است که بر خلاف قلاع این دوره که برجک ها اغلب<sup>۴۴</sup> هم دارای کاربرد

حفاظتی و جلوگیری از رانش دیوار و هم مکان نگهداری و حفاظت قلعه بوده اند، در قلعه شاخ این عنصر صرفاً در نقش ذاتی خود (نگهداری دیوار و رانش آن) ظاهر شده است نمونه این پشت بند ها در بخشی از دیوار شمالی باروی مدور قلعه تاریخی پشت قلعه آبدانان موجود بوده که کار مطالعاتی آن به انجام رسیده و از هر نظر قابل مقایسه می باشد.



همچنین به نظر می آید که در نظر سازندگان بنا، بلندای دیوار به تنهایی برای حفاظت از آنچه که بنا برای حفاظت از آن ساخته شده است کفایت می کرده است و این اطمینان یا حکایت از امنیت بالای منطقه داشته و یا کاربری خاص تعریف شده برای بنا بر این اساس است که ما می بینیم بارو فاقد عناصری مانند برجک نگهداری، مزغل و سایر عناصر معماری لازم جهت حفاظت در قلاع نظامی است. گستردگی و وسعت زیاد، بدون آنکه داخل آن کاربری مسکونی داشته باشد نیز جالب توجه است. استفاده از پوشش آهنک یا طاق گهواره ای همچون بناهای همدوره مانند تخت سلیمان، قلعه

دختر و... اجرا گردیده که سوا از همه ی مباحث قبل این بخش نیز از جمله موارد قابل مقایسه می باشد.

### بررسی و شناسایی محدوده ی قلعه و آثار پیرامونی

در پژوهش هر اثر تاریخی و فرهنگ شناخت و بررسی آثار وابسته و پیرامونی آن بسیار مهم بوده و گاه ارزشی برابر با خود موضوع دارد. این نکته در مورد آثار معماری و علی‌الخصوص بنایی مانند قلعه شاخ، حائز اهمیت بیشتری است.

**آ سیاب:** در فاصله تقریباً دو کیلومتری شمال قلعه و در حاشیه ی غربی رودخانه شاخ (پایین تر از مسیر انتقال آب به قلعه) آثاری از یک آسیاب آبی مشاهده می گردد این آسیاب که قسمت اعظم آن تخریب گردیده است با استفاده از مصالح سنگ و گچ ساخته شده و مربوط به استقرار های موقت عشایری در قرون متاخر اسلامی می باشد. **گورستان:** بر روی تپه ای که در غرب بنا قرار دارد آثار متعددی از قبرهایی مشاهده می گردد. این قبور دارای شکل هندسی مستطیل بوده و با اندازه تقریبی (۱×۳) متر بوده که دیواره ی این قبور با سنگهای خشکه چین، سنگ چین احداث شده اند. مسلماً با کاوش های منسجم علمی باستانشناسی در این بخش می توان به آثار و شواهد مهمی در ارتباط با نحوه تدفین و مطالعات انسان شناسی ساکنین قلعه دست یافت.

### انتخاب محل ساخت قلعه

بی تردید انتخاب محل سکونت و ساخت بناهایی چند به صورت محصور و یا باز در گذشته، علاوه بر شرایط زیست بوم و امکان تامین آب مورد نیاز جهت ساکنین، دسترسی به مصالح بومی، شرایط توپوگرافی محل انتخاب شده، دوری و یا نزدیکی به اماکن دیگر و نوع قرارگیری در مسیر های تردد، اهمیت سوق الجیشی آن مد نظر بوده است. احداث این مجموعه در یک نقطه تا چه اندازه از نظر طبیعی قابلیت تدافعی



داشته تا معماران علاوه بر آن مواردی که در شرایط طبیعی موجود نیست و یا کم رنگ تر می باشد در سازه های خود طراحی و اجرا نمایند.

زمین محل ساخت قلعه شاخ نیز دارای شرایط و ویژگی های طبیعی خاص مورد نظر معماران بوده است که با اطلاع از توپوگرافی محل مزبور اقدام به ایجاد و ساخت سازه ای به نام قلعه شاخ نموده اند. ویژگی دیگر این مکان که شاید اهمیت آن کمتر از مورد گفته شده نباشد، امکان انتقال آب از بالا دست (بصورت حرکت تدریجی در در برش مسیل شمال شرقی) به داخل بنا می باشد این مکان در واقع در مسیر دو رودخانه ای قرار دارد که آنها بوجود آورده اند. سازندگان بنا از فاصله تقریبی سه کیلومتری از شمال بنا آب را بتدریج و با ایجاد مسیر انتقال در ارتفاع هدایت نموده و با ایجاد یک سری سازه مسیر بدخل قلعه منتقل نموده اند در واقع این ویژگی باعث شده است، ارتفاع ۵۰ متری بین سطح محوطه و کف رودخانه های اطراف از بین رفته و دسترسی به آب رودخانه ممکن گردد، ویژگی منحصر بفردی که در سایر اراضی منطقه دیده نمی شود.

با این حال قرار گیری در مسیر راه اصلی پشتکوه (ایالت های مهر جانقذق و ماسبدان) در دوران ساسانی و ایالت جبال در قرون اولیه اسلامی به عنوان شاهراه اصلی ارتباط با عراق امروزی و دیگر شرایط را نمی توان از ذهن دور داشت. در یک نگاه کلی می توان این مکان را مناسب ترین محل برای ساخت چنین بنایی (با هر گونه کاربری احتمالی) دانست. در واقع میزان انطباق محل ساخت با ساختار معماری و ویژگی های بنا به حدی است که در یک احتمال جالب می توان گفت؛ سازندگان بنا با بررسی و مطالعه دقیق و امکان سنجی مناسب به ساخت این بنا کمر همت بسته و نواقص طبیعی بسیار محدود در این مکان را با تغییرات در نحوه و شیوه معماری بر طرف نموده اند.

مسأله‌ای که قطعاً بصورت اتفاقی و گذرا نبوده مطالعات و بررسی‌های بسیاری در پس آن بوده است.

**سبک بنا:** یکی از خصوصیات جالب معماری ایران که همواره توجه صاحب‌نظران و پژوهشگران داخلی و خارجی را به خود معطوف نموده است، گوناگونی این آثار از نظر فن ساخت، نوع مصالح، تناسبات بکار برده شده و شکل ظاهری می‌باشد. در این قسمت سعی گردیده است چگونگی ساخت عناصر سازه‌های بنا شرح داده شود.

**پی سازه‌های احدائی:** بررسی برش‌های عرضی ایجاد شده در بارو (در اثر عوامل چون احداث جاده و همچنین فرسایش ایجاد شده بوسیله عوامل طبیعی در کنار آن) نشان می‌دهد سازندگان قلعه شالوده آنرا بر روی سطح طبیعی تپه بنا نهاده‌اند. در واقع بدلیل بافت و ترکیب متراکم، همگون و یکنواختی دانه‌های تشکیل دهنده‌ی لایه‌های خاک آن که مخلوطی از خرده سنگ، شن، ماسه و خاک رس می‌باشد؛ معماران قلعه لزومی به ایجاد پی به روش معمول ندیده و سطح تپه را جهت احداث بنا مناسب دیده‌اند. بدین معنی که باروی بزرگ و طولانی قلعه فاقد پی می‌باشد و در عوض ضخامت و پهنای دیوار از سطح آنقدر عریض اجرا گردیده که علاوه بر افزایش قدرت ایستایی بارو، مانع از رانش‌های طبیعی می‌شده است. شاید عدم اجرای پی در این سازه از نظر معماران آن بوده است که تراکم طبیعی محل احداث بارو بخصوص در بخش شرقی آن که مشرف به شیب نسبتاً تند ترانشه‌های مسیله‌ها بوده را از بین نبرده و خود باعث رانش‌های آتی نگردند.

**مواد و مصالح:** چنانکه در بررسی معماری ساسانیان دیدیم خصوصیت بارز معماری در این دوره استفاده فراوان آنان از مصالح سنگ و گچ در ساخت بناها بوده است. مصالحی که سعی گردیده است از محل تهیه گردیده و بوم آورد باشد. قلعه‌ی شاخ نیز

از این قاعده مستثنی نبوده و مصالح اصلی استفاده شده در ساخت آن سنگ و ملات گچ (نیمکوب) می باشد. گفتنی است در ارتفاعات شمالی قلعه (تخت پیران و تخت نیله) و منطقه ای بنام دره گچ معادن غنی گچ وجود دارد. هر چند از چوب آنهم صرفاً برای ایجاد داربست جهت ساخت باور نیز استفاده گردیده است. در قلعه شاخ، اصلی ترین و تنها مصالح اصلی سنگ می باشد. سنگ های استفاده شده ای که بدون هیچ پرداخت و تراشی مورداستفاده قرار گرفته شامل؛ قلوه سنگ ها و لاشه سنگ های طبیعی موجود در منطقه بوده است.

**زیبایی شناسی:** هر چند نمی توان زیبایی شناسی آثار معماری را با معیارهای مشخص و قابل اندازه گیری سنجید فلذا در این قسمت سعی گردیده است تعدادی از فاکتورهای شناخته شده در این خصوص بررسی گردد. با دقت در اندازه های عناصر معماری و کلیت بنا، تناسبات قابل ذکر و پیش بینی شده ای (توسط سازندگان) بچشم نمی خورد. عدم وجود تقارن در بنا (بعنوان یکی از مولفه های زیبا شناختی در معماری سنتی ایران) بدلیل همین مسئله می باشد. به علت تخریب و مدفون شدن ساختمان جبهه های شمالی بنا نمی توان وجود یا عدم وجود تقارن در آن را بررسی نمود.

نسبت اعمال شده بین قطر و ارتفاع در دیوارهای بنا (تقریباً ۲ به ۶) تا حدودی توانسته است حس استحکام را به بیننده منتقل نماید هر چند عیوب ساختاری و سازه ای موجود در بنا به این مسأله خدشه وارد نموده است. تناسب دیگر بکار برده شده در بنا برابری تقریبی ارتفاع بارو با طول دور پشت بندها (۵/۹ متر) می باشد.

باروی طولانی و یکنواخت بنا (نمای داخلی) اگر بر روی یک خط مستقیم احداث می شد. بسیار ملال آور بود ولی بدلیل اینکه بارو براساس خطوط نامنظم طبیعی تپه

احداث گردیده و در هیچ منظری از بنا نمی‌توان انتهای آنرا مشاهده نمود. کششی در انسان برای پیمودن این مسیر طولانی تا انتهای ایجاد می‌نماید.

منظر بیرونی بنا کاملاً متفاوت است. در یک نمای باز، تلاقی دیوار عمودی قلعه و شیب ملایم تپه بسیار چشم‌نواز است. شباهت بافت، جنس و رنگ بارو و محوطه تشدید کننده‌ی این موضوع می‌باشد که البته این مسأله در کنار وسعت زیاد باعث کاهش شفافیت و وضوح در بنا (علی‌الخصوص در نمای داخلی) می‌گردد. شاید دلیل اینکه بهترین فصل برای بازدید از بنا فصل بهار می‌باشد همین مسأله است. چه اینکه در این فصل پوشش سبز رنگ زمین تمایزی آشکار بین محیط و بنا ایجاد می‌نماید.

احساس درک فضای معماری در قسمت شمالی بنا به علت عرض زیاد و همچنین تخریب‌های موجود آمده کمرنگ‌تر از قسمت جنوبی است، در قسمت جنوبی بنا به علت عرض کم و ارتفاع زیاد باقیمانده از بارو می‌توان درک بهتری از وجود فضایی محصور داشت.

در قلعه شاخ به علت استفاده از مصالح سخت و ساختار خشن اثری از ظرافت دیده نمی‌شود که البته این مسأله بدلائل فراوانی منجر به ایجاد حس خشونت در بیننده نمی‌شود. در واقع خطوط منحنی بارو در کنار جذابیت‌های طبیعی تپه و رودخانه می‌تواند از جمله این دلایل باشد.

در مورد مفید بودن ساختار معماری قلعه بعنوان یکی از مولفه‌های زیبایی‌شناسی در معماری چیز زیادی نمی‌توان بیان نمود که این بدلیل مبهم بودن کاربری آن است. با بررسی میدانی انجام گرفته در این محدوده به نظر می‌آید که پس از متروک شدن این قلعه راه اصلی همچنان کاربری خود را حفظ کرده است. البته مطمئناً محل وقوع

قلعه شاخ اهمیت خود را از دست نداده است و سالیان متمادی احتمالاً مورد استفاده کاروانها به صور مختلف قرار گرفته است.

#### مقایسه

هر چند قلعه شاخ با دارا بودن ویژگی‌های خاص و منحصر بفرد، گزینه‌ای جذاب جهت پژوهش محسوب می‌گردد، ولی عدم پژوهش‌های میدانی باستان‌شناسی در آن و مطالعه این بنا به صورت جزء به جزء و درکی صحیح نه احتمال و نظریه در رابطه با ساخت و سازهای آن و محدودیت در رابطه با مقایسه جزئیات آن با بناهای مشابه، قدری سختی‌ها و کاستی‌ها را در این پژوهش به وجود آورده است. در صورتی که اگر کاوشی در این بنا صورت می‌گرفت براحتی میتوان بیشتر این بنا را توصیف نمود و مقایسه‌هایی را با بناهای مطالعه شده در یک دوره بخصوص به انجام رساند.

این بنای عظیم را می‌توان با تقسیماتی در آن به صورت بخش به بخش با بناهای هم‌دوره خود مقایسه کرد. در حال حاضر تنها بخش باقی مانده از این بنا بارو و پشت بندها و نحوه اجرای آن بوده که سوا از شکست‌ها در خطوط بارو و حرکت بر اساس شرایط طبیعی باروی این بنا را می‌توان تاحدی قابل مقایسه با بنای تخت سلیمان در تکاب آذربایجان شرقی دانست. از نظر بارو و نحوه اجرای آن با قلعه دختر فیروز آباد فارس که می‌توان از آن به عنوان یکی از شاهکارهای معماری و قلعه سازی دوران ساسانی یاد کرد که با مصالح قلوه سنگ و سنگ لاشه و ملات ساروج با اطاق‌ها و بناهای مفصل تودر تو با حیاط مرکزی و قسمت‌های مختلفی ساخته شده است، نیز قابل مقایسه دانست با این تفاوت که قلعه دختر کاملاً قلعه ای کوهستانی می‌باشد (پازوکی، ۱۳۷۶: ۸۶). باروی قلعه شاخ را می‌توان با حصار شهر بیشاپور مقایسه نمود.

علاوه بر این باروی این قلعه با قلعه ی پشت قلعه آبدانان ایلام قابل مقایسه بوده که حتی از نظر پشت بند های بارو به قرار ذکر شده در قلعه شاخ شباهت های فراوانی وجود دارد.

علاوه بر این بنا ی تاریخی با بنا ی دیگری با نام بنا ی پا قلاع بخش چوار از توابع شهر ایلام از نظر موقعیت قرار گیری و بارو و نوع ساخت و ساز های در آن قابل مقایسه است. نوع پوشش فضاهای مستطیل شکل این اماکن چون بناهای دوران ساسانی طاق های هلالی یا گهواره ای بوده که به شیوه ی ضربی و با استفاده از مصالح سنگ و گچ نسبت به اجرای آن اقدام نموده اند. عظیم ترین طاق گهواره ای بر فراز ایوان کسری در تیسفون در دوره ساسانی بارزترین نمونه این ساختار است. میتوان طاق های گهواره ای قلعه شاخ را با این مکان ها قابل مقایسه دانست.

#### شواهد و شناسه های فرهنگی

سفالهای به دست آمده شامل دهانه دسته های عمودی بدنه های محدب و کشیده و کف های صاف می باشد. خمیره این سفالهای به صورت متعارف ورز خورده و فاقد خلل و فرج در مغز سفال می باشد. پخت برخی از ظروف کافی بوده و برخی نیز دارای مغز سوخته ای بوده که نشان دهنده نا کافی بودن پخت آنها بوده است. ماده چسپاننده سفالهای مذکور شامل ماسه همراه با دانه های سفید آهکی بوده است. در برخی از سفالها که کاربرد آنها به عنوان ظروف آشپزی یا خمره های بزرگ آذوقه بوده از شن همراه با دانه های سفید آهکی به عنوان ماده چسپاننده استفاده شده و دارای ضخامت بیشتری نسبت به سایر ظروف هستند.



سفالینه مورد مطالعه محدوده ی دژ و قلعه شهاق

در سفال های قلعه شاخ تزئینات مختلفی به کار رفته است در ظروف ذخیره آذوقه دور کمر ظرف و در ست زیر شانۀ نوار افزوده ای به شکل طنابی قرار داده اند، در برخی از سفالها که بیشتر ظروف آبخوری هستند زیر لبه دارای یک برآمدگی، به صورت نواری دور لبه و زیر لبه را در بر گرفته است.

یکی از مهمترین تزئینات ظروف سفالی در قلعه شاخ تزئینات کنده است این تزئینات شامل نوارهایی موجی شکل که در میان دو نوار عمودی قرار گرفته است. یکی دیگر از تزئینات کنده بر روی سفالینه قلعه شاخ مثلتهای کنده ای است که بر روی بدنه ظرف به طوری که سطح قاعده مثلث به صورت یکی در میان قرار گرفته اند که مشابه این تزئینات در اکثر سایتهای مربوط به ساسانی از جمله شهر تاریخی دره شهر، سیروان، بیسابور و حاجی آباد و... دیده می شود. یکی دیگر از تزئینات سفالهای قلعه شاخ تزئین به شکل استامپی است. برخی از سفال های شاخ به شکل ظروف دهان تنگ گردن دار هستند که بر روی شانۀ آنها تزئینات به شکل نوارهای برجسته قرار گرفته است.

## خلاصه و نتیجه گیری

قلعه شاخ بدر پادامنه های ارتفاعات تخت پیران واقع شده است این مکان در حد فاصل دو رودخانه دائم و فصلی شاخ ودره شور قرار گرفته است قلعه شاخ بر روی بلندی احداث گردیده که خود حاصل عبور دو رودخانه و تلاقی آنها در پائین دست قلعه می باشد. این مکان دارای شکلی نامنظم بوده بدان دلیل که مسیل رودخانه ها در دو جهت غرب و شرق پیچ و خم هایی را به وجود آورده است. عرض مکان ساخت قلعه شاخ در عرض ترین نقطه نزدیک به ۲۰۰ متر است بتدریج و با نزدیک شدن مسیل دو رودخانه از شمال به جنوب کاهش یافته و در فاصله ۱ کیلومتری از شمالی ترین قسمت قلعه به صفر می رسد.

مهمترین شاخصه های قلعه شاخ که آنرا در میان سایر قلاع متمایز نموده است. طول بیش از ۱۷۳۰ متری باروی آن می باشد. که این مقدار بیش از ۶ هکتار از ۸ هکتار سطح تپه ی محل ساخت را در بر گرفته است اغلب قسمت های بارو با اندکی انحراف از محور شمال - جنوب در راستای شمال شرقی به جنوب غربی و بر اساس خطوط طبیعی زمین ساخته شده است. بطوریکه طور بارو در جبهه ی شرقی بالغ بر ۶۶۵ متر و در جبهه ی غربی آن ۵۹۰ متر می باشد. این مقدار در جبهه ی شمالی ۹۰ متر و در جبهه ی جنوبی ۱۰۰ متر است. که تماماً با مصالح سنگ و گچ ساخته شده است. بخشی از قسمت جنوبی بارو بطور تقریبی ۲۰۰ متر (از جنوبی ترین نقطه آن) بوسیله دیواری به عرض ۱۳۰ سانتی متر و بطور ۶۰ متر (در راستای شرق به غرب) معجزا گردیده است. عرض بنا در قسمت های مختلف متفاوت می باشد. بطور کلی از مجموعه طول باروی بزرگ قطعه ۶۵۰ متر تقریباً سالم (که قسمت اعظم آن مربوط به نیمه جنوبی



قطعه است)، ۲۸۰ متر نیمه مخروطه، ۵۵۰ متر کاملاً مخروطه و ۷۰ متر که هیچگونه اثری از بارو و خط مسیر آن مشخص نمی‌باشد.

در طول بارو تعداد ۱۲ عدد پشت بند نیمدایره سر پا بوده و قابل بررسی و مطالعه و مرمت می‌باشند. بیشترین ارتفاع در بین آنها با ۵۹۰ سانتی متر مربوط به پشت بند واقع در جنوب شرقی بناست. شعاع این پشت بندها ۲۲۰ سانتی متر و ارتفاع آنها تقریباً ۵۹۰ سانتی متر می‌باشد فاصله بین پشت بندها، متفاوت بوده و پیرو قاعده خاصی نیست بطوریکه فواصل آنها از ۳۰ تا ۲۵۰ متر متغیر است. در واقع توپوگرافی محل احداث، عوارض طبیعی، موقعیت بارو و حرکت آن تعیین کننده‌ی محل احداث پشت بندها ی باروی قلعه بوده است.

در حال حاضر هیچگونه مدرکی به صورت زنده بر روی باروی قلعه در اضلاع مختلف به عنوان ورودی قلعه به صورت آثار مختصر حتی در حد داغ دیوار موجود نمی‌باشد. با در نظر نگرفتن شیب بسیار تند مسیل‌های شرقی، غربی و جنوبی محل احداث، که به رودخانه‌های دره شور و شاخ و محل تلاقی این دو در جنوب قلعه، به صورت بررسی دیوارهای بارو از داخل و خارج آن، شامل دیواره‌های سالم، نیمه مخروطه، نیمه مدفون، کاملاً تخریب شده و یا حتی در حد داغ دیوار هیچگونه مدرک معماری دال بر وجود درگاهی و یا ورودی در این بخشها به صورت سر تاسری در باروی قلعه مشاهده نگردید.

سازندگان بنا جهت هدایت آبهای سطحی محوطه داخلی بارو به بیرون، فضاهایی به عرض و ارتفاع ۳۰ سانتی متر در پایین‌ترین قسمت دیوار باقی گذاشته‌اند. با توجه به توپوگرافی سطح محل احداث قلعه مسیر جوی‌های آب و کانالها پس از مصرف به قرار فوق از محل این آبراهه‌ها به خارج از قلعه هدایت می‌شده است.

در بخش داخلی قلعه تعدادی ساخت و سازهای مسکونی موجود بوده که با توجه به گستره صحن داخلی قلعه بخش بسیار ناچیزی از آن را به خود اختصاص داده است که به صورت پیوسته در بخش شمال شرقی قلعه و نزدیک به بارو در قسمتی که به صورت طبیعی نسبت به دیگر بخشها اختلاف سطح داشته و مرتفع تر بوده احداث گردیده اند. شرقی ترین ساخت و سازها نسبت به دیگر اماکن همجوار خود سالمتر باقی مانده، هرچند که روند تخریب در آن نیز شدت داشته است به نظر می رسد که این محدوده دارای کاربری مجزا از سایر ساخت و سازها بوده است. یکسری اماکن دیگر به صورت ساخت و سازهای پراکنده و تک بنا در بخشهایی از قلعه احداث گردیده که دارای کاربری های متفاوتی بوده اند.

از دیگر شاخصه های مهم قلعه شاخ می توان به مسیر انتقال آب اشاره نمود. به طوری سازندگان بنای شاخ با ساخت مسیری بطول تقریبی ۳ کیلومتر آب را از بالا دست رودخانه شاخ به داخل بنا هدایت نموده اند. قسمت اعظم این مسیر طولانی در حاشیه ی غربی رودخانه احداث شده است. که بدلیل شیب زمین مجبور شده اند آنرا با مصالح مشابه ساخت قلعه جهت عبور آب، مناسب نمایند.

اندازه گیری قطر دیوارها در چندین نقطه از باروی قلعه نشان می دهد معماران و سازندگان آن عرض تمام قسمت های بارو را یکسان اجرا نموده اند که این اندازه با معیار واحد طول امروزی (متر) ۱۹۰ سانتیمتر می باشد.

نکته مهم در مورد نحوه ی ساخت باروی مرتفع قلعه این است که سازندگان بنا ارتفاع آنرا به ۴ قسمت به صورت ارتفاع مشخص برای هر لایه تقسیم نموده و در چهار مرحله اقدام به ساخت نموده اند. ارتفاع این لایه ها با هم برابر نبوده و اندازه گیری در چند نقطه ی بنا نشان می دهد عرض این لایه ها از ۸۰ الی ۱۷۰ سانتی متر متفاوت بوده به

صورتی که اندازه‌ی لایه‌های پائینی (لایه اول) ۸۰ سانتیمتر لایه دوم ۱۳۰ سانتیمتر لایه سوم ۱۵۰ سانتیمتر و باقیمانده لایه چهارم در بالاترین بخش بارو که تخریب‌هایی در آن صورت گرفته است حدود ۱۴۰ سانتی متر بوده که مطمئناً دیوار از این ارتفاع بلند تر بوده است.

در حال حاضر تنها بخش باقی مانده از این بنا بارو و پشت بند ها بوده که سوازشکست هادرخطوط بارو و حرکت براساس شرایط طبیعی باروی این بنا را می توان تا حدی قابل مقایسه با باروی بنای تخت سلیمان در تکاب آذربایجان شرقی دانست. اما می توان این بنا را مجدداً از لحاظ استفاده از آب و جریان آن در داخل قلعه تا حدودی با این بنا مقایسه کرد با این تفاوت که در تخت سلیمان دریاچه ای موجود است و در شاخ آب به وسیله ی کانال‌هایی وارد قلعه گردیده و ضمن جریان در آن از محل‌هایی خارج می شده است. این بنا از نظر بارو و نحوه اجرای آن با قلعه دختر فیروز آباد فارس که از آن می توان به عنوان یکی از شاهکارهای معماری و قلعه سازی دوران ساسانی یاد کرد که با مصالح قلوه سنگ و سنگ لاشه سنگ و ملات ساروج با اطاقها و بناهای مفصل تودر تو با حیاط مرکزی و قسمت‌های مختلفی ساخته شده است نیز قابل مقایسه است، با این تفاوت که قلعه دختر کاملاً قلعه ای کوهستانی می باشد. باروی قلعه شاخ را می توان با حصار شهریشابور که به موازات رودخانه و بنا براساس مقتضیات مسیر آن ساخته شده مقایسه نمود. علاوه بر این باروی این قلعه با قلعه ی پشت قلعه آبدانان ایلام که در ادامه مسیر راه اصلی از قلعه شاخ به دشت آبدانان واقع شده بسیار قابل مقایسه بوده که بیشتر از نظر بارو و پشت بند‌های آن به قرار ذکر شده در قلعه شاخ شباهت‌های فراوانی وجود دارد. در جریان بررسی دقیق و پیمایش سطحی محوطه مواد فرهنگی شامل سفال به دست آمده است. سفال‌های به دست آمده در سطح

محوطه را بیشتر ظروف خشن با خمیره قرمز و شاموت شن از نوع بدون لعاب و در دو طیف ساده و منقوش با نقوش خاص دوران ساسانی و اوایل اسلام بدست آمد که در گزارش کاملاً به آن پرداخته شده است.



### منابع فارسی

- ۱- افشار سیستانی، ایرج، ۱۳۸۲، پژوهشی در نام شهرهای ایران، تهران، انتشارات روزنه
- ۲- آقائباتی، سیدعلی، ۱۳۸۳، زمین‌شناسی ایران، تهران، انتشارات سازمان زمین‌شناسی
- ۳- آمبر، ن.ن، ملویل، ج.پ، تاریخ زمین لرزه‌های ایران، .....، تهران، انتشارات آگاه
- ۴- ایزدپناه، حمید، ۱۳۶۲، آثار باستانی لرستان، جلد دوم، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
- ۵- پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۸۶، سبک‌شناسی معماری ایران، تهران، انتشارات سروش دانش
- ۶- پرادا، ایدیت، ۲۵۳۷، هنر ایران باستان با همکاری رابرت داسیون، چارلز ویکلستون، ترجمه یوسف مجیدزاده، تهران.
- ۷- ۴۲- پاتس، ذنیل، ۱۳۸۵، باستان‌شناسی ایلام، ترجمه زهرا باستی، تهران، انتشارات سمت
- ۸- ۴۶- پوپ، آرتور، ۱۳۸۷، سیری در هنر ایران، ترجمه سیروس پرهام، جلد دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۹- ۴۷- پازوکی، ناصر، ۱۳۷۶، استحکامات دفاعی ایران، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی
- ۱۰- تجویدی، اکبر، ۱۳۵۵، هنر و باستان‌شناسی هخامنشی، تهران انتشارات فرهنگ و هنر
- ۱۱- توحیدی، فایق، تهران، فن و هنر سفالگری، ۱۳۷۸، انتشارات سمت
- ۱۲- جعفری، عباس، گیتا شناسی ایران رودخانه‌ها و رودها، ۱۳۸۴، جلد دوم، انتشارات هامون.
- ۱۳- خسروزاده، علیرضا، مجموعه مقالات همایش باستان‌شناسی حوزه شمالغرب، ۱۳۸۳، توصیف و طبقه‌بندی گونه‌های سفال ساسانی و اشکانی منطقه ماه‌نشان زنجان، پژوهش‌کنده باستان‌شناسی

- ۱۴- دیاکونوف، ام، تاریخ ماد، ۱۳۴۵، ترجمه کریم کشاورز، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- ۱۵- دیاکونوف، ام، ایران باستان، ۱۳۴۶، ترجمه کریم کشاورز، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- ۱۶- رفیعی، لایلا، سفال ایران از پیش تاریخ تا دوران معاصر، ۱۳۸۶
- ۱۷- رودلف، نومان، حفاریهای تخت سلیمان، زمستان ۱۳۵۱، باستان‌شناسی و هنر ایران شماره ۹ و ۱۰، ترجمه فرامرز نجد سمیعی
- ۱۸- رزم آرا، علی، جغرافیای نظامی ایران پشتکوه، ۱۳۴۰، تهران، انتشارات اداره جغرافیای
- ۱۹- زنده دل، حسن، راهنمای قلعه‌های ایران، ۱۳۸۶، تهران، نشر ایرانگردی
- ۲۰- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، ۱۳۶۸، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر
- ۲۱- سازمان جغرافیایی نیروی مسلح، فرهنگ جغرافیایی آبادیهای استان ایلام، ۱۳۸۵، جلد دوم، تهران، انتشارات جغرافیایی نیروهای مسلح
- ۲۲- ستوده، منوچهر، قلاع اسماعیلیه در رشته کوه‌های البرز، ۱۳۶۲، تهران، انتشارات زبان و فرهنگ ایران
- ۲۳- سکایا، پیگلو، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ۱۳۶۸، ترجمه عنایت اله رضا، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی فرهنگی
- ۲۴- شیروانی، مریم، آسیب‌شناسی و حفاظت از سنگها، ۱۳۸۷، تهران، انتشارات تخت جمشید
- ۲۵- صفار، محمود، نقش عوامل جغرافیایی در امنیت استان ایلام، ۱۳۷۶، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران
- ۲۶- ۱۰- فرای، ریچارد، میراث باستانی ایران، ۱۳۶۸، مسعود رجب نیا، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی فرهنگی
- ۲۷- فیروزمندی، بهمن، مجموعه دروس باستان‌شناسی و هنر ایران در دوره تاریخی، ماد، هخامنشی، پارت، ساسانی، ۱۳۷۳، چاپ اول، تهران
- ۲۸- کامبخش فرد، سیف اله، سفال و سفالگری در ایران، از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر، تهران انتشارات ققنوس
- ۲۹- کردوانی، پرویز، جغرافیای خاک‌ها، ۱۳۸۲، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

- ۳۰- کاویانی، محمدرضا، علیخانی، بهلول، مبانی آب و هواشناسی، ۱۳۷۳، تهران، انتشارات سمت
- ۳۱- کسمایی، مرتضی، اقلیم و معماری، ۱۳۷۸، تهران، انتشارات بازتاب
- ۳۲- کریستین سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ۱۳۶۸، ترجمه رشید یاسمی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دنیای هنر
- ۳۳- کیانی، محمدیوسف، معماری ایران در دوره اسلامی، ۱۳۶۶، تهران، انتشارات ارشاد اسلامی
- ۳۴- کیانی، محمدیوسف، معماری ایران (فهرست بناها)، ۱۳۶۸، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی
- ۳۵- گیرشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ۱۳۶۸، ترجمه محمد معین، چاپ هفتم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- ۳۶- گیرشمن، رومن، بیشابور، ۱۳۷۹، ترجمه اصغرک سیمی، جلد اول، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی
- ۳۷- گیرشمن، رومن، هنر ایران اشکانی و ساسانی، ۱۳۷۰، ترجمه بهرام فره وشی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- ۳۸- لطفی زاده، حمیدرضا، برنامه ریزی و مدیریت آب و خاک دشت دهلران، ۱۳۷۵، تهران، انتشارات دانشگاه صنعت آب و برق تهران
- ۳۹- ملک شمیم زادی، صادق، ایران در پیش از تاریخ، ۱۳۸۲، تهران، سازمان میراث فرهنگی
- ۴۰- معطوفی، اسداله، تاریخ چهار هزار ساله ارتش ایران از تمدن ایلام تا ۱۳۲۰ خورشیدی
- ۴۱- محمودیان، حبیب اله، راهها و معابر باستانی غرب زاگرس در دوران پارت و ساسانی، ۱۳۷۷، تهران، انتشارات سبز رویش
- ۴۲- مشکور، محمدجواد، کارنامه اردشیر بابکان، ۱۳۶۹، چاپ اول، دنیای کتاب، تهران
- ۴۳- واندلبرگ، لویی، باستان شناسی ایران باستان، ۱۳۴۵، ترجمه عیسی بهنام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ۴۴- هرودوت، تاریخ هرودرت، ۱۳۶۲، ترجمه وحید مازندرانی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات علمی فرهنگی
- ۴۵- هول، فرانک، باستان شناسی غرب ایران، ۱۳۸۱، ترجمه زهرا باستی، تهران، انتشارات سمت

۴۶- هرمان، جوجینا، تجدید هنر و حیات تمدن در ایران باستان، ۱۳۷۳، مترجم مهرداد وحدتی، تهران، نشر دانشگاهی

#### منابع انگلیسی

- 1- Ghirshman. Roman, Bishapur II: Les Mosaiques sassanides, Paris, 1956.
- 2- Ghirshman. Roman, Bishapur I, Paris 1972.
- 3- Ghirshman. Roman. "Shapur. City of kings", Asia December 1939.
- 4- Ghirshman. Roman, "Shapur. Royal city". Asia, octobr 1945.
- 5- Hersfeld, E. Iran in the avcient east, London, 1942.
- 6- Huff, Ditrich, Archaeological- survey in the area of Firuzabad Fars, Proceeding of the in Annual symposium of Archaeological research in, Iran, Tehran. 1974.
- 7- Huff, Ditrich, "Sassanian Architecture; encyclopedia Iranica E by: Ehsan yarshater vol III, londonand newyork, 1987.
- 8- Huff, Ditrich, " Zur Rekonstruktion desIures von Firuzabad", Istanbuler mitrilungen 19/20, 1969/70.
- 9- Huff, Ditrich, Qala- ya Dokhtar bei Fruzabad, AMI 11, 1976.
- 10- Huff, Ditrich, Qala- ya Dokhtar bei Fruzabad, AMI N.F.4.1971.
- 11- Huff, Ditrich, " Aspect Historiue ET Archeologiques" in "Ghala- Dokhtar Atechkade, H.Hugi, eolepolytechnique Federal. Zurich, Avril 1977.
- 12- Huff, Ditrich, " Taki-i suleiman", AMI 10, 1977.
- 13- Huff, Ditrich, "Architectur Sassanide" in splendear des sassanides, Musses royaux d' Art ET d 'Histoire, Braxelles, 12 Fevrier au 25 avril 1993.
- 14- Keal, Edward. " Bishapur", in Encyclopedia Iranica Ed: Ehsan yarshater, Volum 5, London and New York, 1987.
- 15- Naumann. R, " Takht-I suleiman" Archaeologischer Anzei ger, 1975.
- 16- Naumann. R "Takht-I suleiman" and Zindan- I Suleiman, Various excavation in 1959 in survey of Persian art.
- 17- azarnoush.masoud, the sasanianmanor hous at hajiabad,iran.1994
- 18- desheyes.jean, fourilles de turang tepe university Paris, 1987

نه متن خطی کتیبه دار ایلامی بر روی ظروف نقره‌ای "گونگی"  
 ('X', 'Y', 'Z', 'F', 'H', 'I', 'J', 'K', and L) داده جدید بر روی نوشته های خطی ایلامی و  
 تاریخ سلسله سوکال ماخ.

فرانسوا دوسه، ۴۵ ترجمه: ماندانا محمودی ۴۶

### چکیده

نه کتیبه ایلامی خطی در این نوشتار آنالیز و ارائه گردیده است. همه کتیبه ها روی نوعی از جام های فلزی به نام «گونگی» نوشته شده است. هفت نمونه از این ظروف در کلکسیون محبوبیان در لندن هستند. فرض بر این است که این نوع جام بایستی متعلق به اواخر هزاره سوم / اوایل هزاره دوم ق.م باشد، درحالیکه بر روی تعداد زیادی از کتیبه ها بطور متوالی نام های اولیه حکمرانان سوکل ماخ، ابرت دوم و شیلهه (قرن بیستم ق.م) را می توان در چندین مورد خواند. مقاله حاضر برای فهمیدن نگارش خط ایلامی با استفاده از گونه شناسی زبانی، گاهشناسی و نماد نگاری بر روی ظروف «گونگی» انجام گرفته است. سپس در ادامه مقاله، تجزیه و تحلیل ها بر روی نه کتیبه خطی ایلامی ارائه می شود. این تجزیه و تحلیل در نهایت منجر به شناسایی ارزش آوایی برخی از علائم می شود. این مطالعه به وسیله یک یادداشت تکنیکی بر اساس آزمایشات شیمیایی- فیزیکی بر روی سیزده نمونه جمع آوری شده از ظروف کتیبه دار خطی ایلامی «گونگی» از جنس نقره متعلق به مجموعه "محبوبیان" دنبال شده است.

۴۵- بخش علوم انسانی و ادبیات دانشگاه تهران.

۴۶- دانشجوی دکتری باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پیشوا، ورامین



**وازگان کلیدی:** عصر برنز، سیستم نگارش خط ایلامی، ظروف «گونگی»، سلسله سوکل ماخ، آلیاژ نقره، کام فیروز.

**مقدمه:** نگارش خط عیلامی در جنوب ایران و بین سالهای نیمه دوم هزاره سوم و شروع هزاره دوم ق.م مورد استفاده قرار می گرفته است. معمولاً نگارش از راست به چپ و از بالا به پایین انجام می شده است. این نگارش هنوز رمز گشایی نشده با این وجود رمز گشایی مهمی بر پایه کتیبه های دو نسخه ای خطی سوزیان انجام شده است. چرا که مفهوم مکانی بین النهرینی «عیلام» زمانیکه از نقطه نظر بیرونی با فلات ایرانی مواجه می شویم صحیح نیست، در این مبحث متعاقباً خط نوشتاری عیلامی با عنوان LE اشاره می شود. افرادی نظیر هینز و مریجی، تلاش کرده اند از طریق کتیبه های شوشی و بوسيله خواندن نامها ی پوزور/ کوتیر- این شوشیناک، سیمپی شوک، اینشوشیناک و شوش تعداد زیادی از علائم را شناسائی کنند. اخیراً یک لیست جدید و کوتاهتر شامل تنها ۱۲ نشانه پیشنهاد داده شده است. ا تا کنون این نوشته ها رمز گشایی نشده اند، و سوالات مطرح شده راجع به این زبان ها بی پاسخ مانده اند. حداقل در ۱۰ کتیبه شوشی منتسب به حکمران محلی پوزور / کوتیر- این شوشیناک (در واقع مربوط به تنها سه متن متفاوت) را احتمالاً سیستم خطی ایلامی برای نوشتن متون زبانهای عیلامی، هتمتی یا اکدی در اولین یا سوین شخص مفرد وجود دارد در حالی که زبانهای صحبت شده در نقاط شرقی ایران در نیمه دوم هزاره سوم ق.م از ان منشعب شده.

این سیستم نوشتن عمدتاً یک سیستم ترکیبی است، بطور عمده با استفاده از واجها/هجا ها و نیز شامل تعدادی از واژه ها. لیست علامت هایی که اینجا ارائه شده (fig 4) ممکن است با چنین ادعایی که از زمان ثبت ۲۹۷ علامت ارائه شده در تناقضی بسیار زیاد برای سیستم هجا نگاری و حتی واژه نگاری باشد.

این لیست نشانه ها بر اساس اشکال نشانه ها و نه بر طبق فرضیات صدانگاری یا آوایی و یا ارزش های نشانه نگاری مرتب شده است بلکه نمایش های تمام نشانه های گوناگونی که در متون گواهی داده اند، به طور گرافیکی مشاهده می شود.

استفاده برای مسافت های بسیار بزرگ (۱۰۰۰ کیلومتر با پرواز کلاغ بین شوش و کونار صندل) و یک دوره طولانی، نشان داده که تعداد علائم گرافیکی معجزا (علائم شماره ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۷، ۳۲، ۱۱۰ و ۱۱۲) در واقع فرمهای متفاوتی از علامت in با مناطق متنوع دیگر غربی (شوش) و شرقی (شهداد و کنار صندل) بودند.

اگر گوناگونی گرافیکی در سیستم نگارش، LE، انعکاس دهنده چگونگی های جغرافیایی و گاه‌نگاری باشد، شماره واقعی نشانه ها استفاده شده در یک منطقه منفرد و در طول یک مدت زمانی محدود، احتمالاً بیشتر تا ۲۹۷ نشانه در لیست نشانه های ارائه شده در این مقاله باشد که احتمالاً حدود ۱۰۰ تا ۱۱۰ نشانه است. در نتیجه دو پرسش بوجود آمده: چه تعداد نشانه های پایه ای در همه این گوناگونی ها به درستی به هم مرتبط بوده است؟ در میان این نشانه های پایه ای، چه تناسبی از نشانه گرافی ها، « از جمله اسم اشاره و صفت » و آوانگاری ها یا صدانگاری ها /هجایی گرافی ها مورد استفاده قرار گرفته شده بود؟

تا حدود ۳۲ کتیبه در حال حاضر شناخته شده است. ۲۴ محل کشف شناخته شده (در نقشه آخر مقاله) در شوش (۱۸ کتیبه)، شهداد (یک کتیبه)، کنار صندل (کتیبه)، و شاید نزدیک تخت جمشید (۱ کتیبه)، پیدا شده. در این مقاله، متون کامل کتیبه های X, Y, Z (کلکسیون محبوبیان) که تاکنون به صورت جزئی منتشر شده، نهایتاً ویرایش شده و ۵ کتیبه جدید منتشر گردیده است. ۴ کتیبه از کلکسیون محبوبیان (K', I', H') و یکی از یک سایت مزایده اینترنتی (L') می باشد. نتیجتاً، ۳۷ کتیبه LE در حاضر قابل دسترس

هستند. محبوبیان شخصا، بر اساس مدارک بجای مانده از پدرش بنجامین ابوالقاسم محبوبیان اظهار کرده است، که ظروف با کتیبه های LE, J, I, H, Y, Z, X و K در حفاری‌ها تجاری در منطقه کامفیروز (30°19'26"E; 52°11'49"N)، برخی ۴۰ کیلومتری شمال غربی تل ملیان / انشان پیدا شده است درحالیکه ظروف دیگر در کلکسیون آنها از منطقه بیضا در فاصله ۴/۵ کیلومتری تل ملیان / انشان آمده‌اند. این سایتها هر دو بین سالهای ۱۹۲۲ و ۱۹۲۴ کشف و حفاری شده‌اند.

توصیف وضع ظروف کتیبه دار ایلامی خطی، 'Y, X, H, Z, L, K, I, L' فرصتی به من داده تا ظروف متعلق به کاکسیون محبوبیان را در لندن در ۱۴ و ۱۵ نوامبر ۲۰۱۵ مورد بررسی قرار دهم و با جمع اوری کتیبه های آنها و نیز جمع اوری ۱۳ نمونه از قطعات این نوع ظروف کتیبه ای نقره ای ایلامی که از رم (ISCR) به منظور تجزیه و تحلیل فیزیکی - شیمیایی ارسال شده از پروفیسور

M. Vidal تشکر می‌کنم. هفت کتیبه که متعلق به مجموعه محبوبیان که بر روی دیگچه مخروطی فلزی (آلیاژ نقره) نوشته شده، شبیه 'F'، متعلق به مجموعه Schoyen، ساخته شده از یک ورقه فلزی به وسیله چکش کاری و سفت کردن با یک پایه کوتاه دایره ای، دیواره کوتاه اندکی گوژمانند، سپس یک حامل حکاکی شده بسمت بالای دیواره، کمی محدود / مقعر در مورد K, X, Y, J است. و سرانجام یک حاشیه حک شده به سمت خارج خم شده و سپس به سمت داخل برای ایجاد یک سطح صاف. Z, Y همچنین شکل لوله را نمایش میدهند که احتمالاً در مورد Z لحیم شده‌اند. این ظروف ظاهراً کاملاً تمیز شده‌اند ولی در مواردی مقداری خوردگی بر رویشان باقی مانده است. اگر چه Q، (کتیبه مرودشت)، و L بر روی ظروف مخروطی نقره ای نوشته شده بودند، اما آنها احتمالاً به نوع دیگری متعلق‌اند در حالیکه A, W کاملاً ظروف متفاوت هستند. کتیبه

های خطی ایلامی ، X ، Y ، Z ، F ، I ، J ، K بر روی جام فلزی مشابه نوشته شده بود . ظروف مشابه عمدتاً ساخته شده از برنز حین حفاری‌ها (تقریباً همیشه در مراسم خاکسپاری) که متعلق به آغاز هزاره دوم ق.م در زاگرس مرکزی (کل نسا، تپه گوران، چغا سبز، کمترلان II چمان ، تپه گیان، تپه گودین، نهاوند و کرمانشاه) شوش، باکتریانا و در دره ایندوس (Chanhu Daro) ، پیدا شده اند در حالیکه ، در بین‌النهرین این ظروف (در تلو / گیرسو، اور ، تل‌الدیر و اشور) از زمان نئو-سومری / اور دوره سوم تا بابل و اشور باستان ثبت و ضبط شده اند. هشت مورد از این ۶۱ کشتی دارای کتیبه خط ایلامی هستند (شکل ۱۵ (ب) ، شماره ۱۳-۲۰؛ X ، Y ، Z ، F ، H ، I ، J و K " ) ، در حالی که شش مورد متون میخی هستند (شکل ۱۵ (الف) ، شماره ۱-۶؛ زیر را ببینید). برخی از ظروف بوسیله گچ محکم شده اند (شکل ۱۵ (الف) ، شماره ۶-۱۲) یا یک دهانه (شکل ۱۵ (ب) ، شماره ۱۳ و ۱۴) تعدادی نیز حکاکی و بصورت نقش برجسته اند (شکل ۱۵ (ب) ، شماره ۱۴ ، در زیر برای این صحنه خاص مراجعه کنید). پایه‌ها ممکن است مدورمقعر ، مسطح یا محدب باشد، دیواره‌های ظروف هستند معمولاً کمی محدود و مقعر است اما ممکن است آنها نیز راست و مستقیم باشند و حاشیه می تواند ساده ، برای ایجاد یک سطح صاف ممکن است کمی تغییر مسیر داده یا به سمت خارج خم شده و سپس به سمت داخل ۵۶. ظرف ساخته ده از الیاژ مس که از نظر باستان شناسی ممکن است از زاگرس مرکزی آمده اند (از جمله موارد متناسب به لرستان) که ممکن است مرکز اصلی این نوع مصنوعات باشد. بیرون از زاگرس مرکزی ، گزارشها از این نوع ظروف نیز از شوش (۴) و بین‌النهرین (۱۳ طرف) در تلو / گیرسو ، اور ، بلند آگهی و دام و آژور) ، و همچنین از ساپالی تپه در باکتریا چانهو دارو در دره ایندوس گزارش شده (مستند نشده است شکل ۱۵ (a-d). در میان این آثار باستانی ، شش مورد

(شکل ۱۵ الف) ، درجه ۱-۶) کتیبه های خط میخی که به زبان سومری ، سومرو- اکدیان یا ایلامی / حاتمیت ، نوشته شده است و قابل ذکر است که نام باستانی این نوع ظروف بنام گوناگی ثبت شده است.

\* روی یک ظرف از آلیاژ نقره ، کتیبه ای به زبان ایلامی / حاتمیت نوشته شده (شکل ۱۵ الف) ، درجه ۱) ۱۹: اوه ، ناپیریشا، شما که قلمرو پادشاهی از قهرمانان را ایجاد کرده اید ، برای Kindat / du (من؟) ، پروردگارا ، شما ، از او محافظت می کنید، مسیب ان باش و ان را برای Kindat/du انجام بده . ناپیریشا است در حمایت شما. در مورد مشکل ، ممکن است شما او را زندانی می کنید ، ممکن است طولانی نشود (اوروزها) ، ممکن است از او ادای احترام کنید [...] . (قسمت آخر کتیبه قابل ترجمه نیست).

\* روی یک ظرف از آلیاژ مس که به سومری نوشته شده است (شکل ۱۵ الف) ، شماره ۲؛ برای کتیبه) ۲۰: (برای) I (n) dat / du I ، نوه ابرات (I) ، فرزند کیندات / دو (من؟) پادشاه انشان ، پادشاه شیماشکی و نیم / عیلام ، کیتن- رکت دپ/ بی ، سوکالمه نیم / عیلام و تیر ، بنده ، ساختم (این شیء) برای او.

\* روی دو قطعه یک ظرف از آلیاژ نقره ، به زبان ایلامی / حاتمیت نوشته شده (شکل ۱۵ الف) ، شماره ۳):

Šilhaha با قربانی کردن دعا می کند. ممکن است ناپیریشنا دعای او را بشنود. " اما تداک [...] پسری به دنیا آورد. اجازه دهید

Šilhaha پیشکش سوخته شده را ارائه می دهد زیرا او قصر را به دست آورده است. Šilhaha [...] Napiriša ; قربانیان را در کاخ قرار داده. او ۱۴ گاو را برای آنها فراهم کرده است ، [...] فراهم می شود. او [...] را برای کاخ نصب کرده است. او ۱۴۰ گوسفند فراهم کرده است. بگذارید پیشکش های سوزانده توسط مردم برای " آما تداک "

صورت بگیرد از آنجا که ناپیریشا مسیر جانشینی را برای ارباب " ارباب (II) " مفروض کرده.

\*روی یک ظرف از آلیاژ مس با یک دسته ، کتیبه نوشته شده به سومری آکادیانی (شکل ۱۵ الف) ، شماره ۶): (برای) عطا هوشو ، پسر خواهر Šilhaha ، او که نگه می دارد. ŠA.BU.DAM. مردم شوش؛ ابن اداد ، دستیار "تپیر" ، خادم او، برای او ساخته و به او داده این ظرف "گونگی" برنزی را.

\*روی یک ظرف از آلیاژ نقره ، دو کتیبه نوشته شده به سومری - اکدی (شکل ۱۵ الف) ، شماره ۴): (برای) ابارات (II) ، پادشاه انشان ، تمتی - آگون ، سوکالما نیم / عیلام و شیماشکی ، پسر خواهر "شیهاها" ، عدالت را در شوش و عیلام / نیم برقرار کرد، این ظرف "گونگی" نقره ای را برای او ساخت (و) برای زندگی خود او، آن را به ناپیریشا ارائه داد. کوک سانیت ، تپیر از شوش ، پسر محبوب سوکالما تمتی - آگون.

\*روی یک ظرف از آلیاژ نقره ، دو کتیبه نوشته شده به سومری آکادیانی (شکل ۱۵ الف) ، شماره ۵): " (برای) پالا - ایشان ، پسر خواهر شیهاها ، برادر عزیز از تمتی - آگون ، سوکال و تپیر از مردم شوش "؛ "او کال ، گیر. نیتا از مردم شوش ، این ظرف "گونگی" نقره ای را ساخته اند. این شش ظرف گوناگی ممکن است مرتبط به سلسله های حاکمان شیماشکیان / سوکالما ، کیندا تو ، ایندا تو ۱ ، شیهاها ، ااتا هوشو ، تمتی - آگون و پالایشان ، بین پایان قرن بیست و یکم قبل از میلاد و پایان قرن بیستم یا نوزدهم پیش از میلاد در زمانشناسی میانه باشد. ظروف گوناگی نقره ای یا برنزی ممکن است منسوب به متون " اور III " از "اوما" (قدیمی ترین قدمت "شولگی ۴۸" ، در وسط قرن بیست و یکم پیش از میلاد مطابق با تاریخشناسی میانه) و "ایری ساریگ" ، و همچنین در متونی از شوش ، در زمان "پالایان" باشد. سرانجام ، همانطور که قبلاً گفته شد ، بیشتر ظروف

"گوناگی" که در حفاری های منظم یافت می شوند ، یا از متون تدفینی زاگرس مرکزی منسوب به آغاز هزاره دوم قبل از میلاد هستند یا از گورهای بین النهرینی "اور III" /نئوسومری گرفته تا بابل/اشور کهن. این شش کتیبه میخی به چند نظریه منتهی می شود:

\* سه نفر از آنها به طور خاص از "ناپریشا" خدای بلند مرتبه یاد می کنند در حالی که " اینشوشیناک "خدای شوشی است هرگز ذکر نشده؛

\* انشان به طور مرتب ذکر می شود؛

\* تنها عنوان مورد استفاده در زبان ایلامی / حاتمیت کتیبه تمی ، "پروردگار" است.

\* در دو مورد از این کتیبه ها ، نام برخی از مقامات آمده است مقدم بر صفات و اسم اشاره آمده الهی است (آیا آنها الهه بودند یا متوفی؟). ظروف "گوناگی" کتیبه خطی ایلاما ۷ ، (شکل ۱۵ الف) ، شماره ۱۴ و شکل ۱۶ و ۱۷) حکاکی های برجسته و چکش کاری ، تزئینات حکاکی شده (احتمالاً کتیبه ۷ پس از اتمام این دکوراسیون نوشته شده) را نمایش می دهد

۳\_ تجزیه و تحلیل فیزیکی و شیمیایی مجموعه نوشته های خطی ایلامی کتیبه هی " گوناگی": با توجه به ظروف و بشقاب هایی که روی آنها نوشته شده است ، و همچنین محتوای آنها، نه کتیبه LE (خط ایلامی باستان) X، Y، Z، F، H، I، "K و L متعلق به یک مجموعه منسجم از کولکسیون محبوبیان هستند که در چهارم و پنجم نوامبر ۲۰۱۵ جمع اوری و برای تجزیه و تحلیل فیزیکی و شیمیایی به رم در اینستیتو Istituto Superiore per la Conservazione ed il Restauro (ISCR)، تحت نظر پروفیسور ماسیمو ویدالزفرستاده شده. امکان نمونه گیری از ظروف

حاوی کتیبه های خطی ایلامی  $L, Z, Y, X, k$  وجود نداشته اما از  $H$  و  $I$  نمونه برداری شده است. نتایج مقدماتی (برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به یادداشت فنی توسط:

R. Faieta, G. Guida و M. Vidale<sup>43</sup>)

\* ظروف با یک آلیاژ مس - نقره تولید می شدند، به طور کلی از ۹۳-۹۶ نقره و ۴-۷ از مس تشکیل شده؛

\* تجزیه و تحلیل ریزساختاری ثابت کرده که فویل های فلزی چکش کاری طولانی مدت را پشت سر گذاشته بودند، شامل بسیاری از چرخه های عملیات حرارتی (بازپخت) متناوب با مراحل سرد کردن.

\* در سطح دیواره های ظروف، یک پتینه وجود داشت که نشانگر یک فعل و انفعال (اکسیداسیون) بین ظروف متون آنها که بوسیله عناصری از نظیر  $O, Na, C, Mg, K, Ti, Al, Si, S, Fe, Ca, P$  فاش شده اند.

قدیمی ترین صنایع دستی از نقره به اواسط هزاره چهارم ق.م با دو دکمه نقره ای می رسد که در سیلک ۳ پیدا شده بود. باستانی ترین آلیاژهای مس و نقره نیز منسوب به اواخر هزاره چهارم قبل از میلاد با نمونه هایی که در از اوروک و ارسلان تپه می آیند هستند.

۴- آنالیز نوشتجات خطی ایلامی گوناگی: علامات متوالی نوشتجات گوناگی بطور قابل توجهی متفاوت از نوشته های شوشی زمان کوتیر- این شوشیناک / پوزور است که فقط یک توالی سه علامت منفرد (نگاه کنید به زیر، نکته ۴,۶) احتمالاً مربوط به یک عنوان را در میان می گذارند. کتیبه های خطی ایلامی  $L, Z, F', H', I', K'$  و  $L$  از راست به چپ نوشته شده. اما خط کتیبه ای که نزدیک به آن نوشته شده است احتمالاً از چپ (شکل ۸، خط ۴) به راست نوشته شده است.



۴,۱- همه کتیبه ها به جز 'L، با یک یا دو علامت متفاوت شروع شده. احتمالاً قبلاً نامهای اشخاص در ابتدای کتیبه ها جا داشته است.

۴۰۲- در دومین بخش X, H, Z, که شامل ۴ علامت از راست به چپ می خوانند. ارزش فونتیک اولین علامت، šī بر اساس کتیبه های خطی ایلامی پوزور / کوتیر- اینشوشیناک شناخته شده است.

۴-۳- اگر شناسایی Šilhaha در سه متن (+ دیگر قطعات ریز که در اینجا منتشر نشده است) از دست نوشته های gunagi درست است، سپس نام سایر حاکمان متعلق بهسلسله Šimaškean یا Sukkalmah، همانطور که از خط میخی بین النهرین و منابع ایرانی آن شناخته شده است، ممکن است این فرضیه که در متون تحت بررسی ظاهر می شود اینجا وجود داشته باشد.

۴۰۴- در متون K'1, H'1, حرف ندای مقدماتی / واژگانی ه علامت ۲۳۱ با نام چهار یا پنج علامت دنبال می شود که همچنین در X1, Z, F, "، I, "2، J و k"2 ظاهر میشوند. این نام نه بار در بدنه (گوگانی) gunagi ظاهر می شود (شکل ۲۲ را ببینید) و در نتیجه کاملاً مهم به نظر می رسد.

۴-۵- شناسه های شماره ۲۳۰/۱۲۰/۱۱۹ به عنوان rī و شناسه بعنوان ša ۱۸۳ ممکنه تایید شوند:

\* تناوب در یک توالی بین علائم ۲۳۰/۱۲۰/۱۱۹ و ۷۲ برای نمایش یک ارزش مصوت شبیه یا نزدیک به ان است. همانطور که در بالا گفته شد، ارزش آوایی علامت ۷۲ احتمالاً r(i) است.

\* در یک دنباله نشانه نوشته شده در سه متن، علامت ۱۸۳ گاهی قبل از علامت ۱۸۵ انجام می‌شود، که ارزش مصوت احتمالاً (š) (u) است. در این حالت، علامت ۱۸۵ می‌تواند برای تاکید همخوان صدای š (š-ša) استفاده شود.

۶-۴- نام‌های موجود در ابتدای متن‌ها، دقیقاً بعد از علائم مقدماتی / آوازی، بارها دنبال شده‌اند احتمالاً توسط یک توالی از سه علامت که شاید بعنوان تیر و عنوان ثبت شده. این توالی تنها واحد معنایی مشترک است با مجموعه نوشتجات خط ایلامی شوشی پوزار/ کوتیر- اینوشیناک، جایی که مستقیماً پس از نام حاکم سوزایی نوشته شده است. شاید در اینجا نیز به عنوان سرفصل آمده. حتی اگر علائم استفاده شده برخی از انواع آشکار بین هر کتیبه را نشان دهند، به نظر می‌رسد که اولین علامت از این سه علامت متوالی در Z کاملاً متفاوت باشد.

۷-۴- در دو دنباله (نگاه کنید به شکل‌های ۲۰ و ۲۱)، یک نکته جالب تناوبی است که بین علائم ۹۶ و ۷۲ قابل مشاهده است، از آنجا که این توالی می‌تواند با علامت ۹۶ یا ۷۲ پایان یابد.

۸-۴- آخرین علامت دنباله‌ای که در شش متن نوشته شده است (X1، Y، Z، A، L و '1 و 'L) دو نوع را نشان می‌دهد (شکل ۲۰)، ۱۸۰ و ۱۴۹ (شکل ۳۷): همانطور که از علامت ۱۸۰ نیز در کتیبه شوشی D، پوزور / کوتیر استفاده شده است، متون Y، Z و L به نظر می‌رسد خیلی نزدیکتر از X، A و B به سنت کتیبه نویسی شوشی باشد.

۹-۴- یک دنباله از چهار علامت Z و K'2 نوشته شده است (شکل ۲۲) نوع متفاوت دیگری از علامت in نشان می‌دهد (شکل ۳۸). با این مقایسه، علائم ۲۸۳ و ۲۹۲ در K و A (احتمالاً ۲۳۵ را در F امضا می‌کنم) به نظر می‌رسد که متعلق به انواع غربی علامت in است در تقابل با انواع شرقی / کرمانی.

۱۰-۴ علاوه بر شناسایی نامهای Ebarat II و Šilhaha (و یا شاید نام Napiriša؛ ببینید در بالا، اظهارات ۲، ۴، ۳، ۴ و ۴، ۴) چندین نام در کتیبه های ظروف گوناگی مشخص نشده است (شکل ۴۰).

۱۱-۴ دو دنباله نشانه رابطه خاصی را بین علائم ۲۸۳/۲۹۲ (که نوعی از آن استورود؛ به یادداشت فوق ۹، ۴) و ۱۳۸/۱۳۷ نشان می دهد مراجعه کنید (شکل ۴۱). به نظر می رسد که نشانه ۲۸۳/۲۹۲ یا می تواند کتیبه باشد یا قبل از علامت ۱۳۸/۱۳۷ در دو نشانه متوالی، (شکل ۴۲)، یک کتیبه در X1، Y، Z، F، H2، I، K2 J2، دیگری در F، K2، بدون هیچ دلیل یا نتیجه ای که بتوانیم تشخیص دهیم. در این موارد، علامت ۲۸۳/۲۹۲ یکی از انواع گرافیکی نشانه IN است که شاید برای تاکید اوایی نشانه ۱۳۸/۱۳۷ استفاده می شده (شکل ۴۴) که ارزش مصوت یا صامت بودن آن n- (?) فرض شود.

۱۲-۴ چهار توالی علامت (دنباله ۱، ۲، ۳ و ۴ در شکل ۴۳)، به دلیل موقعیت آنها در انتهای متن یا گزاره ای احتمالاً نشان های کلامی را نشان می دهند (در زبان ایلامی / هتمتی، گزار کلامی معمولاً در آخر است).

### نتایج

ظروف مورد مطالعه در اینجا متعلق به یک پیاله های گوناگی منسجم است، (به شکل ۱۵ (a-d)) که بوسیله چکش و با الیاژ نقره (۹۳-۹۶٪ نقره و ۴-۷٪ مس؛ نت فنی پس از این مقاله) در ارتفاعات غربی ایران از سال ۲۰۵۰ تا ۱۸۵۰ قبل از میلاد که احتمالاً عمدتاً در مناسبت های خاکسپاری، شاید در مراسم تشییع جنازه مورد استفاده قرار گرفته شده اند. آنها ممکن است مانند دیگر ظروف (غیر منقوش) گوناگی متعلق به مجموعه محبوبیان، از گورهای (محوطه) سلطنتی سوکالماه که توسط بنجامین ابولقاسم محبوبیان

در حفاریهای تجاری که در تل مالیان-انسان در مناطق کامفیروز و بیضا صورت گرفته، آمده باشند. منابع اطلاعاتی مستقل همگی این انتساب زمانی را تأیید می کنند:

\* زمینه های باستان شناسی که در آن این نوع ظروف قرار دارد یافت شد،

\* ذکر آنها در متون میخی

\* تا حدودی، نمادنگاری از تصویر کشیده شده در ظروف با کتیبه های خطی ایلامی Y (علاوه بر دیگر مشخصات جالب دیگر)

\* و نامهای Šimaškean (شیماشکیان) و Sukkalmah (سوکالماح) حاکمان ذکر شده در کتیبه های میخی و خطی ایلامی نوشته شده در این ظروف، از جمله برجسته Kindatu، از جمله به ویژه کینداتو، Indatu (I)، Ebarat (II) (بارات)، Šilhaha (شیهاها)، Atta-hušu (اتا هوسا)، Temti-Agun (تمتی آگون) و Pala-Iššan (پالا ایسان). ظروف گوناگونی کتیبه ای با خط ایلامی مورد اشاره در این مقاله به این نکته اشاره دارد که Šilhaha (در X، H، F، "، ا و J)؛ Šilhaha همیشه با Ebarat II ذکر شده است و شاید خدای ناپیریزا (در X، Z، F، "، H، "، ا، J) و K؛ همیشه از Šilhaha و Ebarat II با (Napiriša). ذکر شده اند. پس از فتح شوش توسط Ebarat I از Šimaški از اور III حاکم ابی سین، در اواخر قرن بیست و یکم قبل از میلاد (مطابق با تاریخ شناسی میانه)، Šimaškean / Sukkalmah حاکمان و مقامات دربار آنها احتمالاً در آنجا کتیبه های خطی ایلامی متعلق به Puzur / Kutir-Inšušinak را دیده بودند. این آثار تاریخی ممکن است به عنوان منبعی الهام بخش بوده و میتواند توضیح دهد که چرا مورد استفاده برخی از حاکمان سوکالامه بوده و ظاهراً بطور جدی از خط نوشتاری ایلامی برای ثبت و ضبط متون زبان های ایلامی/هتتیت مورد استفاده قرار می گرفته.

در مورد مطالعه کتیبه های خطی ایلامی که روی ظروف gunagi نوشته شده است، یک رویکرد "کلاسیک" برای تولید اوایی فرضی برای شناسایی علائم دقیق و مناسب برای اسامی بوده است (نگاه کنید به بالا، اظهارات ۲، ۴، ۴). این رویکرد است مشابه برا مثالهایی از قبیل، شناسایی S. de Sacy برای شناسایی نامهای Papak (پاپک)، Ardešir (اردشیر) و urapur (اوراپور) در کتیبه های فارسی پهلوی میانه در سال ۱۷۸۷ یا G. F. شناسایی گروتفند در ۱۸۰۲/۱۸۱۵ به نام های هیستاسپ، داریوش اول و خشایارشا را با سیستم میخی فارسی قدیمی نوشتیم. متأسفانه عده ای از مردم شناسان برای هر گونه تلاش در مورد رمز گشایی نامهای مستعار سلسله ها مخالفت کردند (توجه ۱۰، ۴). فرضیه اصلی آنها در رابطه با نام حاکمان Šimaškean (شیماشکیان) و Sukkalmah (سوکلاماه) و افسران عالی رتبه ای که در منابع خط میخی آمده است خواهد بود (مانند (گرینامه) Girname، (تازیتا) Tazita، (کینداتو) Kindatu، (اینداتو) Imazu، Indatu، (ایمازو)، (اینداتو-نایپر) Indatu-napir، کیتن-راکید / tab pi، (اینداتو تمی) Indatu-temti، (تان روحوراتر)، (هوتران تمی) Hutran-temti، (هوندهیاهر) Hundahiaher، (اماتداک) Ammatedak، -Atta hušu (عطا هوشو)، (تمی آگون)، Pala-iššan (پالا-ایشان)، -Kuk Kirm (کوک-کیرم)، (واس) waš، (کوک سانیت) Kuk-Sanit، -Tem ) Sanit (تم سانیت)، (کوک ناهندی) Kuk-Nahundi، (کوک ناسور) Kuk-Našur یا Tetep-mada (تپ مادا) یا نام خدایان ذکر شده در Naram-Sin (مانند B / Pinikir، Hutran، Nahunte یا (Hu(m)ban که باید نام خدایانی نظیر Kiririša یا Ruhurater به آن اضافه شود. در کتیبه های خطی ایلامی اصلاحات مناطق سیاسی و حکمرانی نظیر (شیماشکی)

meni, temti یا Hatamti و نیز بعضی سر فصل ها مانند Anšan , Šimaški و lik/gam/we rišaki, ruhu-šak و کلماتی مانند گوناگی (gunagi) باید در نظر گرفته شود.

شکل ۴۴ مقادیر علامت خطوط ایلامی را نشان می دهد که اکنون می تواند براساس شناسه Šilhaha (II), Ebarat و شاید Napiriša که در بالا مورد بحث قرار گرفته پذیرفته شود. بر اساس این لیست ، نوشتار خط ایلامی ممکن است مشخصات جالبی را نشان دهد:

شکل گرافیکی برخی از علائم ممکن است مرتبط با ارزش اوایی آنها باشد بعنوان مثال علائم  $\dot{s}$ ,  $\dot{i}$ ,  $\dot{u}$  perhaps (شکل ۴۵ را ببینید). بطور فرضی با همان ارزشهای همخوان ، این چهار علامت همچنین یک سری شباهت های گرافیکی را نشان میدهد که بیانگر این مطلب است که آنها از دو یا سه حرکت عمودی ساخته شده اند و معمولاً با نقطه نشانه گذاری شده اند. این ویژگی ها ، ممکن است نشانه گرافیکی خط ایلامی مصدای  $\dot{s}$  باشد. برخی از شباهت ها نیز ممکن است بین علائم  $\dot{r}$  (i) و  $\dot{r}$  (i) مشاهده شود یا برعکس *in* و *na* کاملاً متفاوت باشند.

شواهد ارائه شده در این مقاله نشان می دهد که میتوان ظروف گوناگی موجود در مجموعه Mahboubian را به عنوان صایع دستی اصلی در نظر گرفت. این شواهد به صورت تایی- گاهشناسی و ملاحظات نمادین ، تجزیه و تحلیل های فیزیکی و شیمیایی است ، آخرین موضوع ولی به همان اهمیت ، دنباله ای ثابت از علائم خط ایلامی که کاملاً با متن اصلی خط ایلامی شوشی متفاوت است. رسیدن به رمزگشایی کامل متن خط ایلامی (LE) و نیز کتیبه های موجود در این ظروف به خودی خود دستاوردی بزرگ

است. علاوه بر این ، این می تواند جزئیات گرانمایی را در مورد درک انتقال ضعیف بین سلسله های شیماشکیان و سوکالما ارائه دهد.

### منابع

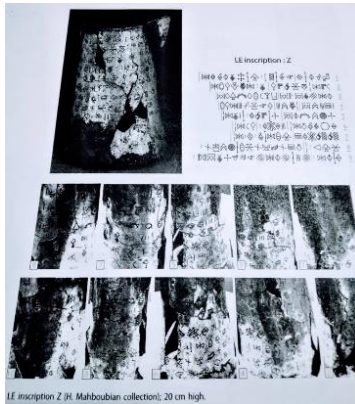
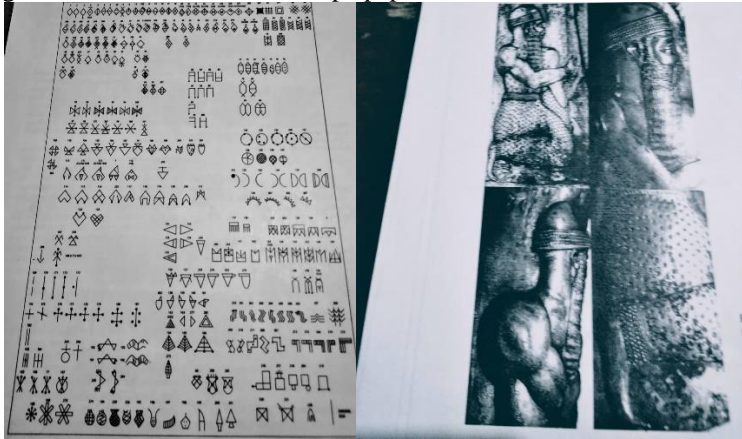
- Abdi, k, Nationalism, politics and Development of Archaeology in Iran., American Journal of Archaeology 105,no.1,(2001):51-76
- Amiet, p."Bactriane Proto-Historique."Syria 54, no.1/2(1977):89-121.
- Andre, B. and M.Salvini."Reflexions sure puzur-inshushinak."Iranica Antiqua 24 (1989):53-78.
- Arnold, D., Ed.Ancient Art from the Shumei Collection.New York: The Metropolitan Museum of Art, 1995.
- Askarov, A.Sapalli-tepe.Tashkent, 1973.
- Basello. G. P. Akkadian and Elamite inscriptions in Mahboubian 2004 (EAC 7-11), personal communication, 2016.
- Beck, u., M.Wagner, X.Li, D.Durkin-Meisterernst and P.E.Tarasov."The Invention of Trousers and it's Likely Affiliation with Horseback-Riding and Mobility:A Case study of Late 2nd Millennium B.C Finds From Turfan in Eastern Central Asia "Quaternary International 348 (2014):224-235
- Bellelli, G.M. Vasi iranici in metallo dell'Eta' Del Bronze.prahistorische Bronzefunde, abteilung II, band 17.Stuttgart: Franz Steiner Verlag, 2002.
- Benoit, A. Les civilisations du Proche-Orient ancien.Paris: Petits Manuel's de l'Ecole du Louvre, 2001.
- Calmayer, P. Datierbare Brozen aus Luristan und kirmanshah. Untersuchungen zur Assyriologie und Vorderasiatische Archalogie 5.Berlin: Walter de Gruyter, 1969.
- Contentau, G.and R.Ghirshman.Fouilles du Tepe Giyan, pre's de Nehavand, 1931 ET 1932.Musee du Louvre.De'partement Des antiquities orientales, Se'rie archeologique time III.Paris: Paul Geuthner, 1935.
- Cross, G., L.Heuzey and F.Thureau-Dangin.Nouvelles fouilles de Tello.Paris: Ernest Leroux editeur, 1910.
- Dahl, J, L."Early Writing in Iran, a Reappraisal." Iran 47 (2009):23-31.
- Dahl, J.L."Early Writing in Iran ".in the Oxford Handbook of Ancient Iran, edited by D. T.Potts, 233-262.Oxford: Oxford University Press, 2013.
- De Graef, k."Annus simashkensis, l'usage Des noms d'annee pendant la periods simashkeenne (can.1930-1880 av.notre ere) a suse."Iranica Antiqua 43 (2008): 67-87.
- De Mecquenem, R. "Notes protoelamita." Revue d'assyriologie ET d'archeologie orientales 5o (1956): 200-204.

- De Mecquenem, R. "Trouvaille de la statuette d'or." *Memoires de la Delegation en Perse* 7 (1905):131-136.
- De Miroschedji, P." Le dieu Elamite Napirisha. " *Revue d'assyriologie et d'archeologie orientale* 74, no.2 (1980):129-143.
- Dessert, F. "A New Writing System Discovered in 3rd Millennium BCE Iran: the Konar Sandal 'Geometric' Tablets." *Iranica Antiqua* 49 (2014): 83-109.
- Desset, F."Here Ends the History of Elam: Toponymy, Linguistics and Cultural Identity in Suse and South - Western Iran, ca.2400-2800 BC." *Studia Mesopotamica* 4 (2017):55-86.
- Desset, F."Linear Elamite Writing "the Elamite World ,edited by J.Alvarez-Mon,G-p.Basello and Y.Wicks,397-415.Routledge World Series ,Taylor and Francis,2018.
- Desset, F.Premieres ecritures Iraniennes: Les systems protoelamite ET Elamite linear .Series Minor n 76 .Naples: Dipartimento di studi Asiatici, University degli Studi di Napoli "L ' Orientale", 2012.
- Faieta, R., G.Guida and Vidale."A Preliminary Note on the Metallography and Chemical Analysis of Silver Samples from the Mahboubian Collection, London." *IRAN*.doi:10. 1080/05786967.2018.1500665.
- Farber, W.Eine elamische Inschrift aus der 1.Halfte Des 2.Jahrtausends." *Zeitschrift fur Assyriologie und Vorderasiatische Archalogie* 64 (1975):74-86.
- Freeman, D.Splendors of the Ancient East: Antiquities from the al-Sabah Collection.London: Thames and Hudson, 2013.
- Gale, N.H and Z.A.Stos-Gale."Ancient Egyptian Silver." *the Journal of Egyptian Archaeology* 67(1981):103-115.
- Glassner, J.-J."Les premiers sukkalmah ET Les derniers rois de Simashki."In Susa and Elam.Archaeological, Philological, Historical and Geographical perspectives (proceedings of the International Congress Held at Ghent University, December 14-17, 2009), edited by k.de Graef and J.Tavernier, 319-328.2013
- Glassner, J.J"une inscription inedite du sukkalmah Temti-Agun 1. In *My life the summer Rose*, 323-324.2014.
- Grillot, F.le, suhter, royal de suse. *Iranica Antiqua* 18(1983):1-23
- Grillot, F.le Monde d, en bas en sussiane.*Revue d, Assyriologie ET d'archeologie orientale* 94(2001):141-148.
- Grillot, F.L, elamite.de grammaire.paris.2008.
- Haerinck, E and B.Overlaet.the kalleh Nisar bronze age graveyard in pusht-i kuh.luristan.vol.7.Royal museums of art and History, 2008.
- Hansen, D.k.c.Lefferts and S.M.Alexander.A proto Elamite silver.metropolitan museum journal 3. (1970):5-26.



- Hansen S.and.B Helping.Metallurgie und Wissenstransfer.  
۵۸/۲۰۱۶-۴۱
- Helwing.B.silver in the Early state societies of Greater Mesopotamia.Band.11,  
LL, 2014 and  
Metal vessels.
- Heidary.m.Desset and m.vidal. Bronze Age Glyptics of Eastern jazmurian  
.iran.no.1.2018.133-153.
- Herzfeld.E, Iran in the Ancient East.1941.
- Hiebert.f.t.Central Asia and Indio, Iranian.Iran30, 1992:1-15.
- Hinz, w.Archaologische mitteilungen aus Iran 4, 1971.21-24.and Iranica Antiqua  
2, 1962, 1-21... Elamische.iran.1987.
- Ingaki, H.A study on the BMAC style silver cups of Miho Museum 1. 7, no.8,  
2008, 111-136.
- Mackay, E.chanhu-Daro Excavations.1943.
- Madjdzadeh, y.Jiroft Tablets and the origin of the Linear Elamite Writing  
system.3rd Millennum BCE.217-243.2011.
- Mahboubian, H.Elam, art and civilisation of Ancient Iran.3000-2000 B.c.2004.
- Meyers, p.Technical study.in silver vessels of the sasanian.vol.1...1981.
- Meriggi, p.La scrittura proto-elamica.1.1971.
- Mohammadifar, Y.A.Dailar.and Hasanlu.pre Islamic Bronze objects of Ecbatana  
Museum.45, 76.2013.
- Moorey, P, R.Ancient Mesopotamia n Materials and industries.1994.
- Muller, Karpe, M.Aspects of Early metallurgy in Mesopotamia.1991.
- Der silberbecher Des konigs ebarat.14 2012,195.202.
- Zum 2.orient, Archalogie band 3, 2004.
- Nesafati.Early silver.in Iran.37.46.2012.
- Oudbashi.Analysis of some. Silver alloy.wester iran.419.434 2015.
- Pittman. Reconsidering the trouvaille de la statuette d'or.176...191.2003.
- Pop.m.the story of Decipherment.1999.
- Salvini.Elam.330.332.
- Scheil, v.textes Elamite.semitiques.6.1905. 10.1908.14.1913.26.1935.
- Schmidt.s.j.Achaemenid silver.429.442.2010.
- Steve.Elam.1.9.1991...and.Le syllabaire protoelamite.73.86.2000.
- Stolper, M.W.Elamite.world, Ancient languages.60...94.2004. and., on the  
Dynasty of shimashki.42.67.1982.political history.in elam.vol.25.1984
- Tallon and thornton.about Elam .1992.2009.
- Vallat, F.the Most Ancient ...iran.1986.335.347. And.le palais Elamite de  
suse.1999.33.43.
- Temti-Agun 1.2007.73.83.

Texted historiques Elamites.2011.  
 Vanden berghe.psleis. Der Academien.1968.  
 Vidale civilisation of Central asia.2017.  
 Winkelmann.1999.23...32.  
 Alt elamischer.  
 Young Jr t.c.excavations at Godin tepe.paper 17.1969.



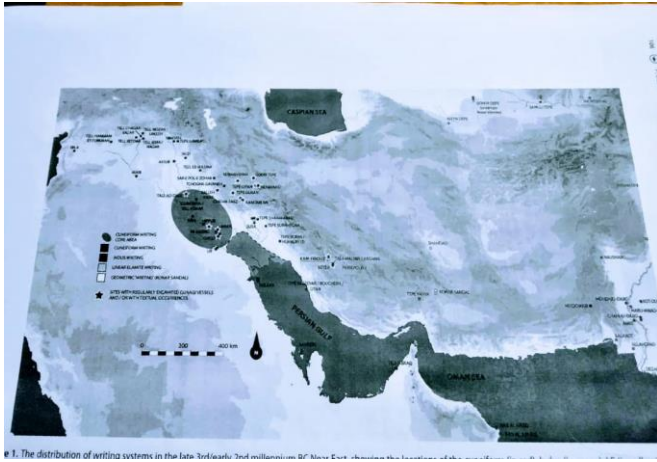


Figure 1. The distribution of writing systems in the late Neolithic to 3rd millennium BC. Near East. (Adapted from the literature)

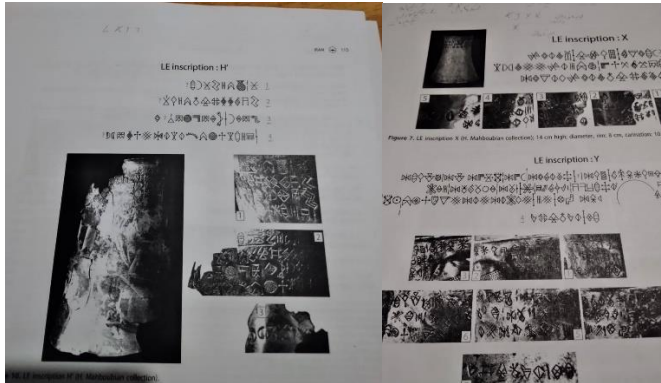


Figure 2. LE inscription X (Makhdouk collection). LE on high diameter, ca. 6 cm, diameter: 10 cm.



## نگرشی بر اسطوره شناسی در ایران باستان

زهره صید مرادی<sup>۴۷</sup>

### چکیده

اساطیر نشان دهنده ی فرهنگ و نحوه ی تفکر مردمان در دوران های کهن و زبان گویای تاریخی است از دوران های پیش تاریخی. اساطیر نماینده ی تداوم زندگی فرهنگی یک ملت و به نوعی تاریخ آن است. اسطوره یک روایت و بیان نمادین است. این بیان می تواند نوشتار، تصویر، هنرهای نمایشی و حتی موسیقی باشد. بنابر متون اساطیری، پیشدادیان اولین سلسله تاریخ ایران هستند که نسبتشان به کیومرث می رسد. این سلسله از شاهان، تمدن بشری را برای ایرانیان به ارمغان آورده اند و توانستند آتش و بهره گیری از فلزات و سایر جانداران و اسیر نمودن دیوان را در کارنامه خود ثبت کنند. این دوره اساطیری از کیومرث آغاز و به گرشاسپ ختم می شود. تاریخ اساطیر بخشی از فرهنگ دیرین اقوام و تمدن ها است. شاهنامه یکی از شاهکارهای بزرگ تاریخ اساطیری ایران است که فردوسی شاعر بزرگ ایران، این اثر ارزشمند را در مدت سی سال به نظم کشیده است. از این رو آشنایی با اساطیر و اسطوره شناسی می تواند با اهمیت قلمداد گردد. در این مقاله تلاش شده تا یافته های علمی مرتبط با تاریخ اساطیری ایران و نیز بخشی از نماد های اساطیری ارائه شود.

**واژگان کلیدی:** اسطوره ، حماسه، افسانه، پیشدادیان، میترا، گیلگمش.

<sup>۴۷</sup> - دانش آموخته رشته باستان شناسی.

**مقدمه:** اسطوره کلمه‌ای مقرب است که از واژه‌ی یونانی هستیوریا، به معنی جستجو، آگاهی و داستان گرفته شده است (حریریان، ۱۳۷۷: ۵۳). برای بیان مفهوم اسطوره در زبان‌های اروپایی از بازمانده واژه یونانی میتوس به معنی شرح خبر و قصه است. در انگلیسی به شناخت این دانش، (mythology) و در فرانسه (mythologie) گفته می‌شود. ارائه تعریف کاملی از اسطوره که در برگیرنده‌ی همه مفاهیم آن باشد کار آسانی نیست در فهم عامه و در برخی از فرهنگ‌ها، اسطوره معنی «آنچه خیالی و غیر واقعی است و جنبه افسانه‌ای محض دارد» یافته است. به هر حال اسطوره یک روایت است که با قدسی بودن رابطه‌ای تنگاتنگ و به عبارتی سرشته شده است. در برخی منابع اسطوره، دارای سرگذشتی راست و مقدس و حقیقی است ولی افسانه سرگذشتی ناراست و غیر واقعی و غیر مقدس است (هوار، ۱۳۷۹: ۱۵). در بخش دیگری از این کتاب آمده است: «اسطوره گونه‌ای از بازگویی است که با آئین بستگی دارد و برداشت مشترک ذهن دسته جمعی و شاید ناآگاهانه گروهی از مردمان را منعکس می‌کند» همان: ۱۶).

**منابع اساطیری:** مطالعه و شناخت اساطیر در دوران پیش از اسلام از منابع مختلفی امکان پذیر است. دیگر متون ایرانی اوستا به ویژه متن‌های کتاب یشت اوستا هستند که به ایزدان ایران حتی پیش از زرتشت نیز پرداخته‌اند. نخستین متون و نوشته‌ها، آثار هندی مکتوب مانند مه‌بهاراتا و پورانا و پانیشاداها و نیز متون ریگ و دوا هستند که برخی متون آن‌ها به دوره همزیستی ایرانیان و هندیان و یکسانی آرا و عقایدشان بازمی‌گردد. همچنین متون یونانی و آشوری و بعد هم ارمنی گزارش‌های فراوانی از اسطوره‌های ایرانیان در خود دارند.

**حماسه:** حماسه نیز روایت ادیبانه (نظم و نثر) حوادث با ساختارهای نمادین است که در آن قهرمانان، با جدال و کشمکش طولانی در پی تعالی خویش و هموعان خویشند و در خلال این کوشش مداوم اعمال و اطوار، آرزوها و آرمان‌های آنان با زبانی فخیم توصیف می‌شود. بهمن سرکاراتی از فرهنگستان زبان و ادب فارسی معتقد است: بنیاد حماسه به طور کلی بر اساس سرگذشت انسان و ستایش شکوهمندی و سرافرازی مرد یل و پهلوانان استوار شده است [و بدون در نظر گرفتن وجه اسطوره‌ای یا تاریخی آن] حماسه در پی بازگویی واقعیت‌هایی است که بی‌زمان جهانی‌اند و ذهن گروه نسل‌های بشری، بر مبنای ارزش‌های خاص روانی چون مهر و کین و دلبری و... پرداخته شده‌اند و هر کدام یا مجموعه‌ای از آن‌ها در نهایت به صورت یل و پهلوانی تجسم پیدا می‌کند.

**اسطوره:** شخصیت‌های اسطوره را موجودات ما فوق طبیعی تشکیل می‌دهند و همواره هاله‌از تقدس، قهرمان‌های مثبت آن را فراگرفته است (حریریان، ۱۳۷۷: ۵۱). حوادثی که در اسطوره نقل می‌شود همچون داستان واقعی تلقی می‌گردد زیرا به واقعیت‌ها برگشت داده می‌شود و همیشه منطقی را دنبال می‌کند اسطوره گاهی به ظاهر حوادث تاریخی را روایت می‌کند، اما آنچه در این روایت‌ها مهم است صحت تاریخی آن‌ها نیست بلکه مفهومی است که شرح این داستان‌ها برای معتقدان آن‌ها در بر دارد، و همچنین از این جهت که دیدگاه‌های آدمی را نسبت به خویشتن و جهان و آفریدگار بیان می‌کند دارای اهمیت است.

**اسطوره‌های نیمه تاریخی:** عبارت است از تحول و تکامل حوادث و وقایع ابتدایی و همچنین شرح کارهای فوق‌العاده‌ای که به دست آدمیان زورمند انجام گرفته و اندک اندک شاخ و برگ یافته و به صورت داستان‌هایی پر از عجایب و غرایب درآمده‌اند به تدریج هاله‌ای از تقدس دینی به دور آن‌ها حلقه زده و جنبه الوهیت پیدا کرده‌اند.

اسطوره واکنشی از ناتوانی انسان است در مقابله با درماندگی‌ها و ضعف او در برآوردن آرزوها و ترس او از حوادث غیر مترقبه به این صورت که همه ویژگی‌های یک موجود خارقالعاده را به او نسبت می‌دهند و به تدریج با این ویژگی‌ها، قهرمان از صورت موجود بشری عادی خارج می‌شود. از سوی دیگر اسطوره تجسم احساسات آدمیان است به گونه‌ای ناخودآگاه بره‌ی تقلیل‌گرفتنی‌ها یا اعتراض به اموری که برای ایشان نامطلوب و غیرعادلانه است و چون آن را تکرار می‌کنند آرامش به آن‌ها دست می‌دهد (پیرنیا، ۵۵: ۱۳۸۳).

اسطوره همچنین نشانه‌ای از عدم آگاهی بشر است از علل واقعی حوادث انسان به پیروی از تخیل خود برای رویدادها علت و انگیزه می‌تراشد و به این ترتیب تخیل را با واقعیت‌ها پیوند می‌دهد.

همان‌طور که فرهنگ‌ها با هم آمیخته می‌شود اسطوره‌ها هم با هم می‌آمیزند و اسطوره‌هایی جدید را به وجود می‌آورند و تغییر جا و زمان می‌دهند اسطوره‌های ایران نیز همگی از یک زمان نیستند و به دوره‌های مختلف تعلق دارند (زنجانی، ۱۳۱۳: ۸۰). در نهایت می‌توان گفت اسطوره چیزی نیست مگر دانش یا تاریخ ابتدایی یا تجسم تخیلات ناخودآگاه یا هر راه حل دیگری که فعلاً مطلوب باشد (روتون، ۱۳۷۸: ۳).

### بررسی اجمالی اسطوره‌ها در ایران

هرچند که روش مذهب و پرستش آریایی‌ها بر بزرگداشت و جنبه خدابخشی به عناصر طبیعی مبتنی بود اما به طور کلی در مورد مراسم مذهبی و آئین و امور طبیعی و فوق طبیعی آرای تشکیلات ویژه‌ای نبودند و شاید پرتوهایی بودند بسیار محدود و در هم از تاثرات درونی آدمی که به وسیله انگیزش رویدادهای خارجی ایجاد می‌شد. اندکی نگذشت که اندیشه‌ی خیال‌پرداز و فعال آدمی برای روشن نمودن وضع این عناصر مبهم به فعالیت پرداخت و ایزدان به زودی وسیله قیاس به نفس انسان‌ها، به صورت



شخصیت‌هایی درآمدند. انسان منش با احساسات و نیازمندی‌ها و شمایل‌ات آدمیان (رضی، ۱۳۸۲: ۱۳۲). این افراد یا ایزدان به ترتیب از دو جنس مخالف یعنی مذکر و مونث بودند و با روابط زناشویی و بارآوری به هم مرتبط می‌شوند.

**همبستگی مردمان ایران و هند در عهد باستان:** مردم دوران باستان ما همچون با مردم دوران باستان سرزمین هند همبستگی بسیاری داشتند این موضوع به خصوص در زبان اسطوره‌ها و مسایل مربوط به آیین‌های آن‌ها آشکارا دیده می‌شود که گویای همزیستی طولانی ایرانیان و هندوان آریایی نژاد است. موضوع عمده اساطیر ایران ثنویت است این موضوع در تاریخ دوازده هزار ساله اساطیری ایران به خوبی نمایان است (خدادیان، ۱۳۸۳: ۶۲). برای کنکاش در این زمینه باید منابع هنری، اوستایی، مانوی، پهلوی - عربی و فارسی نگاره‌ها و نوشته‌های مورخان غیر ایرانی را بررسی نمود. کنش و آیین ایرانیان پیش از پیشدادیان زروان پرستی و پس از آن مهرپرستی بود (رضایی، ۱۳۸۰: ۴۰). آفرینش بنابر باورهای ایران باستان در محدوده دوازده هزار سال اساطیری انجام می‌گیرد این دوازده هزار سال به چهار دوره‌ی سه هزار ساله تقسیم می‌شود. در دوران نخستین، عالم، مینوی و دوران‌های بعد مینوی و گیتی (مادی - جهانی - ملموس - این جهانی) است.

در سه هزار سال اول که جهان مینوی است و هنوز نه مکان هست و نه زمان، جهان فارغ از زمان و حرکت است، از دو «هستی» سخن به میان می‌آید یکی جهان متعلق به اورمزد که پر از نور، زندگی، دانایی، زیبایی، خوشبویی، شادی و تندرستی است هم جهان و بی‌متعلق به اهریمن که تاریخ و زشت و مظهر نابودی است اورمزد نخست امشاپسندان را می‌آفریند.

سپندمینو به معنی روح افزایش بخش و نماد اصلی اهورامزدا و روح و اندیشه او به شمار می‌آید (خدادادیان، ۱۳۸۲: ۶۳). دیگر تجلیات اورمزد بهمن (و هومنه) به معنی اندیشه نیک است که در طرف راست اهورامزدا می‌نشیند و نقش مشاور او را دارد موکل و پشتیبان حیوانات سودمند در جهان است اردیبهشت (ارته و هشیته)<sup>۴۸</sup> بهترین رشد است که زیباترین امشاپسندان و نمادی است از نظام جهانی قانون ایزدی و نظم اخلاقی در این جهان شهریور (فشتروئیریه)<sup>۴۹</sup> به معنی شهر یاری و سلطنت مطلوب است او مظهر توانایی - شکوه، سیطره و قدرت آفریدگار است و در زمین نماد سلطنت مطابق میل و آرزو و در جهان مینوی فرمانروای بهشتی است اسپنداروند، (سپننه ارمیتی) به معنی اخلاص و بردباری مقدس است با نمادی زنانه دختر اورمزد به شمار می‌آید و در انجمن آسمانی در طرف چپ او می‌نشیند چون ایزد بانوی زمین است و به چارپایان چراگاه می‌بخشد. خرداد (هئوروتان به معنی تمامیت کلیت و کمال است و مظهری است از نجات برای افراد بشر، آب را حمایت می‌کند و در این میان شادابی گیاهان مظهر اوست این امشاپسند مونث است. فره وشی‌ها نیز فرشتگان نگهبانند و مرغنه که «ایزد پیروزی» است و «باد» آسمان وزم (زمین) نیز مظاهری از ایزدان است (هوار، ۱۳۷۹: ۱۹۶). امرداد (امرات): به معنی بی‌مرگی است و تجلی دیگر از رستگاری جاودانی با گیاه و پژمرده نشدن آن ارتباط دارد این امشاپسند مونث است.

اما ایزدان در متن‌ها با تصویر پردازی‌های اساطیری توصیف شده‌اند (خدادادیان، ۱۳۸۲: ۶۶). گرچه گاهی توصیفات بشری نیز دارند. و ویژگی‌های ایزدی آن‌ها و رای انسان‌هاست مانند ایزدمهر که هزار گوش و ده هزار چشم دارد یا بهرام که به صورت‌های

<sup>۴۸</sup> - Arta - Vahishta

<sup>۴۹</sup> - Khshathara - variya

گونگون در می‌آید خدایان مهم بر گردونه سوارند. گردونه‌هایی با چهار اسب، اسب‌ها غالباً تناسبی با خدای گردونه‌دان دارند مثلاً چهار اسب گردونه آناهیتا ابر، باران، برف و تگرگ هستند.

**میترا:** در هند دوران ودایی او به صورت میتره با مفهوم پیمان و دوستی ظاهر می‌شود وظیفه مهم او نظارت بر پیمان‌هاست حتی پیمان میان اورمزد و اهریمن که پیمان آفرینش است همچنین پیمان میان آدمیان (پیمان میان زن و مرد یا دو کشور) او پیش از خورشید ظاهر می‌شود و همراهی او با خورشید باعث شده بعدها مهر معنی پیدا کند دارند. دشت‌های فراخ و هزارگوش و هزار چشم و بازوانی بلند و توانا جای او بالای کوه البرز است بر تن زرهی زرین، بر دوش پسری سیمین و در دست گریزی گران دارد (بهار، ۱۳۶۲).

**ناهید:** ایزد بانوی بسیار برجسته که قدمت ستایش او به پیش از زرتشت هم می‌رسد سوره یا سورا نام دیگر آناهیتا به منی نیرومند و پر زور است و آناهیتا پاکی و بی‌آلایشی معنی می‌دهد. اردوی هم به معنی رطوبت در آغاز نام رودخانه مقدس بوده است و به پیروزی از اصل شناخته شده اساطیر نام گرفته نام رودخانه شخصیت خدایی پیدا کرده این ایزد بانو با صفات نیرومندی، زیبایی، خردمندی به صورت الهه عشق و باروری می‌آید زیرا چشمه حیات از او می‌جوشد و به این گونه "مادر" خدا می‌شود او همتای ایران آفرودیت الهه عشق و زیبایی در یونان و اشتر الهه بابلی به شمار می‌رود او از فراز ابرهای آسمان به فرمان اورمزد باران و برف و تگرگ می‌باراند نطفه مردان را پاک می‌کند و زهدان زنان را برای زایش آماده می‌کند او بر کرانه هر دریاچه‌ای خانه‌ای آراسته با صد پنجره درخشان و هزار ستون خوش تراش.

## دیگر خدایان اسطوره‌ای

از خدایان دیگر اسطوره‌ای می‌توان به تشیتر (خدای باران) اشاره نمود. رپیتوین (نیمروز)، بهرام (خدای جنگ) وای (باد) ریش (عدالت) سروش (اطاعت و فرمانبرداری) اشی (ایزد بانوی دانش، آگاهی و فرزاندگی)، آذر (آتش، روشنی)، هوم (سرور گیاهان)، زروان (ایزد زمان)، زیوسنگ (پیام آور اورمزد و نمونه کامل نری و مردانگی) اریا من (نام ایزد دوستی و پیوند آرامش، نخستین پزشک مینوی) بغ (ایزدی که خوشی و شادی را تقسیم می‌کند)، انغزران (ایزد روشنی بی‌پایان، باد: ایزدی با صفت پیروز - آکان ایزد نگهدارنده، سپهر و وظیفه، زندانی کردن اهریمن را دارند. خورشید همیشه اورمزد - زامیاد موکل زمین و... (خدایان، ۱۳۸۲: ۷۶ - ۷۹). در سه هزار سال دوم اورمزد شش پدیده اصلی آفرینش را می‌آفریند، آسمان، آب، زمین، گیاه، جانور، انسان. اورمزد آسمان را روشن و بسیار پهناور می‌آفریند ایرانیان باستان آن را از سنگ و سپس فلز انگاشته در تشبیه چون سفیده تخم مرغ فرض شده که زرده در میان آن است و یا پرند‌ای که تخم خود یعنی زمین را زیر بال گرفته (دلکور، ۱۳۷۸).

پیش نمونه آب به صورت یک قطره و به پهنه همه آب‌ها، پیش نمونه زمین، زمین گرد و هموار بدون هیچ پستی و بلندی در جاهایی سخن و در جاهایی نرم - پیش نمونه گیاه به صورت یک شاخه در برگیرنده همه گیاهان عالم، پیش نمونه گاو «ایوداد» به معنی یکتا در کناره راست رودخانه وه دثی<sup>۵۰</sup> در ایران ویج آفریده می‌شود.

## تاریخ اساطیری ایران

پیش نمونه انسان کیومرث به معنی «زنده میرا» که درخشان مانند خورشید که بالایش به اندازه چهار نای و پهنایش به اندازه بالایش در سمت چپ رودخانه دایتی آفریده می‌شود

<sup>۵۰</sup> (رودخانه اساطیری در سرزمین ایران) - veh daiti

و از نطفه کیومرث که به زمین ریخته می‌شود پس از چهل سال شاخه‌ای ریواس می‌روید که دارای دو ساق است و پانزده برگ این پانزده برگ مطابق با سال‌هایی که مشیه<sup>۵۱</sup> و مشیانه<sup>۵۲</sup> نخستین زوج آدمی در آن قرار دارند مشیه و مشیانه دارای هفت فرزند می‌شوند نرد و ماده، با وصلت هر کدام روانه هفت کشور می‌شوند مشیه و مشیانه در صد سالگی می‌میرند، به روایت شاهنامه تاریخ اساطیری ایران با کیومرث شروع می‌شود. پیشدادیان قدیم‌ترین خاندانی هستند که در افسانه‌ها ذکر آن‌ها آمده (خاندان پرذاته) (کیستین سن، ۱۳۷۹: ۱۶) نخستین پادشاه آن در اوستا هئوشی بن غه نامیده شده در فارسی به هوشنگ بدل شده کشف آتش را به او نسبت می‌دهند. از امیر پادشاهان این سلسله طهمورث - جمشید - ضحاک، کاوه - فریدون، سلمه، تور و ایرج، منوچهر، آرش - گرشاسب - نوزر - زو - آلت - جنبه اساطیری رویدادها در دوره کیانیان نسبت به دوره پیشدادیان کمتر است سلسله کیانیان به طور واضح تری جنگجو هستند.

شاهان این سلسله همگی لقب کش دارند دوران فرمانروایی خاندان کیانی به دو بخش تقسیم می‌شود: (حدادیان، ۱۳۸۲: ۱۰۶) از کیقباد تا کیخسرو: و از لهراسب تا آخر کیانیان پادشاهان کیانیان به ترتیب (زنجان، ۱۳۱۳: ۴۴۳): کی قباد - کی کاووس - کیخسرو - لهراسب - گشتاسب - داراب و اسکندر در مثال‌های دینی سه هزاره دوم در میانه‌های دوران لهراسب به پایان می‌رسد.

### برخی نمادها در تاریخ اسطوره ای

#### الف) جانوران :

اسب: hourse در نماد اسلامی شادی و سلامتی است در دیگر ملل عقل و خرد است

<sup>۵۱</sup> - Mashya

<sup>۵۲</sup> - Mashyane

شتر (Camel): در ایران تداعی گر اژدهاست.

خرگوش Rabbi: حیوان قمری، خرگوش و خرگوش صحرايي هر دو در ماه زندگي می‌کنند و تداعی گر ایزد بانوان ماه و مادران زمین هستند به معنی وثیقه عشق و نماد باروری کمرویی و بادپایی است.

خوک (Swine): یا گراز نماد باروری و شهوت و خشم و ناپاکی است

شغال (Jackal): هر شب و هر روز دیده می‌شود گورستان را تداعی می‌کند.

بره Lamb: نجابت، بره همراه شیر مظهر قلمر بهشتی است.

بز Gout: طبیعت مذکر؛ وفور نیروی حیاتی، انرژی آفریننده؛ بز می‌تواند با نمادهای غزال یا بز کوهی جا به جا شود

گاو نر Bull جان جهان، در ایران نیروی تولید مثل، او تداعی گرما، و ابرهای باران‌زا برای باروری، گاو نر نخستین حیوان آفریده شده بود که اهریمن او را کشت از جان گاو نر نطفه آفرینش بعدی خارج شد گاو نر، شور نماد خورشید و احیای خلاقانه بهار است.

گوزن (Deer) به کرات در کنار درخت حیات تصویر شده مظهر شمسی، تجدید حیات، آتش و سپیده دم و پاکی است

خرس (Bear): زندگی تازه، نشانه پادشاهی در ایران و روسیه خرس همچنین نماد مثبت و منفی و نرمادینگی است

فیل Elephant قدرت، وفاداری، حافظه بلند مدت، شکیبایی، فیل شمسی است. پلنگ (Leopard): بی‌رحمی و تهاجم - اهریمن و گناه - نفس اماره

شیر (Lion): هم شمسی است و هم قمری هم خوب و هم بد در نقش شمسی معرف گرمای خورشید، شکوه، نیروی نیمروزی خورشید، اصل آتشین، عظمت، قدرت، دلیری، شهامت اخلاقی، قدرت نظامی با شاه یا درندگان است، شیر نماد جنگ و نشانه ایزدان است در نقش قمری شیر ماده است ملازم مادر کبیر یا کشانده ارابه اوست و مشخصه غریزه مادری است. شیر

پاسدار دروازه‌ها است شیر بالدار یا گرینون مظهر طبیعت دو گانه یاد و جسمی است در اسلام شیر حفاظت در برابر شر است (کوپر، ۱۳۷۸: ۲۲۴).

کژدم: Scorpion مرگ، قوه ویرانگر، مصیبت،

مار (Serpent)<sup>۵۳</sup> نمادی جهانی و پیچیده، نرینه، مظهر طبیعت، غریزی آغازین، واسطه آسمان و زمین و جهان زیرین مظهر پرتوهای شمسی، مار چنبر زن، بیداری و قوه پویا، در کنار درخت حیات مفهومی خیرخواهانه دارد و در کنار درخت موناوی زیان بخش و مظهر زهرش در جهان عینی است.

پرنده گان (Birds): صعود به آسمان، اندیشه، تخیل، پرنده گان اغلب مظهر ایزدان شمس هستند. شاهین (Eagle): شمس نماد همه ایزدان آسمان، خورشید نوروزی، اصل روحانی، معراج، رهایی از بند، پیروزی و تکبر، درون نگری، تجلیل در حد خدایی، سلطنت، اقتدار، قدرت، رفعت، عنصر هوا می پنداشتند.

بلدرچین (Quai): تداعی گر شب، همین طور نیک بختی و مهاجر

طوطی (Parrot) تکرار بی خردانه

پرستو (Swallow): خوش اقبالی

پلیکان Pelican: مظهر قربانی و شفقت و ترحمش شد چون که از خون خود جوجه‌های به دنیا آمده اش را غذا می داد.

حواصیل (Heron): مراقبت و آرامش این پرنده پرنده ی آب‌ها نامیده می شود

جغد [owl]: دو خصلته است هم پرنده فرداست و هم تاریکی و مرگ

خروس [coak]: پرنده شمسی، نشانه ایزدان خورشید، اصل مذکر، پرنده شهرت، برتری، شجاعت، سپیده دم، دو خروس در حال جنگ مظهر نبرد زندگی است خروس سیاه نماینده اهریمن است خروس در ایران پرنده سلطنتی است.

مرغ Hen: زایش مراقبت مادرانه - مرغ سیاه مظهر شیطان صفتی یا جنبه‌ای از اهریمن است مرغ تاجدار مظهر نطفه مونث یا زن بی‌باک است.<sup>۵۴</sup>

ماهی Fish: نشان‌دهنده آب‌های زیرزمینی و الهه‌های زیرزمینی می‌باشد.

طاووس (Peacock) شمسی با پرستش درخت و خورشید تداعی می‌شود مظهر بی‌مرگی است و طول عمر، عشق، ستارگان آسمان، تکبر در اسلام نور که «نفس را چون طاووس گسترده دم می‌دید» چشم طاووس ملازم چشم دل است در ایران طاووس‌های ایستاده در دو سوی درخت حیات مظهر مثنویت و طبیعت دوگانه انسان هستند طاووس نشان دهنده سلطنت و تخت سلطنتی پارسیان نیز هست. [تخت طاووس]

شتر مرغ (Ostrich): پر شتر مرغ مظهر حقیقت و عدالت است زیرا پرها کاملاً یک اندازه‌اند.

لک لک Stork: لک لک پرنده با شکون و نماد آمدن بهار و زندگی نو است

### ب) گیاهان

درخت: Tree، رحمت الهی، درخت همیشه سبز مظهر زندگی ابدی، روح نامیرا و بی‌مرگی است درخت حیات و درخت معرفت در بهشت رویدند در اسلام: درخت رحمت الهی نه در شرق نه در غرب، نورالله که زمین را منور می‌سازد (درخت زیتون هم روزی دو است و هم روغن چرا) (سوره نور آیه ۳۵)، درخت وارونه شادی در آسمان برین ریشه دارد شاخه‌هایش را بر زمین گسترده است از درخت آسمانی طوبا یا سدره در مرکز بهشت، چهار رودخانه آب، شیر، عسل، شراب، جریان می‌یابد، درخت عناب مرز غیر ممکن را می‌نماید درخت کیهانی در قله کیهان می‌روید و مظهر عمه عالم است در ایران هفت شاخه درخت کیهانی از جنس طلا، نقره، برنز، مس، قلع، پولاد و آهن بر آمیخته است دو درخت در آیین زرتشت وجود دارد شاخه Bough/brench در پیوند است و یکی از نمادهای عروسی است.

<sup>۵۴</sup> - کوپر، جی‌سی. فرهنگ مصور نمادهای سنتی، نشر فرهاد، ص ۳۲۸، ۱۳۷۸



خرما: date باروری، حاصلخیزی، خرما باروری جنس مذکر و انگور باروری جنس مونث است.

انجیر و درخت انجیر Tree or pipal باروری، زندگی با صلح، کامیابی، گاهی درخت انجیر به معنی درخت معرفت است و درخت بهشتی در اسلام.

انگور: (Grapes) خرد، یک شاخه انگور نشانه ایزدان، کشاورزی و باروری است، نماد قربانی است، جوانی

انار [Pomegranate] بی مرگی، کثرت در وحدت حاصلخیزی؛ وفور [در اسلام انار یکی از درختان بهشت است]

نیلوفر آبی (Lotus):<sup>۵۵</sup> یا سوسن، شمسی و قمری تولد و مرگ نماد انسان فوق‌العاده یا تولد الهی زیرا بدون هیچ ناپاکی از آب‌های گل‌آلود خارج می‌شود ایزدان از نیلوفر بیرون می‌آیند همراه با گاو نر نیلوفر شمسی است و با ایزدان خورشید همراه است در کنار گاو ماده قمری است و نشانه ایزد بانوان همراه شیر به صورت مکرر، قوچ، گوزن، غاز، قو، ظاهر می‌شود.

### ج) درندگان

ابوالهول یا اسفنگس (Sphinx) مرکب از سر مرد یا زن بدن گاو نر، پاهای شیر و بال‌های شاهین مظهر ترکیب چهار عنصر و نماد راز، نیروی شمسی است، اسرار آمیز و معماگونه، رع، (Ra) ایزد خورشید، خرد، ابوالهول ماده با سر

قوچ criosphinx نشان دهنده سکوت است، ابوالهول با بدن شیر بدون بال یعنی قدرت، ابوالهول با سر انسان به معنای روح مسلط بر غرایز حیوان پنداشته شده است.

اژدها: Dragon دربارهای شکل اژدها و هیئت آن در کتب فارسی دوره اسلامی مطالب متنوع و گاهی خیالبافانه‌ای آورده است: مسعودی در مروج الذهب اژدها را موجودی مارشکل یا ماری عظیم دانسته است. بعضی دیگر گفته‌اند که اژدها جنبنده‌ای است که در قعر دریا به وجود

<sup>۵۵</sup> - کوپر، جی.سی. فرهنگ مصور نمادهای سنتی، نشر فرهاد، ص ۳۷۰، ۱۳۷۸

می‌آید و بزرگ می‌شود و حیوانات دریا را آزار می‌دهد و خداوند ابر و فرشتگان را می‌فرستد تا آنها را از میان حیوان دریا بیرون آرند و به شکل ماری سیاه است که برق و صدایی دارد و دم آن بنای بزرگ یا درخت یا کوهی رسید آن را در هم کوبد، گاه باشد که تنفس کند و درخت تنومند را بسوزد و ابر آنها را به دیار یا جوج و مأجوج افکند و باران بر آنها ببارد و اژدها را بکشد. همچنین می‌گویند که اژدهای نگهبان به آسمان صعود کرد و در آنجا، صور فلکی مار (حیه) را تشکیل داد (گرمال، ۱۳۶۸: ۳۹۴). آتش هفت اژدها کواکب سبعة است.

اژدها در مذهب مزدیسنا از مخلوقات اهریمن است (رضایی، ۱۳۷۸: ۳). در افسانه پردازی سراسر دنیا به جز چین اژدها نمودار نیروهای پلید و ناپاک است اژدها آب را از بارور کردن باز می‌دارد و می‌خواهد خورشید و ماه را فرو برد یکی از مشخصات اساطیر آریایی آن است که پهلوان در یکی از ماجراهای خود با اژدها روبرو می‌شود و به پیکار می‌پردازد.

اژدها - "مار بالدار" ترکیبی است از مار و پرنده (کوپر، ۱۳۷۸: ۱۷)، به معنی ماده و روح که نماد ایزدان آسمان و نمایندگان زمینی آنها یعنی امپراتوران و شاهان نیز هست در ادیان توحیدی اژدها به مفهوم شر است.

سیمرغ Simurgh: ترکیبی از طاووس، شیردال، شیر و سگ واسطه دو جهان، دورویی و موزیگری.

شیردال Gryphon در علائم نجابت، درنده‌ای افسانه‌ای است که سر و چنگال شاهین و بدن شیر دارد و بدون بال است نماد خورشید، آسمان، نور صبحگاهی است.

ققنوس Phoenix پرنده‌ای افسانه‌ای که از میان شعله‌ها بر می‌آید، مرگ و رستاخیز، نوزایی به کمک آتش

هارپی Harpy دارای سر و سینه‌های زن با پنجه‌های کرکس تداعی گر مرگ ناگهانی، گردبادها و طوفان‌ها، جنبه ویرانگری اصل مونث.

## (د) صور فلکی

اختران پدید آورنده ۱۲ صورت فلکی اند، بز و گاو، دو پیکر، خرچنگ، شیر، خوشه، ترازو، کژدم، کمان، بز، دلو، ماهی (رجبی، ۱۳۸۰: ۴۴۰). هر اختر یا برجی ۹ میلیون و چهارصد و ۸۰ هزار ستاره فرد یا ورد دارد (همان: ۴۴۵). همچنین ابختر ستاره شمال و هرمزد مشتری است به طور کلی همه سیارات بزرگ نماد آمیختگی و تعامل تمامی قوای بنیادی عالم طبیعت هستند خورشید مرکز کره عالم و مریخ و مشتری و زحل بخش علیا و زهره و عطارد و ماه بخش سفلی آن هستند. سیارات به استثنای خورشید، نسبت به زمین رتبه بالاتری دارند. در اسلام هر سیاره بر اقلیمی دلالت دارد.

خورشید (Sun): نماد آن دیسک شمسی و گاهی نیز پرتو است. دایره‌ای با نقطه مرکزی و اشکال بی‌شمار دیسک و دایره مشعشع، ارابه‌ای که چهار اسب سفید یا طلایی آن را می‌کشند اگرچه شمار اسب‌ها متغیر است. خورشید نشانه همه ایزدان شمسی و میکائیل فرشته مقرب است مظهر مرکز، قلب، مرکز معرفت شهودی، نیروی لامسه و اعتقاد، احساسی، خیال انگیز رنگ آن طلایی است، موکل بر فلز طلا، روز یکشنبه، موقعیت سمت راس، سن جوانی، کل کانسی یا فریون است [در احکام نجوم پس از اسلام رنگ خورشید سرخ فام و زرد، فلزش آهن و مس است و بخشی از عمر که بر آن دلالت می‌کند میانه عمر و مردی است] خورشید تجلی خدا، هستی ساکن در بیشتر سنت‌ها خورشید پدر و ماه مادر عالم هستند نمادهای خورشید چرخ گردون، دیسک، دایره، نقطه مرکزی دایره مشعشع در اسلام عین... هبیر، علیم خورشید انعکاس خورشید آن سوی حجاب است.

ماه (Moon) نماد آن هلال، یا زن جوانی سوار بر ارابه است در حالی که ترکشی را نگه داشته یا زن شکارچی ایستاده در حالی که ترکش دارد و گل‌ها همراه ویند. مظهر زمان، جنبش، تولید مثل، زاد و ولد و بارداری، روح حیاتی که جسم و جان را با هم حفظ می‌کند، عمل غیر ارادی و غریزی است.

شق القمر مظهر مثنویت در عالم تعیین است هلال ماه یعنی الوهیت و اقتدار که نمادی از اسلام است گاه درخت حیات که روی قبور مسلمین حک شده همراه هلال ماه یا هلال بدر است در ایران ایزد ماه در کنار هور - خشککته یعنی خورشید ستوده شده است ماه هم در متون زن و هم پهلوی مذکر است.

زحل (کیوان) در اصل حکمران اصل طلایی و آسمان هفتم بوده است امروزه به شکل پیرمردی داس در دست نشان داده می‌شود ویرانگر، مرگ و تولد دوباره در نقش کرونوس (Cronos) به معنی زمان و سرنوشت است، گاهی کلای روی سرش نشسته است. ایزد زمین، منطق و عقل متفکر و عاقل، اصل اندیشه تجزیه گر انسان، همچنین تمرکز و انقباض و سترونی، زحل مظهر روح تاریک و پنهان در ماده است و با اژدهایان، افعی‌ها، روباه‌ها، گربه‌ها، موش‌ها و پرندگان شبانه تداعی می‌شود. در کیمیاگری زحل، سربی است که از آن در طی استحاله، مرحله درخشندگی یعنی طلا به دست می‌آید به رنگ سیاه، فلز سرب، رو شنبه؛ موقعیت شمالی؛ سن کهنسالی، گیاه آفتاب پرست سفیده است.

مشرتی: (برجیس) نماد آن فرد محترمی است که نشسته است. گاهی در یک ارابه و چوبدست و نیزه در دست دارد مظهر آفریننده با جان، فضای محدود، نیروی سازمان دهی قاطعیت، بیان احساسات، اراده عقلانی، پر انرژی و دلیر است. به رنگ آبی بنفش یا نارنجی، فلز قلع، روز سه شنبه، موقعیت مشرق، سن بلوغ.

مریخ (بهرام) نماد آن مرد جنگی است که گاهی بر اسب سواره است و پرچم یا نیزه و گاهی شمشیر یا شلاق حمل می‌کند مظهر همه چیز فعال و مشت و مثبت و مذکر، دلیری، آتش، به رنگ قرمز با فلز آهن، روز چهارشنبه، موقعیت جنوب، سن بزرگسالی، و گیاه بابا آدم دلالت می‌کند [در نجوم اسلامی روز سه شنبه و سن جوانی است]

زهره [ناهید]: نماد آن زنی به صورت‌های مختلف است معمولاً لباس گشادی بر تن دارد و برگ بر روی در دست دارد به سبب آنکه ستاره صبحگاهی است و هم در آغاز شب دیده می‌شود هم

شمسی است و هم قمری و مظهر وحدت اضداد است، تابع ماه است و از خورشید زودتر طلوع می‌کند، او مظهر آب‌ها با انفعال جنس مونث، رنج‌ها، هوس‌ها، آرزومند، مادر آفریننده و خیال پردازی است به رنگ سبز، زرد کمرنگ یا فیروزه‌ای، فلز مس، موقعیت مغرب، روز جمعه، سن نوجوانی گل رز سفید و شاه پسند دلالت می‌کند [در نجوم پس از اسلام رنگ زهره بیشتر سفید است و برخی هم آن را سبز میدانند، جنگ جوانی]

عطارد (تیر) نماد آن مرد صندل پوش با کلاه بی لبه بالدار و حامل عصای هرمس است، علامت‌های مشخصه دیگر آن عبارتند از خروس و قوچ، نشانه‌ای تلفیقی از ماه و خورشید، عناصر آب و آتش است او پیک؛ بیدار کننده، ایقاع، راز آشنایی، واسطه‌ای اتصال دهنده تناقضات و تلفیق کننده اضداد است از این رو هم به صورت نرد و هم ماده مجسم می‌شود، نیروی بیان توصیف احساسات، و اندیشه تحصیلی در کیمیاگری عنصر پنجم (گوگرد) است به رنگ ارغوانی یا آبی تیره، فلز جیوه، روز دوشنبه، موقعیت تمرکز، سن جوانی، گل سنبل الطیب و فندق دلالت می‌کند [در نجوم بعد از اسلام رنگ خاکستری، فلز برنج، روز چهارشنبه، سن کودکی است.

اورانوس: فضای نامحدود، غیر مرئی، اراده

نپتون: اقیانوس آغاز هستی، منشا همه چیز

سیارات سعد عبارتند از زحل و زهره و سیارات نحس مریخ و مشتری، عطارد دارای هر دو ویژگی است. سیارات مذکر خورشید - مشتری مریخ و مونث ماه و زهره است عطارد سیاره‌ای دو جنسی است.

تشر: ستاره‌ای است که نطفه آب، زمین و گیاهان با اوست و برای این که بتواند به سرزمین خشک و تشنه آب باران ارزانی بدارد باید بر اپوش دیو خشکی چیره گردد، ایزوتشریکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین ایزدان کهن ایران باستان است که جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ مردم ایران داشته است. در آیین کهن ایرانیان آب سرچشمه زندگانی و یکی از چهار عنصر مقدس

بوده و از آلودن آن پرهیز می‌شده است و بالطبع ایزدان مربوط به آب چون آناهیتا (الهه نگهبان آب)، تشر (ایزد آورنده باران) بسیار عزیز و محترم بوده‌اند و گواه آن دویشت مهم اوستاد آبان یشت و در مورد آناهیتا و تیریش شرح و بیان زندگانی و مبارزات تشر برای دستیابی به آب و باران است که به این دو ایزد اختصاص داده شده است برای بزرگداشت تشر همان بس که اهورامزدا خطاب به زرتشت می‌گوید «ای زرتشت، من تشر را سزاواری برای ستایش و نیای، هم ارج خود آفریدم»

در نجوم تشر یکی از چهار ستاره بزرگ بوده و به آن شعرای یمانی نیز گفتند ستاره‌ای که سرور تمام ستاره‌هاست از همه ستارگان پرنورتر است و در رأس ستارگان قدر اول در شرق آسمان قرار دارد تشر برابر تیر دانسته شده است که مشتق از صورت فرضی (تیری) (یکی از خدایان قدیم ایران است ولی باید توجه داشت که تشر با تیر عطارد یکی نیست و فقط تشابه الهی است). تشر با میکائیل در اسلام فرشته رزق و روزی است و «تشر» نیز آوردند، باران، آب و نعمت است. در اوستا تشر «از نژاد» (ایم نیات) (ایزد آب و آتش که در هیأت برق است و با دو صفت رایومند و فرهمند معرفی شده او سرور همه ستارگان و ستاره‌ای سپید و درخشان و دور پیدا، سپاه شوق و ایزد باران است تشر سرشت آب دارد از این روی رویاننده گیاهان نبود کننده بیماری‌ها و هستی بخش، شفا بخشنده، نعمت به مردمان و آورنده سال نیک و پربرکت است بازدارنده دشمنان از افول به کشورهای آریایی و حامی آنهاست و در نهایت منتشر سرچشمه دایمی آبی است، فرزند عطا می‌کند و جادوگران را در هم می‌کشد.

تشر در آخر تیرماه صبح در آسمان دیده می‌شود دو ماه بعد پیش از برآمدن خورشید بسیار با شکوه در طرف شرق می‌درخشد با ظهور تشر در آسمان باران نمی‌بارد، بلکه ایزد در ابتدا هنگام باران را معین می‌کند و نوید دهنده است و طلوع آن نشانه نزدیکی باران است.

تشر در سه مرحله پس از این و به سه شکل ظاهر می شود و مبارزه او بر ضد دیو خشکسالی آغاز می شود در بند هشت دربارن سه تظاهر تشر چنین آمده «تشر به سه تن بگشت، مردتن، آوتن، اسب تن شبانه روز در روشن پرواز کرد و به هر تنی ده شبانه روز باران آورد. در تیریشست نیز از سه نماد تشر و مبارزه او بر ضد دیو خشکسالی سخن گفته شده است.

در ادامه تیریشست به شرح نبرد تشر و اپوش (دیو خشکسالی می پردازد که اپوش دیو بر ضد او به پیر دست سیاهی، یک اسب کل با گوش ها و زدن و دم کل با یک اسب گر ظاهر می شود در روایات پهلوی آمده هر بار که اهورامزدا متنی از جهان را می آفرید به بهی و خوش، اهریمن در مقابل موجودات زشت و پر قهر و خشمی به وجود می آورد مهم ترین این آفریده ها اپوش دیو خشکسالی است در نبرد اپوش و تشر یارانی تشر را همراهی می کنند تا ابرهای باران را در آسمان ظاهر شود و باران زندگی بخش بیارد و به مردمان برکت و نعمت ببخشد علاوه بر این یاران که تشر را همراهی می کنند مردم نیز باید دعا کنند و مراسمی برای او اجرا نمایند تا بتوانند تشر را یاری دهند آنگاه از برای او ممالکت آریا باید برسم بگستراند از برای او (تشر) یک گوسفند سفید یا سیاه یا رنگ دیگری بریان نمایند.

این اسطوره در فرهنگ مردم ایران جایگزین شده و در دوره اسامی تا حال نیز با تغییراتی مراسم برای بارش باران و آب انجام شده است تداوم انجام اینگونه مراسم بیانگر انتظار همیشگی این مردم برای باریدن باران است در نهایت افسانه تشر اشاره به سلسله تضاد و تشر میان خیر و شر، روشن، تاریکی، خوبی و بدی و بالاخره خشکسالی است (لک پور، ۱۳۷۳: ۳۳۹).

منطقه البروج (Zodiac) نماد ارتباط و تغییر دایره وار و فصلی در عالم؛ به معنی چرخ زندگی؛ هماهنگی کثرت و وحدت؛ نشانه های مذکر عبارتند از حمل، جوزا، اسد، قوس، دلو و نشانه مؤنث عبارتند از، سرطان، سنبله، عقرب جدی، و حوت.

حمل (Aries) آتش عمده ، قوچ ، گرمای آفریننده ، تجدید انرژی شمسی ، سپیده دم ، تداوم ، طول عمر ، ثروت ، الماس به معنی پاکی ، متانت ، شکست ناپذیری ، قدرت و بی باکی ، گل آن درمنه و پر طاووسی و سنگ‌هایش مجرالدم به معنی دلیری است .

ثور (Taurus) زمین ثابت . گاوئر ، شمسی ، تجدید آفرینندگی بهار ، انرژی ، شیردهی ، از گلو نفوذ می کند ، گل‌هایش عبارتند از شاه پسند و شبدر ؛ سنگ‌ها ، یاقوت کبود در مفهوم صلح ، تنویر ، مشیت الهی ، شادی و فیروزه به معنای دلیری و موفقیت است .

جوزا (Gemini) : هوای ناپایدار ، دوقلوها ، غالباً یکی از آن‌ها سفید و دیگری سیاه است یعنی ثنویت ، منفی و مثبت و ضدین ، تفکیک ، زندگی و مرگ ، از شانه‌ها و بازوها نفوذ می کند گل آن ماهور است سنگ آن عقیق در مفهوم نیرومندی ، قدرت و کامیابی است .

سرطان (Cancer) آب عمده ، خرچنگ ، ماه ، آب‌ها ، انقلاب تابستانی و نیروی کاهنده خورشید ، از سینه و شکم نفوذ می کند گل آن هماور است و سنگ‌هایش مجرالقمر چون قمری است ، الهام و عشق ، و مروارید به معنای نیروی آب‌ها ، پاکی و اشک‌ها ، زمررد در مفهوم پایداری و شادابی خانگی .

اسد (Leo) آتش ثابت ، شیر ، خورشید ، شیر درنده ، بصیر مطلق ، اراده ، احساسات ، سلطه ، خلاقیت ، بلند همتی از قلب ، جگر سفید و جگر سیاه نفوذ می کند ، گل آن پنجه مریم است ؛ سنگ‌های آن کرکند است چون شمسی است و کمر با به معنی الهام و دوستی و عقیق زرد به معنی درخشش و دلیری .

سنبله (Virgo) زمین ناپایدار ، مؤنث ، باکره آسمانی ، خرد ف مادر باکره را تداعی می کند ، گاهی به صورت زنی که خوشه غله در دست دارد . تصویر شده است . گاهی نیز به صورت پری دریایی که کودکی در بازوهایش دارد . از راه شکم و روده نفوذ می کند گل آن نعناع است . سنگ‌هایش عقیق گلگون است به معنی هماهنگی و سلامتی و یشم به معنی عالی ، پاکی .



میزان (Libra) هوای عمده ، کفه‌های ترازو یا یا زنی که ترازو در دست دارد ، توازن بین دو طبیعت حیوانی و روحانی انسان از ستون فقرات و نخاع نفوذ می کند گل آن چمن سوزنی یا دم عقربی است سنگ‌هایش سنگ هفت رنگ به معنی دوراندیشی و دوستی است و لاجورد به معنی دلیری و موفقیت و مشیت الهی .

عقرب : (Scorpio) آب ثابت ، کژدم ، می تواند ضمناً با شاهین ، ققنوس یا مار نیز نمادین شود ، هر آنچه که مظهر مرگ و رستاخیز ، نمادهای مرگ، بی اندامی و اتحاد دوباره است . از کلیه‌ها و آلات تناسلی نفوذ می کند ، گل‌هایش درمنه، گل گاوزبان است ؛ سنگ‌هایش لعل در مفهوم کامرانی و موفقیت اما در حین حال خونریزی است و زمرد در منی امید و جوانی و عشق و زناشویی . قوس (Sagittarius): آتش ناپایدار، کمان دار، تیر، سانتور ، همه مردم با طبیعت حیوانی و روحانی‌شان تیر و کمان نماد نیرو، جهت آن و کنترل آن است از ران‌ها نفوذ می کند سنگش گرگند در مفهوم تر است، مشیت الهی و ایمان و قدرت. جدی (

Capricorn): زمین عمده، بز، بز دریایی، دلفین یا حیوانی با بدن ماهی، یا به صوت مار دریایی نیز نشان داده می شود، به شکل نیمه بز ، نیمه ماهی ، در طبیعت دوگانه زمین و دریا ، اوج و عمق است از زانوها نفوذ می کند گل آن زشک است (چون بوی بز می دهد) سنگ‌های آن پشم است که مقدس است همینطور جرع به معنی الهام ، قدرت و یا قوت سرخ به معنی زخم ناپذیری

طول عمر. دلو (Aquarius): هوای ثابت ، تصویر آبی که از کوزه دسته دار بیرون می ریزد ، آب ریزنده ، چرخه مرگ و زندگی دوباره از پاها نفوذ می کند ، گل آن آلاله و رازیانه است سنگ‌هایش بیجاده به معنی سلامتی و خلوص و زرگون در مفهوم خرد و احترام هستند.

حوت (Pisces) آب ناپایدار ، ماهی ها ، دو ماهی در دو جهت متفاوت مظهر آمدن و رفتن ، گذشته و آینده ، پایان یک چرخه و آغاز چرخه تازه است از پاها نفوذ می کند گل آن زراوند و چیپک، سنگ آن حمسبت است به معنی پرهیزکاری ، توکل فروتنی است .

منطقه البروج اسامی شش صورت «شمالی» (مرطوب) و شش صورت «جنوبی» (خشک) دارد ، نشانه‌های حمل اسد ، قوس آتش ، داغ خشک و شرقی هستند. ثور ، سنبله ، جدی زمین ، سرد خشک و جنوبی ، جوزا ، میزان دلو ، هوا ، داغ و مرطوب ، غربی ، عقرب ، سرطان ، حوت ، آب ، سر ، مرطوب و شمالی هستند.

### ۵) اشکال هندسی

بیضی (Ellipse) : دو خصلته است یعنی هبوط و صعود ، بسط و قبض را نشان می‌دهد .  
 دایره (Circle) : نمادی جهانی . تمامیت ، کلیت ؛ تقارن ؛ کمال اولیه ؛ گردی طبیعی ترین شکل محسوب می‌شود از این رو مقدس است ، لایتناهی ؛ زمان بی زمانی چراکه نه پایانی دارد و نه آغازی ، نماد لامکانی زیرا نه بالایی دارد و نه پایینی ، حرکت بی پایان ؛ اتمام کار ؛ به صورت خورشید ، مظهر نیروی مذکر است ؛ نیلوفر ، زنبق و گل سرخ تداعی گر دایره هستند و در بیشتر معانی آن اشتراک دارند در ستاره شناسی تصویر گر خورشید است . نماد همه ایزدان خورشید ، سه دایره متحدالمركز یعنی گذشته ، حال ، آینده ، سه قلمرو خاک و هوا و آب ، آسمان ، زمین ، دوزخ ، دایره بالدار مظهر جفت کیهانی آغازین ، نیروی ناشی از آسمان ایزد خورشید ، و نیروی شمسی ، دایره‌های توأمان نرینه و مادینه ، عشق و عقل هستند دایره شمسی هفت پر نماد دانای مطلق و کمال و هفت آسمان هستند در اسلام هم دایره نشانگر گنبد آسمان و نور الهی است .

مثلث (Triangle) : ذات سه بخشی عالم ؛ آسمان و زمین و انسان ، پدر و مادر و کودک ؛ مثلث با رأس رو به بالا ، شمسی و نماد زندگی ، آتش ، شعله ، گرما - مثلث با رأس رو به پایین ، قمری است ، اصل مؤنث نماد مادر کبیر در نقش زاینده است .  
 دو مثلثی که به شکل افقی رأس به رأس قرار دارند ، قمری اند ، مظهر ماه کاهنده و افزاینده ، بازگشت ابدی ، مرگ و زندگی .

مربع (Square) : زمین ، دایره آسمان در تضاد است ، کمال استیا ، تغییرناپذیری ، مظهر درستی ، سر راستی ، یکپارچگی ، نشانگر محدودیت است .

مکعب (Cube) کره در نقش قلمرو آغاز هستی، در کنار مکعب مظهر مرحله نهایی چرخه ساکن است در اسلام کعبه مکعب است مظهر ثبات و تکامل ایستا است.

### ی) دیگر مفاهیم نمادین

آب‌ها Water: منشا همه مخلوقات هستند، منشا هستی و گور مخلوقات در عالم، تجزیه نشده، آب‌ها نماد مادر کبیر هستند و تولد اصل مونث آب‌ها با تغییرات دائمی جهان عینی، ناهشیاری و فراموشکاری برابر شده‌اند، آب‌ها حل می‌کنند، بر می‌اندازند، پاک می‌سازند، می‌شویند و از نو پدید می‌آورند، آب به صورت باران یعنی نیروی لقاح ایزد آسمان یعنی باروری، آب به صورت شبنم یعنی موهبت و رحمت الهی توان دهی معنوی و نور بامدادی آب و آتش تداعی‌گر اصل مهم آسمان پدر و زمین مادر هستند.

آتش / شعله Fire/Flame استحاله، تطهیر، نیروی زندگی بخش و مولد خورشید، تجدید حیات، بارورسازی، نیرو، قدرت، انرژی، نیروی جنسی، سری که از آن شعله بر می‌خیزد مظهر نیروی الهی و توان بالقوه جان یا ذکاوت است آتش و شعله معرف قلب هستند هر دو دارای دو خصلت هستند هم الهی و هم ایمنی‌اند، هم آفریننده و هم ویرانگرند وسیله بلع آفرینندگان تا آن‌ها را به مدت اولیه برگرداندند از آنجایی که نابود کننده دروغ و جهل و مرگ و سوزاننده ناپاکی هستند، مظهر حقیقت و معرفت به شمار می‌روند. نمادهای آتش عبارتند از مثلث با راس رو به بالا صلیب شکسته، یال شیر، مو، سلاح‌های تیز و...

در پرستشگاه پاریس آتش به مفهوم مقدس، جایگاه الوهیت و نور الهی در جان انسان است نیروی شمسی است اگر (Atar) نماد آتش الهی در آسمان و چوب است تداعی کننده نظم و قانون نیز هست در آیین زرتشت "همه چیز از آب بود جز تخم مردان و گوسپندان، زیرا آنان را تخمه، آتش تخمه است.

آسمان (Heaven) زمین و آسمان مظهر ماده و روح و اصل‌های مادر و پدر هستند، به جز در نمادها مصری توتنی و اقیانوسیه‌ای که وضعیت واژگونه است در خاور دور اژدها نماد آسمان و بیر سفید نماد زمین است مه و کوهستان، آب و گاو نیز نماد این دو هستند.

ابرها (Clouds) سپهر، هوا، ناپایداری، باران، یا وضعیت ملکوتی مثل زمانی که فرشته‌ای یا فردی ایستاده روی ابر تصویر می‌شود یا دست ایزدی از ابر بیرون می‌آید ابر نورانی نشان دهنده تجلی خداست.

ارابه Chariot: مرکب جسم بشر همراه با اسب شمس به معنی مرکب روحانی است اربابهایی که اربابهایی که اربابهایی از اسب‌های سفید را می‌کشند نشانه‌های ایزدان آسمان هستند که اربابه خورشید را در آسمان به حرکت در می‌آورند اربابه‌های آتشین یعنی صعود به آسمان به کمک روح، پس اربابه‌ها نماد نبرد هستند، اسب‌های سفید معنویت و پاکی، راننده مظهر اندیشه، عقل یا روح هادی جسم است دو چرخ آسمان و زمین چهار اسب جنگی که نماد چهار عنصر و چهار خدای مربوط به آن‌ها هستند اربابه مغان را می‌کشند چهار اسب سفید باد و باران، ابر و تگرگ باشد کشنده اربابه آن‌ها Anahita ایزد بانوی باروری هستند او همراه میترا ظاهر می‌شود.

پیروزی Victory: نمادهای پیروزی نخل، تاج، حلقه گل و بال‌هاست.

تیر Arrow عذاب الهی که بر دشمنان نازل می‌شود.

ثالوث Triad ثالوث‌ها با تثلیث‌ها که در نهایت به وحدت سه در یک تبدیل می‌شوند متفاوتند زیرا ثالوث‌ها از همه مجزا هستند مانند ماهید - ماه - خورشید در ستاره شناسی آتش - نور - ایثر در آیین زرتشت و ثالوث بزرگ تاروایی، آسمان - انسان - زمین، خدا - بشر - طبیعت واسطه‌ای است بین هر آنچه که آسمانی و زمینی است

حجاب و نقاب (veil) تاریکی پیش از سپیده دم، نقاب دوم محافظ حقیقت است و هم جوینده حقیقت حجاب نمایانگر طبیعت الهی است اسلام می‌گوید حجاب جایی است که بین سالک و هدفش واقع می‌شود حجاب محجوب را از ملعون و مومن را از مرتد جدا می‌کند.

دایره circle در اسلام گنبد، گنبد آسمان و نور الهی است.

شاخ cornucopia وفور نعمت، فراوانی، وفور - سخاوت بی پایان، باروری - پرباری

شمشیر Sword نیرو حفاظت، اقتدار، رهبری، عدالت، قدرت، اصل مذکر در حالی که نیام موث حفاظت کننده است در اسلام نماد مومنین علیه کافران، و جهاد انسان علیه شر درونی اش است ( کوپر، ۱۳۷۸: ۱۳۱). هلال Crescent: در اسلام مظهر الوهیت و اقتدار است (همان: ۳۸۳).

### منابع

۱. بهار، مهرداد (۱۳۶۲) پژوهشی در اساطیر ایران، طوس،
۲. پرنیا حسن (۱۳۸۳)، عصر اساطیری تاریخ ایران.
۳. حریریان محمود (۱۳۷۷) ، تاریخ ایران باستان - انتشارات سمت .
۴. خدادادیان اردشیر (۱۳۸۳) تاریخ ایران باستان، تهران سخن
۵. دلکور ماری (۱۳۷۸) ، جهان اسطوره شناسی ترجمه جلال ستاری، نشر مرکز .
۶. رجبی، پرویز (۱۳۸۰). هزاروهای گمشده، انتشارات توس.
۷. روتون ک. ک (۱۳۷۸)، اسطوره- ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور نشر مرکز .
۸. رضی هاشم (۱۳۸۲) دین و فرهنگ ایرانی انتشارات گلرنگ کلیات
۹. رضایی عبدالعظیم (۱۳۸۰) گنجینه تاریخ ایران، انتشارات فکر روز،
۱۰. زنجانی محمود (۱۳۱۳) تاریخ و تمدن ایران باستان، آشیانه کتاب .
۱۱. فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه فردوسی به کوشش دبیر سامتی، جلد سوم،
۱۲. کوپر، جی سی (۱۳۷۸) ، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، نشر فرهاد.
۱۳. کریستین سن آرتور ( ۱۳۷۹)، ایران در دوره ی ساسانیان ترجمه رشید یاسمی انتشارات قصه پرداز.
۱۴. گری جان (۱۳۷۸) ، اساطیر خاور نزدیک نشر اساطیر
۱۵. گرین راجر لنسلین (۱۳۶۲) ، اساطیر ایران، سروش .
۱۶. گریمال، پیر (۱۳۶۸). فرهنگ اساطیر یونان و روم، انتشارات دانشگاه تهران،
۱۷. لک پور- سیمین (۱۳۷۳) سازمان میراث فرهنگی (نقش مابه تشر در ظروف فلزی ساسانی.

۱۸. مک کال هنریتا (۱۳۸۱)، اسطوره‌های بین‌النهرین نشر مرکز .
۱۹. مسعودی (۱۳۴۴)، مروج‌الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی،
۲۰. هوار کلمان (۱۳۷۹)، ایران و تمدن ایرانی، ترجمه حسن انوشه - انتشارات امیر کبیر .

## چکیده انگلیسی مقالات

### **A brief look at the historical and ecological developments of Ilam civilization**

Habibollah Mahmoudian ph.d

#### **Abstract**

Ilam was one of the great civilizations of the Middle East in ancient times, located in the southwestern part of the Iranian plateau and within the Persian Gulf. Historical and archaeological studies show that from the northern shores of the Persian Gulf to Asia Minor and the eastern shores of the Mediterranean and Egypt, more than sixteen civilizations were born and spread in ancient times, the oldest of which is Ilam. The rise of Ilam dates back to 4500 BC and has lasted for 3860 years in the history of the ancient world.

Ilam has been associated with other civilizations, including Mesopotamian civilizations (Sumer, Akkad, Babylon, and Assyria). Examining the history of developments with the archeology of ancient Ilam and its various events and happenings, further clarifies the various dimensions of this relationship. The cultural impact caused by these issues has been indicative of the political, social and economic relations between Ilam and Mesopotamia. Therefore, the study of the cultural developments of Ilam and the civilizations of Mesopotamia has also been considered. Therefore, in this article, an attempt has been made to introduce a part of the historical identity of this great land by using the resources and findings obtained from research projects.

**Keywords:** Madacto, Choghaznabil, Mesopotamia, Inshushinak, Alamto, Karkheh.

## **Investigating the settlements of the Neolithic period in Western Zagros Case study: Caves and shelters of Holillan).**

Parisa Pourmohammadi, Azadeh Mahmoudian

### **Abstract**

Archaeological excavations in recent years have led to the identification of many places and sites of human life from prehistoric times. The process of forming settlements and the creation of primitive human spaces in the Zagros and the remnants of these places have provided valuable information about human life during this period.

Geographical features, water resources, favorable climate in highlands, slopes and other parts of the huge Zagros mountain range (fertile crescent) have led to the formation of several settlements such as caves, rock shelters, crypts, etc. belonging to different prehistoric times. It is within this geographical range. Holillan and Zardlan region is located on the banks of the Saymareh River (in the province of Ilam in the western Zagros province) and has valuable works and evidences in terms of human life before history, especially during the Neolithic period.

In this article, while introducing some caves and stone shelters belonging to the Neolithic period in this region, an attempt has been made to present some of the findings from scientific research in this field.

**Keywords:** Holillan, Neolithic Age, Stone Shelter, Pal baric, Sarcham, Zardelan.



## Archaeological developments in the Alshtar plain in the Middle village settlement period.

Enayatollah Nourian, colah kaj

### Abstract

The period of rural settlement in Iran begins from the middle of the sixth millennium BC. This period is associated with extensive changes in social structures. Establishment in permanent villages, population growth and the formation of the first governmental communities can be considered the events of this period.

Knowledge and information about the cultural developments of this period of human life is possible by using field studies of archeology and other related sciences.

The purpose of compiling this article is to study the characteristics of the discovered pottery from the Middle Rural settlement period in AleShtar city in order to achieve a part of the history, civilization and culture of this region in ancient times. Identifying and introducing different types of pottery of the sixth and fifth millennium BC, cognitive types of modern Neolithic and old rural settlements, comparing its pottery with contemporary sites in the region and finally being aware of the trend of continuity or change in pottery traditions are in order to achieve this goal.

Therefore, this period, which archaeologists have named as the initial settlement, is unknown in Central Zagros. Since pottery is the most important and basic cultural material in studies. Therefore, pottery in the study areas has been used as a basis for understanding this period.

**Keywords:** Aleshtar, Middle age village settlement, Tappe Gyan, Goodin, Holillan, Urbanization.

## Archaeological study of the historical monument of Qala and Shahagh Fortress

Abdolmalek Shanbehzadeh

### Abstract

Shahagh Fortress is one of the collections of art works and one of the masterpieces of traditional architecture in Ilam province, which is located in the eastern part of "Bardi" village, Pahleh Zarrinabad region of Dehloran city.

This complex (Castle) on the southern slopes of the Great Kabirkuh Range in western Iran has survived from the past and belongs to the historical period, especially the Sassanid era and the early Islamic centuries. It seems that this place is on the same ancient route that connects Mesopotamia to Khuzestan and the middle part of the Zagros. Field studies show that these works include: the building of the Great Fortress, the Tower and various buildings that are considered important from the perspective of the history of architecture. Therefore, it is necessary to introduce this valuable work of Iranian civilization and culture. This article is the result of field research activities in archeology, which has been written and presented in order to achieve this important goal.

**Keywords:** Shahagh, Zarrinabad, Bardi, Kabirkuh, Maymeh, Mesopotamia, Pahleh.

**Nine Elamite inscriptions in Gunagi silverware;  
(X', Y', Z', F', H', I', J', K', L); New data on Elamite manuscript  
writing and the history of the Sukel Mach dynasty .**

François Douche, translated by Mandana Mahmoudi

**Abstract**

Nine Elamite manuscripts have been analyzed and presented in this paper. All inscriptions are written on a type of metal coil called Gunagi. Seven examples of these dishes are kept in the Mahbubian collection in London. This type of cup has the characteristics belongs to the end of the third millennium / early second millennium BC, while the names of the rulers of the early Sukel Mach "(Abrat II and Shileh, twentieth century BC) are written, and indicate the sequence of inscriptions on some of them. The purpose of this article is to understand the Elamite script. This paper uses typology, chronology, and significant iconography on these vessels. These analyzes show the value of the transliteration of some symbols. This study is the result of a technical memo, based on the chemical-physical experiments of thirteen samples collected from silver inscriptions, written in Elamite script.

**Keywords:** Bronze Age, Elamite Line Writing System, Gunagi Containers, Sokel Mach Series, Kamfiruz.

**An Attitude towards Mythology in the Ancient Persia.** Zohreh  
Seid Moradi

**Abstract**

Mythology represents the culture and way of thinking of people in ancient times and historical language from prehistoric times. Myths represent the continuity of a nation's cultural life and its history.

Myth is a symbolic narrative and expression. This expression can be writing, image, performing arts and even music. According to mythological texts, Pishdadians are the first dynasty in the history of Iran to be related to Kiomers. This dynasty of kings brought human civilization to the Iranians and were able to record using fire and exploitation of metals and other living things. This mythical period begins in Kiomers and ends in Garshasp. The history of mythology is part of the ancient culture of tribes and civilizations. Shahnameh is one of the great masterpieces of Iranian mythological history that Ferdowsi, the great poet of Iran, has organized this valuable work for thirty years. Therefore, familiarity with mythology can be considered important. In this article, an attempt has been made to provide scientific findings related to the mythological history of Iran and Mesopotamia and present some part of the mythological symbols.

**Keywords:** Myth, Epic, Legend, Pishdadian, Mitra, Gilgamesh.

### **In this issue you read:**

- 1- A brief look at the historical and ecological developments of Ilam civilization.** Habibollah Mahmoudian ph.d
- 2- Investigating the settlements of the Neolithic period in Western Zagros. Case study: (Caves and shelters of Holillan)**  
.Parisa Pourmohammadi, Azadeh Mahmoudian.
- 3- Archaeological developments in the Alshtar plain in the Middle village settlement period.** Enayatollah Nourian, colah kaj
- 4- Archaeological study of the historical monument of Qala and Shahagh Fortress.** Abdolmalek Shanbehzadeh
- 5- Nine Elamite inscriptions in Gunagi silverware; (X', Y', Z', F', H', I', J', K', L); New data on Elamite manuscript writing and the history of the Sukel Mach dynasty .** François Douche, translated by Mandana Mahmoudi.
- 6- An Attitude towards Mythology in the Ancient Persia.**  
Zohreh Seid Moradi

## General article features

The articles should be the result of authors' studies.

The article should not be published in another publication

The publication of the paper is subject to the final approval of the quarterly editorial board.

Acceptance of the paper for printing, after approval by the jury.

Responsibility for the content of the article is the responsibility of the author (s).

The magazine is free to edit its literary and technical content without altering its content.

The article should not be larger than the 20 standard pages of the Quarterly.

The full name of the author, grade, university, place of teaching or education, field of study and telephone number of the author are added on separate pages.

Submission of the article is possible only through the e-mail of the Ilam Studies Department.

The titles of tables, images, maps, drawings and charts are listed below with the number (description and mention of the source).

## Paper structure

the article should have the following structure:

Abstract, introduction, original text, conclusion, writing, sources and abstract.

Title: The overall title of the article is in a way that expresses the content of the article.

Author's Specifications: Includes name, family, degree, academic degree, and field of study, university where it is taught or studied.

Abstract: A comprehensive description of the article with limited terms, including: problem statement, purpose, research method and research findings. It should be noted that the abstract of the article should not exceed 200 words (12 lines).

Key words: It contains 4 to 7 specialized words that are important.

INTRODUCTION: The main issue is the main problem and the purpose of the research; in this section, research findings in the area of the problem should be briefly discussed.

Original text: Contains the main text of the article and can be

associated with the table, image, and graph.

Conclusion: Includes Summary and Conclusion

Writing: Important statements which comes after conclusion

Sources: listing article references based on journal structure

**English abstract:** English abstract should be exactly the translation of the Persian abstract

### **Text style**

the article should be written with the font B zar and the size 13, the distance between the lines of 1.15 (single) and in the word format.

Abstract, key words, references in parentheses, poems, and any thing that comes in parentheses should be written in size 11.

Direct transcripts of more than five rows, should be come apart from the original text, with a centimeter indent on each side and with the same font, but with a size of 11.

### **Referrals to resources**

References in the article should be documentary and based on valid evidences.

**Reference inside the text:** Author's surname, year of publication: page number(s),

Farsi example: (Negahban, 54: 1376), Latin: (Smith 1999: 33)

### **Reference to the book in the section of the final references:**

surname of the author, author's name, date of publication (in parentheses), title of the book, name and surname of the translator or editor, volume, print edition, publisher's name, Place of publication.

**Reference to the article:** author's surname, author's name, date of publication of the work (in parentheses), the title of the article (in parentheses), the name of the author or translator, the main title of the encyclopaedia or the journal, the period or year of publication, Number of article pages.

**Reference to the thesis:** The author's surname, the author's name, the year of defense (in parentheses), the title of the thesis,

The defense grade, the name of the supervisor, the name of the university and the school of study.

**Reference to historical documents:** title of document, classification and access number, name of book archive

**Referrals to Internet sites:** Surname of the author, author's name, date of entry in the website (in parentheses), title of article or work (in parentheses), electronic address of the website.

The sources of the paper are arranged alphabetically and based on the author's surname; the sources mentioned at the end of the article are the same sources used within the text.

The title of books and articles in the sources of the end of the article should be mentioned completely. Non-Persian sources should bring after Persian sources.

**Note:** All papers received will be judged by two judges

**Referees this issue:**

Dr. Khodakaram Mazaheri

Dr. Soheila Darvishi

Dr. Ebrahim Moradi

Dr. Lily Niakan

**Editorial board:**

Dr. Reza Ahmadi

Specialty: Forestry

Dr. Parisa Pourmohammadi

Specialty: Archaeological

Dr. Shahin Heidari

Specialty: Architecture-Energy

Dr. Haji Karimi

Specialty: Geohydrology

Dr. Reza Khani

Specialty: English Language and Literature

Dr. Ali Khaki

Specialty: Structural Architecture

Dr. Leyla Khosravi

Specialty: Archaeological

Dr. Soheila Darvishi

Specialty: Archaeological

Dr. Frangis Darvishi

Dr. Naser Rad

Specialty: International Relations



Dr. Masoud Shadman  
Specialty: History, Civilization, Nations  
Dr. Gholam Hossein Karimi Dousan  
Specialty: Linguistics  
Dr. Habibollah Mahmoodian  
Specialty: Archaeological  
Dr. Ebrahim Moradi  
Specialty: Archaeological  
Dr. Khodakaram Mazaheri  
Specialty: Archaeological  
Dr. Lily Niakan  
Specialty: Archaeological  
Dr. Siavash Yari  
Specialty: History of Islam.

## Quarterly Ilamology Studies

Quarterly Specialty Number 13 \* four year\*winter 1398

**Owner and responsible manager:** Dr. Habibollah Mahmoudian

**Editor:** Dr. Siavash Yari

**Managing Director:** Azadeh Mahmoudian

**Consultant: Engineer** Dr. Reza Khani

**Persian editor:** Hasan Afshar

**English Editor:** Dr. Parisa Pourmohammadi

**Review Page:** Masoumeh Safaeinia

**License number:** 78809 1395/10/6

**Publisher:** Zagro Publishing

**Number:** 500

**Baha:** 250,000 Rials

Address: Quarterly: Ilam, Ashrafi Esfahani Ave., Third Alley, No. 217

Postcode: 6931858315 - Phone: 08433334318

E-mail: habibmahmoodian@yahoo.com